



امروز، شما جوانان عناصر مؤثرید؛ ولی فردا ستون‌های انقلاب هستید. توجه کنید انقلاب را با ریشه‌ها و مبانی فکری و منطقی‌ش، به درستی بشناسید. مهمترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این نالودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خود را در زمینه‌های تزکیه و اخلاق پیش ببرید؛ این انشاء... ذخیره همه زندگی شما خواهد شد.

صاحب امتیاز: مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان

مدیر مسئول: حسین خاکساری هرندي

سر دبیر: مرضیه مقضی

شورای سیاست گذاری: دکتر نرگس عطریان، مهناز بیات

خبرنگار: سعید امامی

طراحی و صفحه آرایی: سلیمه افلاکی - ۰۹۱۳۲۶۸۵۶۹۵

چاپ: سینا - ۰۳۱۳۲۶۵۳۹۴۹

نشانی دفتر نشریه:

اصفهان، خیابان سروش، چهارراه عسگریه، کوچه محمدی، پلاک ۵، دبیرخانه فصلنامه زلال

تلفن: ۰۳۱ - ۳۲۲۸۵۴۰۶ **دورنگار:** ۰۳۱ - ۳۲۲۸۵۴۰۶

صندوق پستی: ۹۳۱۱۳ - ۸۱۶۳۸

ایمیل: Zolal . mahdgh@yahoo.com

سایت موسسه مهد قرآن و ولایت: www.mehad.org

از عزیزان اهل قلم و کسانی که در تهیه و تدوین این مجله ما را یاری رساندند همچون: دکتر نرگس عطریان، مهناز بیات، فاطمه سادات شاهزیدی، نفیسه سادات ناجی، زهرا نظری، آسیه دهباشی، انسی خوش آبادی، حجت الاسلام حسن امان الهی، عباس نیکزاد، محمدرضا اکبری، عباس عزیزی، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

فهرست	۱	روایت‌های مادرانه و همسرانه از زندگی با سردار شهید «احمد فروغی»	۲۶
لحظه ای تأمل	۲	ورزش‌هایی برای پشت میز نشین‌ها	۲۹
اداره زندگی پدرسالاری یا مادرسالاری...	۳	آموزش وقف	۳۰
حق همسایه بر همسایه	۶	احکام	۳۲
در دنیای اطلاعات فیلسوف باشید	۹	تنفس در فضای مجازی	۳۴
چه کنم همسر مرا دوست ندارد	۱۰	آشنایی با طرح حفظ قرآن یک ساله و دوساله در کنار تحصیل	۳۶
در محضر نهج البلاغه	۱۲	کودک و نوجوان هوشمند	۳۸
پرسش‌های کودکان پاسخ‌های روانشناسانه	۱۴	جایگاه تفکر منطقی در ایجاد خانواده‌های پایدار	۴۰
داستان‌هایی از زندگی حضرت زهرا(س)	۱۶	برکات و تأثیرات حفظ قرآن از زبان حافظ کل قرآن کریم...	۴۲
در جلسه خواستگاری چه بگوییم	۱۹	خاطراتی از محبیه‌ها	۴۴
پاسخ به شبهات	۲۰	جدول دوره‌های آموزشی در رشته‌های قرآنی ...	۴۶
ریشه ضرب المثل‌ها...	۲۳	جدول	۵۰
مهارت‌های اجتماعی کودکان	۲۴	اشتراک دو فصلنامه	۵۱
		پرسمان	۵۲

لحظه ای تأمل

از ما، عمل چندانی نخواستہ اند!
مهم تر از عمل کردن، "عمل نکردن" است!
تقوا یعنی "عمل گناه را مرتکب نشدن!"
همه میپرسند چه کار کنیم؟
من میگویم: بگوئید چه کار نکنیم؟
و پاسخ اینست:
گناه نکنید
شاه کلید اصلی رابطه با خدا "گناه نکردن" است.

اگر بی تفاوت باشیم
و برای رفع گرفتاری ها و بلاهایی که اهل ایمان بدان مبتلا هستند دعا نکنیم
آن بلاها به ما هم نزدیک خواهد بود

با کسی نشست و برخاست کنید که همین که او را دیدید به یاد خدا بیفتید
به یاد طاعت خدا بیفتید، نه با کسانی که در فکر معاصی هستند
و انسان را از یاد خدا باز می دارند...

اگر بخواهیم محیط خانه گرم و باصفا و صمیمی باشد،
فقط باید صبر و استقامت و گذشت و چشم پوشی و رأفت
را پیشه خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد.

اگر می خواهید از ناحیه دعا به جایی برسید، زبان حالتان
این باشد: تسلیم خدا هستیم، هر چه بخواهد بکند، بنا
داریم عمل به وظیفه بندگی کنیم



اداره زندگی پدر سالاری یا مادر سالاری...



انسای خوش آبادی

سیاست انقباضی!

نکته مهم دیگری که باید در این زمینه بدان توجه شود، تفاوت در نوع این گونه مدیریت با سایر مدیریت هاست (مانند مدیریت ادارات دولتی، سازمان ها و ...)

از آنجا که افراد تحت سرپرستی در خانواده ابتدا کودکانی بازیگوش و سپس نوجوانانی در سن بلوغ و ... هستند، خانواده نیز جایگاه تجلی دگرگونی های روحی و سنی و بروز درونیات آنهاست، ضابطه مند کردن بیش از حد خانواده، کاری نادرست و غیر منطقی است. در خانواده باید حفظ روابط عاطفی و تأمین آرامش و آسایش اعضا در درجه اول اهمیت قرار گیرد.

همچنین به کارگیری مدیریت از طریق اصرار و پافشاری غیر منطقی بر قوانین، در پیش گرفتن یک رویه پیوسته و یکسان برای همه افراد و در همه سنین، خانواده را به سمت کسالت و افسردگی، نیز طغیان بر ضد پدر و قوانین سوق می دهد. پس باید اذعان کرد برای پدر به همان اندازه که صلابت و قاطعیت لازم است، انعطاف پذیری و درک حالات و مقتضای سنی فرزندان نیز ضروری است.

«پدر باید فرزندان را از نظر سن، مرحله رشد، حال، فکر و تمایلات و عواطف، وضع جسمانی، ایمان و اعتقاد و ... درک کند و با شناخت درست ویژگی های آنان و مخصوصاً درک عواطف شان سعی کند که برای فرزندان دوستی صالح باشد نه پدری حاکم.»

به نفع پدر نیست که مدیریت و اقتدار خود را به رخ فرزندان بکشد و در مقابل آنها قرار گیرد، یا ایشان را به موضع گیری در برابر خود تحریک کند بلکه بهتر است خود را در کنار آنها قرار دهد و سعی کند دوستی و خیرخواهی خود را به آنان ثابت نماید؛ نیز به جای آنکه عقیده و نظر خود را به ایشان تحمیل نماید، دوستانه پیشنهاد دهد. طبیعی است که مدیریت از راه غیر مستقیم، فرزندان را به اطاعت و همکاری بیشتر با پدر تشویق می کند.

با توجه به آنچه که بیان شد و صدها نکته ناگفته دیگر، روشن است که مسئولیت پدر در برابر خانواده آنقدر مهم و حساس است که از عهده هر کسی بر نمی آید و هر مردی به صرف بچه دار شدن

دارد، چون «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» یا «عاشروهن بالمعروف» و یا «لَا تُضَارَوْهِنَّ لَتُضَيِّقُوا عَلَيْنَهُنَّ» نیز «اتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» و «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»، یعنی مردان را به بسط عدالت ورزی و برخورد نیکو و بر کنار بودن از هر گونه زیان رساندن و ستم کردن فرا می خواند، چنان که بر مروت، مدارا و رفتار شایسته نسبت به همسر و فرزندی که در کفالت او هستند، تأکید و سفارش فراوان می نماید.

«پدر باید فرزندان را از نظر سن، مرحله رشد، حال، فکر و تمایلات و عواطف، وضع جسمانی، ایمان و اعتقاد و ... درک کند و با شناخت درست ویژگی های آنان و مخصوصاً درک عواطف شان سعی کند که برای فرزندان دوستی صالح باشد نه پدری حاکم.»

بنابراین مرد جواز حاکمیت دارد، نه تحکم. در حاکمیت نه تنها بایستی رعایت عدالت را بکند، بلکه باید رعایت اصل «عفو» را به دلیل «وَأَنْ تَغْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» و اصل فضل را در روابط خانواده به واسطه «لَا تَنسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» پیوسته مورد توجه و نظر داشته باشد. این توصیه ها تأکید بر اخلاق و رعایت حقوق است.

بنابراین لزومی ندارد مدیریت با خشونت آمیخته باشد. مدیر خانه کسی است که اعضای خانواده همواره تحت سرپرستی و اداره او باشند، نه هر گاه که غضب کند و به خشم آید؛ که این نشانه بی لیاقتی و ناتوانی شخص از مدیریت است.

حضور پدر در خانواده و ایفای نقش پدری، از ارکان اصلی خانواده استاندارد است. اگر پدر و مادر هر کدام نقش خود را در خانواده به خوبی ایفا کنند، بدون شک مسیر خانواده در راه درست خواهد بود و فرزندانی هم که در چنین محیطی رشد کنند، فرزندانی سالم تر و کارآمدتر خواهند بود. طبیعی است که مادران به خاطر مهر مادری به طور فطری و ذاتی، بیشتر اوقات داوطلب ایفای نقش مادری خود تا حد توان و در قالب باورها و دانسته های خود هستند. اما در مورد پدران تجربه ثابت کرده بعضی از مردان خود را مقید به ایفای نقش پدری در خانواده نمی دانند و یا از جایگاه خود در خانواده سوء استفاده می کنند؛ از این رو می توان گفت چه بسا خانواده هایی وجود دارند که با وجود مرد خانه، باز دچار نبود پدر هستند. منظور از حضور پدر، وجود مرد در خانه نیست بلکه مقصود، حضور وی در نقش پدری در قبال خانواده است؛ از این رو مردی که همچون یک کارگر ساده و یا تدارکچی عمل می کند، نمی تواند ادعای پدری داشته باشد.

پدر و مدیریت خانواده

مدیریت خانواده چه در مرحله تصمیم و اراده و چه در اجرا و عمل، به داشتن قدرت کافی در زمینه فکر و عمل است؛ نیز باید به گونه ای باشد که احساسات و عواطف پدر، اراده اش را تضعیف نکند و در او سستی ایجاد نکند. مردان نوعاً بهتر از زنان می توانند عهده دار این مسئولیت باشند. زنان به خاطر برخورداری از روابط عاطفی قوی با فرزندان، نیز فطرت بی مانند مادرانه خود، استعداد و توانایی کافی برای اجرای این امر مهم را ندارند. مسئولیت سرپرستی به عنوان یک تکلیف به عهده مردان گذاشته شده و بدین وسیله آنان در مقابل اعضای خانواده مکلف شده اند، نه حقدار.

مدیریت خانواده برای مرد حقی محسوب نمی شود تا برای رفاه طلبی و خودخواهی امتیازی باشد، چنان که قرآن با مشخص کردن مرزها و قیود و شروطی برای مدیریت مرد، اجازه هر گونه سوء استفاده را در این مقام از مردان سلب می کند. قرآن می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یعنی مردان را کارگزاران و قوام دهندگان در امور خانواده معرفی می کند؛ مادر کنارش دعوت های لطیفی

«پدر» نمی شود. پدران مانند مادران احتیاج به مطالعه و کسب آگاهی های روانشناسی و تربیتی، همچنین راهنمایی مشاوران خانواده و نیز مشورت با اعضای خانه بخصوص مادر خانواده دارند. روشن است که نظارت همیشگی، همراه با مهربانی و محبت در عین صلابت و قاطعیت، احتیاج به تمرین، بردباری، مدارا و هوشیاری دارد.

◀ زنان و مدیریت پدر

همان طور که اسلام اداره و سرپرستی خانواده را به عهده پدر گذاشته، از همسر و فرزندان او پذیرفتن این امر را خواستار شده است، چنان که سعادت خانواده را در گرو گردن نهادن به مدیریت پدر می داند. در غیر این صورت اگر از مرد مدیریت بخواهد ولی خانواده را مقید به اطاعت از پدر و پذیرفتن رأی او نداند، عملاً مدیریتی برای وی قائل نشده است. چنان که حضرت علی (ع) فرموده: «لا رأی لَمَنْ لا یطاع؛ از کسی که پیروی نکنند، نظر و رأیش تأثیری ندارد.»

در بین اعضای خانواده، نقش مادر از همه مهم تر است. اگر مادر، پیش از همه در کمال خرسندی و رضایت، مدیریت مرد را بپذیرد و او را در این امر مهم یاری کند، دیگر اعضای خانواده از دوران کودکی به اطاعت و حرف شنوی از پدر عادت خواهند کرد و مدیریت او را آسان تر خواهند پذیرفت. اما اگر مادر اولین مخالف پدر باشد، طبیعی است در چنین خانواده ای از فرزندان نباید توقع پیروی از بزرگ ترها را داشت. در این گونه خانواده ها عصبان و سرکشی در مقابل پدر امری عادی و طبیعی خواهد بود.

مادر بیش از هر کسی می تواند در اقتدار بخشیدن و یا سلب قدرت مدیریت از پدر مؤثر باشد. در بسیاری از خانواده ها که پدر قدرت مدیریت را از دست داده و ناتوان و بی اعتنا شده، یکی از علت ها را باید در نوع اندیشه مادر خانواده جستجو کرد.

◀ مدیریت زنان

به دو دلیل بعضی از زنان سعی می کنند که مدیریت خانواده را به عهده گیرند:

- ۱- گروهی به دلیل عدم لیاقت و کفایت همسر در اداره خانواده، به اجبار عهده دار این مسئولیت شده اند، در حالی که از عهده گیری آن راضی نیستند.
- ۲- گروهی دیگر از زنان بر این باورند که اگر اداره خانه را به عهده گیرند و همسران شان را در حاشیه قرار دهند، خوشبخت تر و موفق ترند. از این رو برای رسیدن به این سعادت کاذب تلاش می کنند.

اما مسئولیت یک زن چه به عنوان مادر و چه به عنوان همسر، آنقدر دشوار و سنگین است که اگر قرار باشد وظیفه پدر بر آن افزوده شود، آسایش و آرامش را از او خواهد گرفت. این وضع برای فرزندان نیز ناخوشایند است چرا که باید شاهد شکایت ها و رنجش هر روز مادر اما بی اعتنائی و لاپالایی گری پدر باشند، یا شاهد جنگ و دعوی همیشگی پدر و مادر بر سر مسئولیت خانواده.

این دسته از خانواده ها زمانی که فرزندان بزرگ شده، نیاز به قدرت کنترل کننده و ناظر قدرتمند دارند، با بحران روبه رو می شوند.

فطرت و طبیعت فرزندان، خواهان مدیریت و نظارت پدر است. به گفته روانشناسان: «رویه پدر و مادر نسبت به کودک با نیازهای خود او تطبیق می کند. کودک در دوران طفولیت، چه از نظر وضع بدنی و چه از نظر روانی، احتیاج به عشق و توجه بی قید و شرط مادرانه دارد. همین فرزند بعد از شش سالگی به عشق پدر و راهنمایی و حکمرمایی او احتیاج پیدا می کند.»

«چرا که پدر نیز بیان کننده قطب دیگری از وجود بشر است. دنیای فکر و ساخته های بشر، قانون و نظم، انضباط، مسافرت و ماجرا، همگی تجلیات آن قطبند. پدر کسی است که طفل را تعلیم می دهد و راه ورود به دنیا را به او می نمایاند.»

بنابراین فرزندان برای تأمین نیازهای روحی و روانی، نیز رشد و بالندگی، احتیاج به خانواده ای دارند که در آن هر دو قطب پدر و مادر، فعال باشند، و از هر دو به یک میزان بهره مند شوند. کاستن و کم رنگ کردن اثر هر کدام، می تواند خانواده را به محیط ناهنجاری تبدیل کند، نیز مشکلات فراوانی چون ناهنجاری های روحی و روانی، عقده های عاطفی، بحران نظم و انضباط و صدها مشکل تربیتی دیگر ایجاد کند. خاستگاه و ریشه مشکلات را باید در وابستگی یک طرفه و بیش از حد فرزندان به مادر و دوری آنها از پدر جستجو کرد. وقتی ببینند همه امور دست مادر است و پدر در خانواده فردی ناتوان و بی تأثیر و بی اراده است، کم کم از پدر فاصله گرفته و برای رفع نیازهای خود به مادر فشار می آورند. در چنین وضعی مادر بیش از همه دچار مشکل خواهد شد اما مشکلات و صدماتی که برای فرزندان پیش می آید جبران ناپذیرتر است.

«چرا که حضور و نظارت پدر در جهت رشد مهارت های شناختی دختران و پسران، هر دو لازم و ضروری است. همچنان که فقدان او در کاهش نقصان این مهارت ها در هر دو جنس مخصوصاً پسران بی تأثیر خواهد بود.»

اگر پدر نقش قوی و فعال در مدیریت خانواده نداشته باشد و از اداره خانواده بر کنار باشد، پسرش فاقد روحیه مردانه و قوی خواهد شد و این امر در رفتار اجتماعی او اثرات بدی باقی می گذارد.

گروهی از زنان بر این باورند که اگر اداره خانه را به عهده گیرند و همسران شان را در حاشیه قرار دهند، خوشبخت تر و موفق ترند. از این رو برای رسیدن به این سعادت کاذب تلاش می کنند. خاستگاه و ریشه مشکلات را باید در وابستگی یک طرفه و بیش از حد فرزندان به مادر و دوری آنها از پدر جستجو کرد.

اگر مادر در خانواده نقش چیره و مسلط را ایفا کند، دختر الگویی صحیح و مناسب که بتواند نقش ویژه او را بیاموزد، نخواهد داشت و این امر در رفتار آینده او تأثیرات سوء می گذارد. ممکن است بعضی از زنان بگویند که شوهران از زیر بار مسئولیت فرار می کنند! به این گروه از زنان پیشنهاد می کنیم که مسئولیت همسران شان را به عهده نگیرند، چون با قبول مسئولیت، ایشان را به سمت لاپالایی گری و بی قید و بندی هر چه بیشتر هدایت کرده، خود را در معرض سوء استفاده قرار می دهند.

معمولاً از استقلال، قدرت و مدیریت کافی برخوردار نیستند. این فقط پاره ای از خطراتی است که این گونه خانواده ها را تهدید می کند. برخی روانشناسان مشکلات بسیار بزرگ تری چون هیستری، میخواری، عدم توانایی ابراز وجود، ناتوانی در سازش با زندگی و افسردگی را نتیجه وابستگی یک طرفه به مادر و دوری از پدر می دانند.

همچنین ثابت شده است که خیره سری و خودرایی بسیاری از نوجوانان، ناشی از ضعف مدیریت و قاطعیت در محیط خانواده است.

با توجه به آنچه که بیان شد و با نظر به اینکه مادران عاشق خانواده خود هستند، چنان که سلامتی و موفقیت فرزندان شان را بر هر خواسته خود ترجیح می دهند، بجاست با تأمل و تعمق بیشتر در این مسئله، خود داوطلبانه جهت ایجاد بستر مناسبی برای مدیریت پدر در خانه اقدام کنند.



◀ تأثیر مثبت مادران در مدیریت بهتر پدران

بنا به آنچه گفته شد روشن است که سعادت خانواده و زنان در این است که مردان مدیر خانواده باشند و زنان آنها را در این زمینه یاری دهند. زن خانواده به گونه ها و راههای مختلف می تواند مرد را در مدیریت خانواده، و فرزندان را در اطاعت از پدر یاری دهد. چنان که وی با اطاعت از پدر خانواده در حضور فرزندان و پذیرفتن نظارت او، همچنین کسب اجازه از او در کارها می تواند بهترین الگو برای فرزندان باشد و ضرورت و لزوم مدیریت پدر را ثابت کند. اگر مادر همیشه در حضور و غیاب پدر از او به خوبی یاد کند و نام او را با احترام ببرد، نیز از دوران کودکی، خدمات و زحمات پدر را به فرزندان یادآور شده، آنها را به قدردانی، تشکر و حرف شنوی از پدر تشویق کند، یا همواره خوبی های او را برای فرزندان تعریف کرده و از پدر در ذهن ایشان تصویر مثبت و مفیدی بسازد، قطعاً رابطه بهتری بین پدر و فرزندان ایجاد می کند؛ از این راه هم پدر می تواند مدیر بهتری برای خانواده باشد و هم فرزندان بهتر مدیریت و نظارت او را می پذیرند و در باره رفتارشان راحت تر می توانند به پدر پاسخ دهند.

اما بیان اختلافات در حضور فرزندان و سوء استفاده از ایشان در بگو مگوهای خانوادگی و بُریدن روابط آنها با پدر، منجر به طغیان و سرکشی ایشان در مقابل پدر و حتی مادر خواهد شد، که به نفع هیچ کدام از اعضای خانواده نخواهد بود.

بجاست زنان دست کم به خاطر سلامت فرزندان «در محیط خانواده به همسران خود احترام کنند و تندی و بی احترامی ننمایند تا عزت ایشان نزد فرزندان کم نشود؛ زیرا فرزندان به مادر علاقه دارند و با این عمل [از پدر] رنجور و ناراحت خواهند شد و عصیان خواهند کرد و چنانچه اختلافی هم دارند در پنهان و دور از دید و شنید آنها حل کنند».

◀ فرار از مسئولیت

ممکن است بعضی از زنان بگویند که شوهران از زیر بار مسئولیت فرار می کنند! این مطلب، واقعیت تلخی است که برخی از خانواده ها دچار آن هستند. به این گروه از زنان پیشنهاد می کنیم که مسئولیت همسران شان را به عهده نگیرند، چون با قبول مسئولیت، ایشان را به سمت لالایی گری و بی قید و بندی هر چه بیشتر هدایت کرده، خود را در معرض سوء استفاده قرار می دهند.

بهتر است از راه شخصیت بخشیدن، جبران نقطه ضعف های عاطفی و روحی شوهر، همچنین تحریک وی برای برانگیختن غیرت مردانه او، نیز با گفتگوهای منطقی در زمان مناسب، در صدد برآیند به تدریج حس مسئولیت را در پدر خانواده بیدار کنند و از او یک مدیر لایق بسازند.

در نهایت به عنوان بهترین راهکار پیشنهادی در این زمینه می توان به دستورهای روشننگر و هدایتگر اسلام در فرایند شوهرداری اشاره کرد زیرا آموزه های شوهرداری اسلامی بهترین زمینه را در این خصوص فراهم کرده است.

بهتر است از راه شخصیت بخشیدن، جبران نقطه ضعف های عاطفی و روحی شوهر، همچنین تحریک وی برای برانگیختن غیرت مردانه او، نیز با گفتگوهای منطقی در زمان مناسب، در صدد برآیند به تدریج حس مسئولیت را در پدر خانواده بیدار کنند و از او یک مدیر لایق بسازند.



حق همسایه بر همسایه



با همسایهات خوش رفتاری کن تا مسلمان راستین باشی

امام صادق (ع)

دیگری باشد و هر یک زیر سایه همسایه خود، احساس «امنیت»، «آسودگی» و «اعتماد» کنند. نسبت به آنچه از ناملایمات، از آن ناحیه سر می زند. همچنان که خود شما نیز از همسایه تان توقع دارید سازگاری نشان دهند و با اندک چیزی عصبانی نشوند و پرخاش نکنند، خودتان نیز در معرض همین خواسته و انتظار از سوی همسایگان هستید.

هر چه روحیه دینی و اخوت اسلامی میان افراد جامعه حاکم باشد، به همان اندازه رابطه هانزدیکتر و صمیمی تر و فاصله ها کمتر و کمتر می شود و دو همسایه، بازوی یکدیگر می شوند و در غم و شادی و راحت و رنج، شریک هم می گردند. برعکس آن در جوامع غربی و اروپایی و غرب زده است، که هر چه علایق مذهبی کم رنگ تر و ضعیف تر باشد، زندگیها حالت سردی و کسالت بار می یابد و به زندگی غربیها شبیه می شود، که

انسانها را دیوارهای خانه ها از هم جدا می کند و هر کس وارد محدوده خانه و زندگی خویش می شود، اما زندگی اجتماعی، افراد جامعه را به صورت اعضای یک «خانواده» درمی آورد، که پیوسته با هم در ارتباط، رفت و آمد، برخورد و تعاونند و نیازهای متقابل به یکدیگر دارند. از این رو، سایه هر کدام از دو همسایه، باید آرام بخش دیگری باشد و هر یک زیر سایه همسایه خود، احساس «امنیت»، «آسودگی» و «اعتماد» کنند. این چیزی است که دستورهای معاشرتی و اخلاقی اسلام بر آن تأکید اکید دارد.

در متون دینی چیزی به نام «حسن الجوار» یا «تعهد الجیران» و ... دیده می شود، یعنی رسیدگی و سرکشی به همسایگان و داشتن رفتاری نیک با آنان و هم آزار نرساندن به همسایه و صبوری و تحمل سایه هر کدام از دو همسایه، باید آرام بخش

آیا تا به حال، از دست همسایه ناراحت شده اید؟ یا به عکس، همسایه از شما رنجیده و دلخور شده است؟

علت چیست؟ و ... چگونه می توان از آن پیشگیری کرد و راه همزیستی و حسن معاشرت با همسایگان چیست؟

این مسأله گاهی به نشناختن «حقوق» همسایه مربوط می شود، گاهی هم ریشه در رعایت نکردن آن دارد. ببینیم در دستورالعملهای مکتب، چه نکاتی وجود دارد؟

سایه همسایه

آیا دو همسایه، تنها در «سایه» شریکند و نزدیک به هم؟ یا حق و حقوق و حد و حدودی هم وجود دارد؟

بعضی می گویند: «چهار دیواری، اختیاری». اما این سخن، نه معقول است، نه مشروع. نه با عرف سازگار است، نه با شرع و عقل. گرچه

نه تنها یک دیوار، بلکه دیوارهای متعددی میان دو همسایه و دو هم محل، یا کسانی که در یک خیابان یا یک مجتمع مسکونی به سر می برند، پدید می آید و همسایه از حال و روزگار همسایه بغلی یا طبقه بالا یا پایین یا خانه روبه رویی بی خبر است.

راستی... این گونه زیستن، انسانی و اسلامی است؟ پس جایگاه عواطف اجتماعی کجاست؟ همسایه کیست؟

وظیفه ما نسبت به او چیست؟ و حد و حریم همسایگی تا کجاست؟... امیرالمؤمنین (ع): پیش از سفر، از همسفر بپرس و پیش از خانه، از همسایه!

همسایگی و حسن همجواری

«حسن همجواری» تنها یک اصطلاح سیاسی در ارتباط میان کشورها نیست، و تنها کاربرد بین المللی ندارد. میان اهل یک محل، یا در روابط دو همسایه نیز مطرح است. داشتن بهترین خانه، اما با همسایه ای بد و ناهنجار و مردم آزار، مفت هم گران است! افراد عاقل و هوشیار، در جایی خانه می خردند که محلش خوب و همسایگانش سالم و با فرهنگ باشند. و گر نه، یا باید خانه را عوض کنند، یا عمری در رنج و عذاب به سر برند. توجه به همسایه در خریدن و ساختن خانه، مغازه و محل کار، نشانه خردمندی است.

پیشوای نخستین ما، در نامه ای که به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) به عنوان توصیه هایی از پدری دنیادیده و باتجربه می نویسد، از جمله

می فرماید:

«سَلِّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ»^(۱)

پیش از سفر، از همسفر بپرس و پیش از خانه، از همسایه!

آری... «بسا کس اند، از این همهران «آری» کوی، که دل به وسوسه راه دیگری دارند.

بسا کس اند، که جایی موافقان رهند،

که خود، نه جای هماهنگی است و همراهی است.

بدین سبب، نخست باید آیین مهری دانست!

همسایه خوب داشتن، نعمتی ارزشمند است و

همسایه خوب بودن، محبت آور و رفیق ساز است.

همیشه دلها متوجه جایی می شود که دوستی

و نیکی از آنجا بجوشد و بترآود. هر جا که شاهد

خیر باشد، افراد هم گرد می آیند و افراد و جامعه،

دلگرم شده، محیط هم آباد می گردد. نقش

رفتار نیک در همسایگی و در ایجاد تجمع های

پر شکوه و الفت های اجتماعی فراوان است. حضرت

علی (ع) می فرماید: آنکه همسایگی اش نیکو باشد،

همسایگانش روز افزون می شوند. «مَنْ حَسَنَ جَوَارَهُ

كَثُرَ جِيرَانُهُ»^(۲)

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است:

«حَسَنُ الْجَوَارِ يَغْمُرُ الدِّيَارَ وَ يَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ»^(۳).

«خوش همسایگی» هم آبادیها را آبادان می سازد

و هم عمرها را می افزاید!

در این دو حدیث، هم به بازده عمرانی و اجتماعی

سلوک شایسته در همسایگی اشاره شده، هم به

منافع شخصی و بهداشت روانی. البته در پادشاهی

اخروی آن احادیث فراوانی نقل شده است.^(۴)

توصیه به «حسن جوار»

حضرت امیر (ع)، پس از آنکه از دست شقی ترین

افراد کوردل و کج فهم، ضربت خورد و در بستر

افتاد، در آستانه شهادت، وصایای ارزشمندی

خطاب به فرزندان و پیروانش فرمود که بخشی

از آنها هم به حقوق همسایه مربوط می شود؛

«اللّٰهُ اللّٰهُ فِی جِیْرَانِکُمْ، فَإِنَّهَا وَصِيَّةُ نَبِيِّکُمْ، مَا زَالَ

يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ»^(۵)

این سفارش علی (ع) در واپسین لحظات عمر

است که فرمود:

خدای راه، خدای راه، در باره همسایگانتان، که این

وصیت پیامبر شماست، پیامبر خدا همواره نسبت

به همسایگان سفارش می فرمود، تاحدی که گمان

کردیم آنان را از ارث برندگان قرار خواهد داد!

امام صادق (ع) نیز در سخنی فرموده است: «بر شما

باد نماز خواندن در مسجدها و همسایگی خوب

با مردم».^(۶) اگر به دستور مکتب، رفتار بزرگوارانه

و شایسته با همسایگان داشته باشیم

اگر بخواهیم روابط از هم نگسلد، باید صبور بود

و با تحمل، و گر نه، پاسخ بدی را با بدی دادن

و در زشتیها مقابله به مثل کردن، نشان حقارت

روح و دون همتی است.

گاهی هم باید جور همسایه را کشید. این شرط

همسایگی خوب است. «حسن جوار» تنها به این

نیست که اذیت و رنجی به همسایه نرسانیم. گاهی

تحمل سختیها و ناملایماتی که از سوی او بر ایمان

پیش می آید، مصداق این «حسن همجواری»

است. اگر بخواهیم روابط از هم نگسلد، باید

صبور بود و با تحمل، و گر نه، پاسخ





بدی را با بدی دادن و در زشتیها مقابله به مثل کردن، نشان حقارت روح و دون همتی است. به علاوه این کار از همه برمی آید. گذشت و تحمل است که اراده و ایمان و بزرگواری می طلبد.

در عالم رفقت، شراکت، دوستی، ازدواج و همسری، همسفری، محیط کار و ... نیز باید گاهی «سنگ زیرین آسیاب» بود، نه کم ظرفیت و بی طاقت. امام کاظم (ع) فرمود: حسن جوار و همسایه خوب بودن، تنها آزار نرساندن نیست، بلکه آن است که بر اذیت همسایه صبور و بردبار باشی: «لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفُّ الْأَذَى وَ لَكِنَّ حُسْنَ الْجَوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى»^(۷)

روشن است که این گونه حدیثها هرگز مجوز «همسایه آزاری» نیست. اگر توصیه به بردباری نسبت به آزار همسایه شده، بیش از آن و اکیدتر و شدیدتر، سفارش به خوش رفتاری و نرساندن آسیب و آزار به همسایگان شده است. مزاحمت برای همسایه، از بدترین رفتارهای اجتماعی است.

آخرین مرز

در هر چیزی حد و مرز و حریمی وجود دارد. وقتی از اندازه گذشت، صفحه برمی گردد و اوضاع، به گونه ای دیگر می شود. تحمل نسبت به آزار و زحمت آفرینی همسایه نیز این گونه است. گاهی مزاحمت به حدی می رسد که پایان خط است و حریمها و حرمتها دیگر فرومی ریزد، چون خود همسایه مردم آزار، حریم نگه نداشته است.

در تاریخ است که مردی خدمت پیامبر رسید و از آزار همسایه اش شکایت کرد. حضرت فرمود: برو و تحمل کن. بار دوم که به شکوه آمد و نالید، پیامبر باز هم دستور صبر و تحمل داد. آزار همسایه به اوج رسید و خارج از مرز تحمل. وقتی برای سومین بار، شکایت از همسایه کرد، حضرت رسول چنین راهنمایی و سفارش کرد: «روز جمعه، وقتی مردم به سوی نماز جمعه می روند، تو وسایل و اسباب و اثاث خویش را بیرون بریز و در رهگذار مردم قرار بده، تا همه آنان که به نماز می روند، این صحنه را ببینند. وقتی علت را می پرسند، ماجرا را به آنان بگو.» آن مرد نیز چنان کرد. همسایه مردم آزار (که آبروی خود را در خطر دید) بی درنگ به سوی او شتافت و ملتسانه از او خواست که وسایلش را به خانه برگرداند و قول داد و عهد و پیمان بست که دیگر آن گونه رفتار نکند.^(۸)

این نتیجه بی پروایی و قدرشناسی نسبت به لطف ها و مداراهاست. لطف خدا هم با انسان خطاکار مدارا می کند، ولی ... «چون که از حد بگذری، رسوا کند». از حلم و بردباری دیگران نباید سوءاستفاده کرد و نجابت و بزرگواری دیگران را

نباید به حساب ضعف یا

بی عرضگی آنان گذاشت.

حد و حق همسایه

محدوده رعایت حقوق همسایگان و داشتن

رفتار شایسته، تنها به همسایه دست راست و چپ خانه منحصر نمی شود و تنها به پرهیز از آزار هم خلاصه نمی گردد.

سرکشی، رسیدگی، احوالپرسی، رفت و آمد، مساعدت و یاری، عیادت، انفاق و صدقه، رفع نیاز، همدردی و ... از جمله اموری است که بر عهده هر همسایه است و اینها نشانه فتوت و جوانمردی است.

از حلم و بردباری دیگران نباید سوءاستفاده کرد و نجابت و بزرگواری دیگران را نباید به حساب ضعف یا بی عرضگی آنان گذاشت.

علی بن ابی طالب (ع) فرمود: «مَنْ الْمَرْءُ تَعَهَّدَ الْجِيرَانَ»^(۹). رسیدگی به همسایگان از مروت و جوانمردی است. حضرت امام باقر (ع) نیز در بیان صفات و خصال شیعه و پیروان و رهروان خط اهل بیت، یکی هم همین را دانسته و فرموده است: «وَالْتَعَاهُدُ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْغَارِمِينَ وَ الْأَيْتَامِ ...»^(۱۰)

از نشانه های پیروان ما، رسیدگی به همسایگان نیازمند و تهیدست و بدهکاران و یتیمان است. چگونه انسان شرافتمند و باوجدان می تواند آسوده و با شکم سیر بخوابد و مرفه و برخوردار باشد، در حالی که در همسایگانش محرومان تهیدست، یتیمان بی سرپرست، گرسنگان بینوا و بدهکاران در مانده باشند و او بتواند گریهی بگشاید، اما بی تفاوت باشد؟ اینجاست که کلام نورانی پیامبر خدا، بر تارک تاریخ می درخشد که فرمود: هر کس سیر بخوابد، در حالی که همسایه مسلمانانش گرسنه باشد، به من ایمان نیآورده است. «مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعًا وَ جَارُهُ الْمُسْلِمُ جَائِعٌ»^(۱۱)

آری، مسلمانی به عمل است، نه به ادعا و شعار! این حقوق و رعایتها به تعبیر احادیث، تا مرز چهل همسایه از هر طرف است. امام صادق (ع) از رسول

اکرم (ص) نقل می کند که فرمود: هر چهل خانه از هر چهار طرف، همسایه محسوب می شود.^(۱۲) امام باقر (ع) نیز فرمود:

«حَدَّ الْجَوَارِ أَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ كُلِّ جَانِبٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ»^(۱۳).

که مضمونش همان حد و حریم همسایگی تا چهل خانه از چهار طرف است.

اگر این حق و حد و حریم که اسلام بیان کرده است، مسؤولانه شناخته و رعایت شود، در جامعه اسلامی نیازمند و گرفتار و بینویان بی سرپرست و رنجدیدگان دست از همه جا کوتاه و آبرومدانی که صورت خود را با سیلی سرخ نگه می دارند یافت نخواهد شد. سخن را در این بخش، با کلامی از محدث بزرگوار، مرحوم «شیخ عباس قمی» به پایان می بریم، که چنین نوشته است:

«... در زمینه معاشرت نیکو با همسایه، حدیث بسیار است و «حسن جوار» هم تنها پرهیز از همسایه آزاری نیست، بلکه تحمل جفا و ناملایمات همسایه هم از آن جمله است. همچنین از امور مربوط به «خوش همسایگی»، ابتدا سلام کردن، عیادت در هنگام بیماری، تسلیت و تعزیت گفتن در سوگها و مصیبتها، تبریک و تهنیت گفتن در شادیا و اعیاد، چشم پوشی از لغزشها، سرک نکشیدن به رازها و امور پنهانی همسایه، مضایقه نکردن از کمکهایی که مورد نیاز او است، حتی اگر می خواهد چوبی (و تیر آهنی) بر دیوارت بگذارد، یا ناودانی را بر خانه تو بگذارد و از این گونه امور ... مضایقه نکنی و سخت نگیری ...»

از الزامات دنیای امروزی این است که کل اجتماع به این باور برسد، همه ی انسانها باید در زندگی خود فیلسوف و هر روز، روز فلسفه و فلسفیدن باشد. چپستی، چرایی و چگونگی هر اطلاعاتی بر پذیرش آن مقدم است. فلسفه از شما میخواهد خوب ببینید، بی دلیل و جوگیرانه نپذیرد. اندیشیدن و تفکر راه اصلی زندگی انسانهاست. لازمه دینداری و تقوای واقعی، لازمه رعایت اخلاق، رعایت فرهنگ، کسب مهارتهای زندگی و لازمه هر گونه حرکت اصولی نگاه و اقدام فلسفی داشتن است. انسانها به چیزی اعتقاد واقعی می یابند که مراحل شناخت آن را طی میکنند. در ابتدا در مورد موضوع، دانش، می یابند این مرحله لازم،





چه کنم همسر مرا دوست بدارد

◀ محبت واقعی کجاست؟

چگونگی ایجاد محبت بین زوجین از بحث هایی است که از دیرباز بین خانواده ها بر سر زبان هاست و هر جا سخن از خانواده باشد، صحبت از محبت بین زوجین برای ایجاد خانواده ی متعادل نیز مطرح است؛ اما محبت، تنها با آرام سخن گفتن و خوب صدازدن همسر، کامل نمی شود؛ بلکه اصول و روشی همه جانبه دارد که با رعایت هوش مندانه ی اغلب موارد، محبت عمیق ایجاد می شود؛ بنابراین، در قدم اول لازم است برای ایجاد محبت واقعی، هر یک از زن و مرد، با عمل به وظایف شرعی و قانونی خویش، از ایجاد تعارض در زندگی مشترک جلوگیری کنند و با شناسایی و عمل به چارچوب وظایف در اسلام و آگاهی به اصول زندگی مشترک، بتوانند در زندگی محبت و الفتی پایدار ایجاد کنند.

یکی از اساسی ترین راه ها برای داشتن زندگی سالم و ایجاد محبت در خانواده، رعایت حقوق همسر است که باید ابتدا، با حقوق شرعی و قانونی همسر خویش آشنا باشد تا بتواند آن را رعایت کند. پیامبر اکرم می فرماید: «هر کس محبتش به همسرش بیش تر باشد، ایمانش به خداوند زیادتر است»^[۱] توجه و برآوردن نیازهای عاطفی همسر، علاوه بر حفظ محبت بین زن و شوهر، باعث ایجاد وابستگی به او شده و می تواند یک اصل اساسی در زندگی مشترک باشد.

◀ همسر، تو را دوست دارم!

افرادی که از هوش عاطفی بالایی برخوردارند، به این علت که راحت به علائم هیجانی همسرشان توجه می کنند و عکس العمل مناسب تری از خود نشان می دهند، در زندگی مشترک و روابط با همسر، از دیگران موفق ترند. درک موقعیت روحی همسر و این که در چه شرایطی قرار گرفته، به ما کمک می کند بتوانیم احساس های مناسبی از خود نشان دهیم؛ در نتیجه، فردی که از ابراز به موقع احساس های همسرش راضی باشد، علاقه و محبت بیش تری به او پیدا می کند. ابراز علاقه و محبت به همسر نیز، نیازی است که اغلب افراد از کم رنگ بودن آن در خانواده شکایت می کنند و این نیاز باید به طرز صحیحی ارضا شود؛ زیرا دوست داشتن تنها، کافی نیست، باید همسر ما بداند که چه قدر او را دوست داریم و این ابراز و بیان احساس قلبی است که می تواند گرمای عشق و محبت را بین زوجین بیش تر کند. پیامبر اسلام نیز در این باره می فرماید: «این سخن مرد به همسرش که تو را دوست دارم، هیچ گاه از قلب او زوده نمی شود و اثرهای مثبت آن همواره باقی می ماند»^[۲]

◀ آرامش دهنده گی، عیب پوشی، صداقت و هم سوئی با همسر

یکی از اهداف ازدواج، رسیدن به آرامش است و یکی از اصلی ترین خصوصیت های همسر مناسب،

آرامش دهنده بودن، به ویژه در بانوان است؛ زیرا همان طور که در قرآن اشاره به «لتسکنوا إلیها» شده، منظور از آرامش دهنده، زن است و توجه به این نکته می تواند زندگی شیرین تری را برای خانواده ها به ارمغان آورد. مزین شدن به صفت آرامش دهنده گی از راه کارهای ایجاد محبت بین زوجین و سازنده ی ازدواج موفق است.

عیب پوشی همسر از دستورهای اکید اسلام برای داشتن خانواده ی سالم است. لباس، علاوه بر این که عیوب انسان را می پوشاند، زینت انسان نیز می شود و او را از گزند آفت ها حفظ می کند. همسر محبوب نیز طبق معرفی قرآن، باید مانند لباسی مناسب برای همسرش باشد.

صداقت داشتن در زندگی از ضرورت هایی است که در تعامل و ایجاد ارتباط بین مردم لازم است و صداقت در زندگی مشترک نیز، اولین ضرورت است و می تواند عامل مهمی در ایجاد و حفظ محبت بین زوجین باشد؛ همان طور که عدم صداقت و دروغ می تواند عاملی برای ایجاد شک و کدورت میان همسران شود. هم سوئی و روابط خوب با خانواده ی همسر، از مؤلفه های ایجاد محبت بین زوجین است. مرد یا زنی که به راحتی و بدون حساسیت و حتی با میل و رضایت، بتواند رابطه ی مناسبی با خانواده اش برقرار کند، در جلب محبت همسر موفق تر است؛ زیرا نیاز به خانواده و ارتباط رضایت بخش با آن ها، برای

سلامت روحی افراد لازم است.

◀ اسرار همسرت آبروی توست!

رازداری و حفظ اسرار و اموال همسر در حضور و غیاب او، از نکته های قابل توجهی است که در تعالیم دینی نیز به آن اشاره شده است؛ زیرا فاش ساختن رازهای زندگی مشترک و خصوصی، می تواند اثرهای نامطلوبی در خانواده برجای گذارد که یکی از آن ها از بین رفتن محبت در همسر است. طرح رازها و اسرار زندگی مشترک، می تواند برای همیشه دید دیگران را درباره ی زندگی شخصی فرد تغییر دهد. امیرالمومنین (ع) می فرمایند: «راز تو اسیر توست؛ اگر آشکارش ساختی، تو اسیر آن شده ای»^[۱]

◀ عذرخواهی، محبت می آورد!

هر دختر و پسر جوانی که می خواهد ازدواج کند، باید تفاوت روحیه های زن و مرد را بشناسد؛ چون اگر روحیه های اختصاصی مردانه یا زنانه را نشناسد، در روند زندگی مسائلی را تجربه خواهد کرد که تفسیر و معنای آن را به درستی نخواهد فهمید و ممکن است تفسیر نادرست از یک رفتار، عواقب ناخوش آیند روحی برای او داشته باشد. عذرخواهی هنگام بروز اشتباه، می تواند اثر مثبتی در پذیرش خطای انسان داشته باشد و محبت از دست رفته را بازسازی کند؛ ولی تکرار خطا و اشتباه بدون عذرخواهی، به مرور زمان می تواند سدّی برای بروز و ابراز محبت به همسر شود. یکی از راه ها برای داشتن زندگی موفق و ایجاد محبت، تغافل از اشتباه های همسر است. در سایه ی تغافل است که انسان بعد از انجام خطا، تلنگر خورده و خجالت زده می شود و سعی در جبران خطایش خواهد داشت؛ اما باید توجه داشته باشیم تغافل نباید به بی اهمیتی بدل شود و فرد خاطی را جری تر کند. از آن جایی که انسان خطاکار است و ممکن است این خطا و اشتباه در زندگی همه ی افراد پیش بیاید، باید با گذشت و نادیده گرفتن خطاها، برای حفظ عطف و در خانواده، بذل عشق و محبت را بین زوجین پاشید و با گرمای قلب، منتظر جوانه زدن آن شد و این گذشت، علاوه بر گرم کردن کانون خانواده، باعث بخشش گناهان نیز می شود.

◀ زندگی شیرین می شود وقتی...

مقبول و مورد پذیرش بودن، امری است که با تقویت اعتماد به نفس در همسر، رابطه ای تنگاتنگ دارد. اهمیت این موضوع به ویژه برای آقایان، بیش تر جلوه می کند و بانوان با تدبیر مناسب در رفتار با همسر، باید به این نکته توجه داشته باشند و رعایت این نکته، می تواند به بهبود روابط با همسر و ایجاد محبت، کمک شایانی کند. شیرینی و لذت خانواده، رهین ایجاد تفاهم و درک متقابل همسر است و با تفاهم نظام خانواده استحکام می یابد. باید توجه داشت همه ی افراد در آغاز زندگی مشترک، ممکن است به طور کامل تفاهم نداشته و در بسیاری موارد، اختلاف نظر و سلیقه داشته باشند. زیبایی زندگی در این است که همسران با وجود اختلاف نظر، بتوانند یکدیگر را راضی کنند و زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند! یکی از مسائلی که در همه ی زندگی ها کم و بیش رخ می دهد، بحث و جدل با همسر است. هنگام بروز اختلاف، بهترین راه حل، گفت و گوی سالم، درک متقابل و به دور از جدل است؛ زیرا اگر بحث با سر و صدا باشد، نه تنها اثر مثبتی نمی گذارد؛ بلکه حس لج بازی را در طرف مقابل قوی می کند. گفت و گوی سالم و منطقی و قبول کردن برخی مسائل هنگام بحث از طرف مقابل، باعث ایجاد هم دلی و رفع مشکل ها می شود. ایجاد شادی و نشاط در زندگی و حفظ آن می تواند بسیاری از کمبودها و مشکل های پیش روی زندگی را کم رنگ کند. هنگام ناراحتی و عصبانیت،

اغلب افراد نمی توانند برخورد مناسبی با اطرافیان داشته باشند؛ اما اگر روحیه ی شادابی و حفظ نشاط در زندگی پررنگ باشد، تسلط بیش تری بر خود خواهند داشت. هر یک از زن و شوهر، برای جلب محبت بیش تر، باید در ایجاد اعتماد متقابل تلاش کنند و بکوشند زمینه های خدشه دار شدن این اعتماد فراهم نشود؛ زیرا زندگی بدون اعتماد متقابل، پایدار نیست و مانند چینی بندخورده، مقاومت اولیه را ندارد.

◀ خصوصیت های خوب همسرت را تقویت کن!

رغبت شناسی یا علاقه شناسی، کلید ورود به دنیای اطرافیان و رمز نفوذ در قلب آنان است و از مهارت های همسر داری، تفکیک تمایل های منطقی و مشروع، از تمایل های غیر منطقی و نامشروع است و شناخت این خواسته های مشروع، انسان را برای ارضای به موقع و مناسب این خواسته ها ترغیب می کند؛ مثل علاقه به تفریح و سرگرمی، علاقه به مسافرت، که اگر فرد به تمایل های همسرش آشنا باشد و مخالفتی در انجام آن از خود نشان ندهد و همراهی لازم را در این زمینه داشته باشد، می تواند به ایجاد محبت بین خود و همسرش کمک کند!

یکی از علل پایدار بودن خوش رفتاری در همسر، قدرشناسی و برجسته کردن نقاط مثبت خصوصیت های اوست. مرد یا زنی که خصوصیت های خوب همسرش را همیشه مدنظر دارد و بزرگ جلوه می دهد، این خصوصیت را در همسرش تقویت کرده و علاوه بر نهادینه کردن آن خصوصیت زیبا، او را تشویق به رفتارهای مناسب و بهتر می کند.

◀ طلب کار نباش، آراسته باش!

یکی از مواردی که می تواند مهر و محبت بین زوجین را از بین ببرد یا کم رنگ کند، احساس طلب کار بودن از همسر است. افرادی که همیشه در پی شمارش وظایف همسر خود هستند، توقع بیش تری از همسر خود دارند و اغلب دیرتر از عملکرد او راضی می شوند. توقع زیاد داشتن، حس شکرگزاری را در انسان ضعیف می کند و این موضوع می تواند رابطه ی همسران را تیره و تاریک کند. خودآرایی، نظافت و زینت برای همسر نیز از مواردی است که اسلام برای حفظ کيان خانواده، به افراد، به ویژه بانوان تأکید می کند. آراستگی ظاهر و آراسته شدن با کمال های اخلاقی، راه نفوذ در دل همسر است.





در محضر نهیج البلاغه

۱. برتر از نماز و روزه همه عمر

صلاح ذات البین أفضل من عامة الصلاة والصيام.

ایجاد صلح آشتی میان دو تن، از نماز و روزه همه عمر برتر است.^۱

۲. سه دوستی دوستان و دشمنان

أصدقاؤك ثلاثة و أعداؤك ثلاثة، فأصدقاؤك: صديقك، و صديق صديقك، و عدو عدوك. و أعداؤك: عدوك، و عدو صديقك، و صديق عدوك.

دوستان تو سه دسته اند و دشمنانت نیز سه دسته اند، اما دوستان عبارت اند از: دوستت، دوست دوستت، دشمن دشمنت؛ اما دشمنانت؛ دشمن تو، دشمن دوستت و دوست دشمن تو.^۲

۳. رفتار با دشمن در عرصه نبرد

لا تقاتلوهم حتی یبدؤکم، فانکم بحمدالله علی حجة، و ترککم ایاهم حتی یبدؤکم حجة أخرى لکم علیهم. فاذا كانت الهزيمة باذن الله فلا تقتلوا مدبراً، و لا تصیبوا معوراً، و لا تجهزوا علی جریح، و لا تهیجوا النساء بأذى. و فی

خبر: (... و لا تکشفوا عورة و لا تمثلوا بقت).

با دشمن نجنگید تا او جنگ را آغاز کند؛ زیرا شما بحمدالله حجت دارید و این که شما آنان را بگذارید تا آغازگر جنگ باشند، حجت دیگری است در دست شما در برابر آنان. اگر به اذن خداوند دشمن شکست خورده و فراری شد، پشت کرده را نکشید و به آن در چنگتان گرفتار آمده است صدمه زنید و کار زخمی را نسازید و زنان را با آزار و اذیت برنیانگیزید و در خبر آمده است: (... عورتی را کشف مسازید و کشته را مثله نکنید!)^۳

۴. علاقه متقابل

لا ترغبن فیمن زهد عنک.

نسبت به کسی که به تو بی علاقه است علاقه مند مباش!^۴

۵. اهمیت رفیق

سَلْ عن الرفیق قبل الطریق.

پیش از راه درباره همراه پرس و جو کن.^۵

۶. دوستی با برادر

احمل نفسک من أخیک عند صرمة علی الصلّة...
و عند جموده علی البذل... و ایاک أن تضع ذلک
فی غیر موضعه، أو أن تفعله بغیر أهله.
چون برادرت از تو ببرد خود را به پیوند با او وادار...
و چون بخل ورزد از بخشش دریغ مدار... مبادا
این نیکی را آن جا کنی که نباید یا درباره آن
کس که نشاید.^۶

۷. همه پل های پشت سر را خراب مکن!

ان اردت قطیعة أخیک فاستبق له من نفسک
بقیة یرجع الیه ان بدا له ذلک یوما ما.
هرگاه خواستی از برادرت ببری، مانده ای از دوستی
خود برای او بگذار که اگر روزی آن مقدار برایش
آشکار شود به آن باز گردد؛ (جایی برای بازگشت
او و پیوند مجدد دوستی باقی گذار).^۷

۸. دوستان حضرت محمد (ص)

ان ولیّ محمد صلی الله علیه و آله من أطاع الله و
إن بعدت لحمته، و أن عدو محمد من عصی الله
و ان قریت قرابته!

همانا دوست و نزدیک حضرت محمد(ص) کسی
است که خدا را پیروی کند، هر چند پیوند نسبی
اش دور باشد، و دشمن آن حضرت کسی است
که خدا را معصیت کند، هر چند خویشاوندی
اش نزدیک باشد.^۸

۹. پند و اندرز برادر

وامحض أخاک النصیحة، حسنة کانت أو قبیحة.
خیر خواهی خود را نسبت به برادرت خالص کن،
چه خیر خواهیت به نظر او خوب آید یا زشت.^۹

۱۰. هدایت دشمنان

قال فی القتال بصفین... و أما قولکم شکا فی أهل
الشام! فو الله ما دفعت الحرب یوما الا و انا اطمع
ان تلحق بی طائفة قهتدی بی و تعشو الی ضوئی،
و ذلک أحب الی من أن أقتلها علی ضلالها، و أن
کانت تبوء باثامها.

امام (ع) در جنگ صفین فرمود... امام این که
گفتی: در مبارزه با شامیان در تردیدم به خدا
سوگند، یک روز جنگ را به تأخیر نینداختم،
جز به امید این که عده ای از آنها به جمعیت ما
ملحق و به وسیله من هدایت گردند و از نور من
بهره مند شوند و این کار برای من بهتر است از
کشتن آنان در حال گمراهی، گرچه در این صورت
نیز به جرم گناهانشان گرفتار شوند.^{۱۰}

۱۱. سپری نگهدارنده!

أیها الناس! أن الوفاء توأم الصدق، و لا أعلم جنة
أوفی منه.

ای مردم! همانا درستی وفاداری
توأم با صدق و راستگویی است و
من سپری نگهدارنده تر از راستی سراغ ندارم.^{۱۱}

۱۲. صلح مایه آرامش

لا تدفعن صلحا دعا لک الیه عدوک و لله فیہ رضا،
فان فی الصلح دعة لجنودک و راحة من همومک،
و أمنا لبلادک، و لکن الحذر کل

الحذر من عدوک

بعد صلحه، فان

العدو ربما قارب

لیتغفل فخذ بالحزم، و انتهم فی ذلک حسن الظن.
ای مالک! هرگز آشتی و صلحی که دشمن به
تو پیشنهاد می کند و رضای خدا در آن است را
رد مکن زیرا صلح مایه آسایش لشکر و آرامشی
برای تو از غم ها و امنیت برای مملکت است؛
ولی زنهار! زنهار! هر چه می توانی پس از پذیرش
صلح از دشمنت بر حذر باش، چرا که دشمن
گاهی نزدیک می شود که غافلگیر سازد، پس
دوراندیشی را به کار گیر و در این مورد خوش
بینی را متهم نما!^{۱۲}

۱۳. بال محبت

من تلن حاشیته یستدم من قمه المودة.
کسی که بال محبت بگستراند، محبت خویشانش
ادامه خواهد یافت.^{۱۳}

۱۴. دشمن ظالم، یار مظلوم

قال للحسن و الحسین علیهما السلام کونا للظالم
خصما، و للمظلوم عوناً.

امام علی (ع) به امام حسن و امام حسین (ع)
فرمود: با دشمن سرسخت ستمگر و یاور و همکار
مظلوم باشید.^{۱۴}

۱۵. وای بر ایشان!

بؤسا لمن خصمه عند الله الفقراء و المساکین و
السائلون و المدفوعون و الغارمون و ابن السبیل!
وای بر کسانی که دشمنانشان در پیشگاه
خداوند فقیران و بیچارگان و محرومان از حق و
ورشکستگان و در راه ماندگان باشند!^{۱۵}

۱۶. خشنودی روز قیامت

من شئیء الفاسقین و غضب لله، غضب الله له و
أرضاه یوم القیامة.
کسی که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا
خشمگین شود، خدا به نفع او خشمگین شود و
روز قیامت او را خشنود سازد.^{۱۶}

۱۷. حذر از دوستی با فاجر نابکار

یا بنی! ایاک و مصادقه الفاجر، فانه یبیکک بالتافه.
پسرم از دوستی با بدکار بپرهیز، زیرا او تو را به
اندک چیزی می فروشد.^{۱۷}

۱۸. مصونیت از دشمن

مقاربة الناس فی أخلاقهم أمن من غوائلهم.
هماهنگی با اخلاق مردم در موارد مشروع ایمنی و
مصونیت از دشمنی و کینه های آنان می باشد.^{۱۸}

۱۹. پاس داشتن دوستی

أعجز الناس من عجز عن اکتساب الاخوان و أعجز
منه من ضیع من ظفر به منهم.
ناتوان ترین مردم کسی است که از به دست آوردن
برادران عاجز است و ناتوان از او کسی است که
با برادران قبلی دوستی را نتواند پاس دارد و آن
را ضایع کند!^{۱۹}

۲۰. خویشاوندی اکتسابی

المودة قرابة مستفادة.
دوستی، خویشاوندی است که بهره برده شده.^{۲۰}



پرسش‌های کودکانه پاسخ‌های روانشناسانه



پرسش، اساسی‌ترین و کاربردی‌ترین راه برای از بین بردن ابهام است. کودک علاوه بر این که در جریان پرسش به ابهام‌های مسئله پی می‌برد، می‌کوشد تا به پاسخ ابهام‌ها نیز دست پیدا کند.

کودکی که آموخته باشد سؤال کند و به پرسش خود نظم مشخصی بدهد در بطن مسئله و در بطن واریسی درگیر می‌شود. این درگیر شدن، جریان یادگیری را برای وی آسان‌تر و در عین حال درونی‌تر می‌کند. کودکی که خوب سؤال کند، یعنی به جزئیات و به ابهام‌ها توجه کرده است و هر چه پرسش‌ها دقیق‌تر باشد، کودک در دستیابی به شناخت موفق‌تر است. لذا در این قسمت تعدادی پرسش و پاسخ برای شما عزیزان مطرح می‌گردد.

◀ خدا چیست؟

او کسی است که از پدر و مادر هم بیشتر از تو مراقبت می کند. همچنین پاسخ بسیاری از پرسش های کودک را می توانیم از قرآن بیابیم برای مثال اگر کودک پرسید خدا کیست؟ می توانیم این آیه را برای وی بخوانیم: ((خدا کسی است که آسمان ها و زمین را آفرید و آبی از آسمان فرو فرستاد و به وسیله آن میوه هایی را برای روزی شما از زمین آورد)). به او بگوییم ((او مهربان ترین مهربانان است)) و مهربانی خدا را برای او به صورت ملموس تبیین کنیم.

◀ خدا چقدر بزرگ است؟

می توان چنین پاسخ داد: من نمی دانم خداوند چقدر بزرگ است، ولی می دانم که هیچ چیزی در این عالم بزرگ تر، قوی تر و بهتر از او نیست. خداوند نورانی تر از آفتاب، بزرگ تر از خانه، وسیع تر از آسمان هاست و بندگان خود را بسیار دوست می دارد. خدا همه جا هست مثل هوا که همه جا هست.

◀ خدا زن است یا مرد؟

خدا زن یا مرد نیست و سفید یا سیاه هم نیست؛ زیرا خدا شخص نیست.

◀ خدا چه شکلی است؟

یکی دیگر از شیوه هایی که می توان به کودک نشان داد خدا دیدنی نیست آن است که از او بخواهیم چیزی یا احساسی را مانند درد یا غم که وجود آن اطمینان دارد به ما نشان دهد. چون کودک نمی تواند درد یا غم خود را نشان دهد ولی آن را احساس کرده آنگاه برایش ملموس تر است که بتواند بفهمد که خدا هست ولی دیدنی نیست.

◀ خدا کجا زندگی می کند؟

ابتدا از فرزندان پرسیده شود علاقه در کجا قرار دارد؟ سپس در پاسخ به او گفت نمی توانی علاقه را ببینی، ولی آن را احساس می کنی. خدا نیز اینگونه است خدا وجود دارد ولی قابل دیدن نیست. او همه جا وجود دارد. جای خاصی برای زندگی او وجود ندارد.

◀ خدا از کجا آمده است؟

پاسخ می دهیم که خدا از اول بوده، بعد ما انسان ها را آفریده و تا آخر هم هست.

◀ آیا می شود خدا را دید؟ آیا می شود خدا را در خواب دید؟

برای او بیان کنیم که ما بسیاری از چیزها را نمی بینیم، ولی وجود دارند؛ مثل هوا، درد و امثال آن. اگرچه خدا را نمی بینیم ولی مطمئنیم که خدا

هست. خدای متعال هم قطعاً وجود دارد، اما دیده نمی شود. در قرآن هم گفته شده که ((چشم ها نمی توانند او را ببینند)). خدا همه جا هست. هر چیزی که خدا خلق کرده نشانه ای از وجود خداست. اما باید این را بدانیم که هیچ کس در زندگی اش خدا را ندیده است.

◀ چرا خدا آدم را از بین می برد؟

ابتدا توضیح داده می شود که همه چیزها بعد از مدتی از کار افتاده و خراب می شوند. به اشیا و لوازم و افراد پیرامون کودک اشاره شود تا کودک استهلاک آنها را احساس کند و متوجه گردد انسان ها هم بعد از مدتی پیر می شوند و جسمشان فرسوده می شود و از کار می افتد اما روحشان همیشه باقی می ماند.

◀ چطوری خدا می تواند مرا ببیند ولی من نمی توانم؟

می توان برای قربات ذهنی، گوینده های رادیو و تلویزیون را مثال زد که ما صدای آنها را می شنویم و خودشان را می بینیم اما آنها ما را نمی بینند و صدایمان را نمی شنوند.

◀ آیا خدا همه حرف های مرا گوش می کند؟ هر چه آرزو کنم به من می دهد؟

در پاسخ می توان گفت: که البته در خیلی از مواقع خدا آرزوها را همان موقع برآورده می کند، بعضی وقت ها باید کمی صبر نمود، یعنی چند روز بعد یا چند هفته بعد. بعضی وقت ها هم خدا چیزی بهتر از آرزویی که داریم به ما می دهد. اگر ما حرف های خدا را گوش کرده باشیم خدا بیشتر ما را دوست دارد و ممکن است زودتر آرزوهایمان را برآورده کند.

◀ خدا می تواند بهترین چیزهای دنیا را به من بدهد؟

در پاسخ می توان گفت: بله، خوب اگر خدا لازم بداند. بستگی دارد که آن چیز برای تو مناسب باشد یا نه. (باید در معنی ساده آنچه به عنوان دعای راضی ام به رضای تو) که زیاد به کار می بریم در حد فهم و درک کودک بگوییم) شاید لازم باشد از مثال های ساده و قابل درک استفاده کنیم تا کودک تصورش از خدا یک موجود خشمگین که همیشه ترسناک است، نباشد، مثلاً وقتی تو کوچولو بودی دلت می خواست دستت را در پرز برق ببری اما من و پدر اجازه نمی دادیم و تو شاید دلخور می شدی و می گفتی ما دوست نداریم اما چون تو خطرات را نمی دانستی این طوری فکر می کردی؛ مگه نه؟

◀ اگر خدا همه چیز را خلق کرده پس چه کسی خدا را خلق کرده؟

یکی دیگر از پاسخ هایی که ما می توانیم به کودک

در مورد وجود خدا بدهیم: تا به حال شده که مادرت غذایی درست کند و غذا شور شده باشد کودک می گوید بله، می گوییم علت شور شدن غذا چیست؟ کودک می گوید به خاطر نمک است، می پرسیم شوری نمک به خاطر چیست؟ کودک اندکی فکر می کند و می گوید: شوری نمک به خاطر خود نمک است چیزی نمک را شور نکرده در این موقع به او می گوییم، خدا همه چیز را خلق کرده اما وجود خودش به خاطر چیز دیگری نیست بلکه خدا خودش، خودش را به وجود آورده است.

◀ خدا که بزرگ است، چگونه در قلب ما جا می گیرد؟

ابتدا از کودک می پرسیم من را دوست داری کودک پاسخ می دهد و می گوییم دوست داشتن من کجاست؟ کودک قلب خود را نشان می دهد و اینگونه می توان پاسخ داد: همان طور که پدر و مادرت در قلب تو هستند خداوند هم در قلب ما جا دارد.

◀ بهشت کجاست؟

بهشت مثل یک پارک یا مثل یک باغ بزرگ است، خیلی زیبا با هوای سالم، درخت های پر میوه، گل های خیلی قشنگ، آبشار و رودخانه با قصرهای خیلی شیک و قشنگ با هر چیزی که هر کس دلش بخواهد مثل؛ اسباب بازی، خوراکی، دوست و آشنا و... همان جایی که مردم در آنجا احساس خوشبختی می کنند. خدا در قرآن گفته انسان های مؤمن و نیکوکار پس از مردن و رفتن از این دنیا به آنجا خواهند رسید. آنجا هیچ کس ناراحت و بیمار نیست و همه خوشحال و شادند. هر کسی به حرف هایی که خدا گفته عمل کند به بهشت می رود.

داستان‌هایی از زندگی

(س)

حضرت



◀ دفاع علمی از مومنین

دو نفر زن که در مسئله ای دینی با یکدیگر اختلاف داشتند برای حل اختلاف خود نزد فاطمه (ع) رفتند. یکی از زنان مومن و دیگری معاند و کافر بود.

فاطمه (ع) می فرماید: من دلایل زن مومن را اثبات کردم و حقانیت سخن او را آشکار نمودم و در نتیجه او بر آن زن که دشمن اسلام بود پیروز گشت و بشدت شاد و مسرور گردید.

فاطمه (ع) به آن زن مومن که بسیار خوشحال شده بود فرمود: شادی فرشته ها برای پیروزی تو بر او بیشتر از شادی تو می باشد و غم و اندوه شیطان و یاران او از غم و اندوه این زن کافر زیادتر است. (۳)

◀ دگر بینی

امام حسن (ع) گوید: یک شب جمعه مادرم را دیدم که در محراب عبادت ایستاد و همواره نماز می گذارد و در رکوع و سجود بود تا شب به صبح رسید و شنیدم که برای زنان و مردان مومن با ذکر نام آنها دعا می کند و هر چه بیشتر برای آنها از خداوند درخواست می کند اما برای خود دعا نمی کند.

عرض کردم: مادر! چرا برای خود دعا نمی کنی همان گونه که برای دیگران دعا می کنی؟ فرمود: فرزندانم اول همسایه بعد اهل خانه. (۴)

◀ ارزش آموزش دین

زنی به خدمت فاطمه زهرا (ع) رسید و عرض کرد: مادر ناتوانی دارم که درباره نمازش به مشکلی برخورد کرده است، از این رو مرا به سوی شما فرستاده است تا سؤال او را پرسش نمایم.

فاطمه (ع) جواب سؤال او را داد، مسئله دومی را سوال کرد و حضرت جواب او را داد، مسئله سوم، چهارم تا دهم را پرسید و حضرت جواب همه پرسشهای او را داد. آنگاه آن زن از کثرت سوالهایی که کرده خجالت زده شد و عرض کرد: بیش از این مزاحم نمی شوم ای دختر رسول خدا. فاطمه (ع) فرمود: بیا و هر سؤالی که داشتی بپرس و من جواب خواهم داد، زیرا اگر کسی خود را مزد بگیر کسی کند که بار سنگینی را بر پشت بام حمل نماید و در برابر مبلغ هزار دینار اجرت گیرد آیا از حمل بار خسته می شود؟

زن گفت: نه خسته نمی شود (زیرا اجرت بسیار زیادی دریافت می کند).

فاطمه (ع) فرمود: من در برابر هر مسئله ای که پاسخ می دهم بیشتر از بین زمین و آسمان که بر از مرورید باشد پاداش می گیرم پس سزاوار است که هیچ در برابر جواب به سؤال شما خسته نشوم. شنیدم که فرمود: علمای شیعه ما در قیامت بر انگیزخته می شوند و به اندازه ارشاد مردم و زیادی علومی که دارند بر آنها لباس کرامت پوشانده می شود تا اینکه به یکی از آنها یک میلیون حله از نور داده می شود، آنگاه منادی خداوند ندا می دهد: ای سرپرستان یتیمان آل محمد که جدائی آنها از امامانشان آنها را یاری کردید اینها شاگردان شما هستند که تحت سرپرستی و یاری شما بودند و هدایت شدند. از خلعتهایی که به شما داده شد به آنها بدهید، علما هم به اندازه علومی که آنها از ایشان دریافت کرده اند خلعت می دهند و برخی از آنها صد هزار خلعت دریافت می کنند و خود به کسانی که از آنها تعلیم گرفته اند می بخشند. (۵)

◀ شیعه فاطمه (ع)

مردی به همسرش گفت: نزد فاطمه (ع) دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برو و درباره من از او سوال کن که آیا من شیعه شما هستم یا خیر؟ همسرش نزد فاطمه (ع) رفت و از او سؤال کرد. حضرت فرمود: به او بگو:

ان كنت تعمل بما امرناك وتنتهي عما زجرناك عنه فانت من شيعتنا والا فلا.

اگر به آنچه تو را امر کردیم عمل می کنی و از آنچه نهی کردیم پرهیز می کنی تو از شیعیان ما هستی و گرنه شیعه ما نیستی.

زوجه آن مرد گوید: جواب فاطمه (ع) رابه شوهرم رساندم. او گفت: وای بر من چه کسی از گناهان و خطاها بدور است! پس من در این صورت برای همیشه در جهنم هستم زیرا هر کسی از شیعیان آنها نباشد همیشه در آتش جهنم است.

همسرش دوباره به خدمت فاطمه (ع) می رسد و سخن شوهرش را به آن حضرت می رساند.

فاطمه (ع) می فرماید: به او بگو آن طور که گمان

کردی نیست، شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشت هستند.

و هر کس ما را دوست بدارد و دوستان ما را هم دوست بدارد و دشمن دشمنان ما باشد و با قلب و زبانش ایمان آورده است اگر مخالفت با امر و نهی ما کند شیعه ما نیست گرچه به بهشت می رود اما بعد از آنکه بوسیله بلاها و سختی ها از گناهانشان پاک شوند یا با انواع سختی ها در عرصه های قیامت و یا ورود در طبقه بالای جهنم که عذاب می شوند پاک گردند آنگاه بخاطر محبتی که به ما دارند از جهنم نجاتشان می دهیم و به نزد خود می بریم. (۵)

◀ منطق قوی فاطمه (ع)

امیر المؤمنین علیه السلام به فاطمه (ع) فرمود: برو و میراث پدرت (فدک) را بگیر.

فاطمه (ع) نزد ابوبکر آمد و گفت: میراث پدرم رسول خدا را که به من تعلق دارد بده.

ابوبکر گفت: پیامبران ارث نمی گذارند.

فاطمه (ع) فرمود: آیا سلیمان برای داود ارث نگذارد؟

ابوبکر که در برابر منطق محکم فاطمه (ع) عاجز ماند غضبناک شد و دوباره گفت: پیامبران ارث نمی گذارند.

فاطمه (ع) فرمود: آیا زکریا (در قرآن) نگفت: فهب لی من لدنک ولیا یرثنی ویرث من آل یعقوب (فرزندی به من عطا فرما تا از من و آل یعقوب ارث برد).

ابوبکر که دوباره با دلیل محکم فاطمه (ع) روبرو شد بدون هیچ منطقی حرف خود را تکرار کرد و گفت: پیامبران ارث نمی گذارند.

فاطمه (ع) فرمود: آیا در قرآن نیامده است یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین (خداوند درباره فرزندانن سفارش کرده است که پسر به اندازه دو دختر ارث می برد).



ابوبکر دوباره حرف خود را تکرار کرد که پیامبران ارث نمی گذارند! این سخن که پیامبران ارث نمی گذارند را عایشه و حفصه همسران پیامبر (ص) به آن حضرت نسبت داده اند. اتفاقاً وقتی عثمان به خلافت رسید عایشه به او گفت: میراث مرا از رسول خدا بده. عثمان به او گفت: تو نگفتی رسول خدا (ص) فرمود ما پیامبران چیزی به ارث نمی گذاریم و حق فاطمه را ضایع کردی؟ من هم چیزی به تو نخواهم داد.^(۶)

◀ حیا و پوشیدگی

امیر المؤمنین (ع) می فرماید: روزی شخص نابینائی اجازه گرفت و به خانه فاطمه (ع) آمد و زهرا (ع) خود را از او پوشاند. رسول خدا (ص) به او فرمود: چرا از این نابینا حجاب گرفتی در حالی که او تو را نمی بیند؟ فاطمه (ع) در جواب گفت: اگر او مرا نمی بیند من که او را می بینم علاوه او بوی نامحرم را که استشمام می کند! رسول خدا (ص) فرمود: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی.^(۸)

◀ نزدیکی به خدا

پیامبر (ص) از اصحاب خود سوال کرد در چه هنگام زن به خدا نزدیکتر است؟ اصحاب جواب صحیح آن را ندانستند. وقتی فاطمه (ع) از سوال پیامبر (ص) با خبر گردید فرمود: بیشترین نزدیکی زن به خداوند وقتی است که در منزل خود قرار دارد. رسول خدا (ص) فرمود: به راستی که فاطمه پاره تن من است. این حدیث به معنای آن نیست که زن از منزل بیرون نرود چه اینکه فاطمه (ع) خود برای آوردن آب از منزل بیرون می رفت بلکه به این معناست که منزل محیط امنی است که زن در آن نزدیکی بیشتری با خدا دارد.^(۹)

◀ آزادی در انتخاب همسر

امیر المؤمنین (ع) فرمود: بعضی از صحابه نزد من آمدند و گفتند: چه می شود خدمت رسول خدا (ص) برسی و درباره خواستگاری از فاطمه (ع) با ایشان صحبت کنی. من هم به محضر رسول خدا رفتم وقتی مرا دید خندید و فرمود: برای چه به اینجا آمدی و چه حاجتی داری؟ من هم خویشاوندی با او و پیش قدمی در اسلام و یاری کردن وی و جهاد خود در راه خدا را برای او بیان کردم. پیامبر (ص) فرمود: یا علی راست می گوئی تو بهتر از آن هستی که می گویی. عرض کردم: یا رسول الله! فاطمه را به ازدواج من در می آوری؟ حضرت فرمود: یا علی قبل از تو کسانی برای خواستگاری او آمدند و من آنها را به فاطمه معرفی کردم اما با شنیدن نام آنها علائم ناراضیتی در چهره او مشخص می شد حال تو اینجا بمان تا من برگردم. آنگاه به سراغ فاطمه (ع) رفت و به او گفت: ای فاطمه تو خویشاوندی و فضل و اسلام علی بن ابیطالب را می دانی و من هم از پروردگار خود خواسته ام که بهترین و محبوبترین خلقت را همسر تو قرار دهد و او الان به خواستگاری تو آمده است چه نظری داری؟ فاطمه سکوت کرد و ناراضیتی در چهره او آشکار نگشت و رو پر نگرداند. پیامبر (ص) که سکوت او را علامت رضایتش دانست گفت: الله اکبر سکوت او اقرار و قبول اوست.

این قطعه از تاریخ زندگی فاطمه (ع) بیانگر حیای اوست که چگونه پاسخ مثبت خود را با سکوت اعلام کرد و از طرفی آزادی او در انتخاب همسر را بیان می کند و حرمت خاصی که پیامبر (ص) برای دخترش فاطمه (ع) جهت اختیار او



در انتخاب همسر قائل است که هر چند علی (ع) بهترین خلق خدا بود که به خواستگاری رفته بود باز هم خواستگاری امام علی (ع) را با او در میان گذارد تا خود پذیرش خویش را اظهار نماید.^(۱۰)

◀ جهیزیه فاطمه (ع)

وقتی پیامبر (ص) تصمیم گرفت که فاطمه (ع) را به عقد علی (ع) در آورد به او فرمود: ای علی برخیز و زرهت را بفروش .
گوید: من هم رفتم زره را فروختم و پول آن را دریافت کرده و بر پیامبر (ص) وارد شدم و پول زره را به او دادم . نه پیامبر (ص) از مقدار آن سوال کرد و نه من خبری دادم آنگاه بلال را صدا کرد و مبلغی به او داد و فرمود: برو برای فاطمه عطر خریداری کن و مبلغی به ابوبکر داد و گفت : برو برای او لباس و اثاثیه منزل خریداری نما و عمار یاسر و برخی دیگر از اصحاب را به کمک او فرستاد. آنها هم رفتند و اشیاء مورد نیاز را خریداری کردند. جمع آنچه برای جهیزیه زهرا (ع) خریدند عبارت بود از:

یک عدد پیراهن ، یک رو بنده ، یک حله سیاه خیبری ، یک تختخواب بافته شده از برگ و لیف خرما، دو عدد تشک که یکی از پشم گوسفند و دیگری از لیف خرما پر شده بود، چهار بالش ، یک پرده پشمی ، یک تخته حصیر، یک دستاس یک طشت مسی ، مشکی از پوست ، کاسه ای چوبی ، یک آفتابه ، دو کوزه سفالی ، یک سفره چرمی ، یک چادر بافت کوفه ، یک مشک آب مقداری عطر .

اصحاب پس از خرید اشیاء مذکور آنها را به محضر رسول خدا (ص) آوردند. وقتی آنها را به او دادند حضرت آنها را زیر و رو کرد و گفت : خداوند مبارک گرداند.^(۱۱)

◀ الگوی شوهر داری

یک روز صبح امیر المؤمنین (ع) به فاطمه (ع) گفت : آیا چیزی در منزل هست بخوریم ؟
فاطمه (ع) گفت : سوگند به کسی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت برگزید چیزی در منزل نیست تا برای شما آماده کنم و دو روز است که چیزی در منزل نبوده است مگر کمی که آنهم تو را بر خود و حسن و حسین مقدم داشتم .
امام علی (ع) گفت : ای فاطمه ! چرا نگفتی تا چیزی برای شما تهیه کنم ؟
فاطمه (ع) گفت : یا اباالحسن ! من از خداوند شرم دارم که شما را به آنچه توان نداری وادار کنم .
(چون می دانستم توانائی خرید چیزی را نداری در خواستی نکردم).^(۱۲)

◀ تسبیح فاطمه (ع)

امیرالمومنین (ع) به مردی از طایفه بنی سعد فرمود: آیا می خواهی از وضع خود و فاطمه برای تو سخن بگویم ؟

فاطمه آنقدر با مشک آب آورد که آثار به دوش گرفتن مشک بر بدنش پیدا شد و آنقدر آسیاب کرد که دستهایش پینه بست و آن چنان در نظافت خانه کار کرد که لباسهایش گرد آلود شد و بقدری آتش در زیر ظرف غذا روشن کرد که لباسهایش گرد سیاه گردید و صدمه زیادی از این کارها دید.

به او گفتم : اگر نزد پدرت بروی و از او بخواهی خدمتکاری به تو بدهد از صدمات این کارها نجات خواهی یافت .

او نیز نزد پدر رفت اما دید جماعتی اطراف پدر را گرفته از این رو از صدمات حیا کرد خواسته خود را بیان کند و بدون آنکه سختی بگوید برگشت . پیامبر اکرم (ص) فهمید که دخترش زهرا برای حاجتی نزد او آمده بود. روز بعد به خانه مآمد و گفت : ای فاطمه دیروز چه حاجتی داشتی ؟
امیرالمومنین (ع) گفتند : یا رسول الله ! فاطمه آنقدر مشک آب آورده است که حمل آن بر بدنش اثر کرده است و آنقدر آسیاب کرده است که دستهایش پینه بسته است و خانه را نظافت نموده که لباسهایش غبار آلوده شده و از بس آتش زیر ظرف غذا روشن کرده است لباسهایش گرد سیاه شده است من هم به او گفتم : اگر نزد پدرت بروی و از او بخواهی خدمتکاری به تو بدهد از صدمات این کارها نجات خواهی یافت .

پیامبر (ص) فرمود: آیا می خواهید چیزی به شما بیاومیزم که از خدمتکار بهتر باشد؟ وقتی در رختخواب رفتید سی و سه مرتبه سبحان الله و سی سه مرتبه الحمدلله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوئید.

فاطمه (ع) سه مرتبه گفت : از خدای رسولش راضی شدم .^(۱۳)

◀ حرمت سخن پیامبر (ص)

چند روز پس از رحلت پیامبر (ص) مردی به محضر فاطمه (ع) مشرف شد و عرض کرد: ای دختر رسول الله چیزی نزد شما به یادگار گذاشته است تا مرا از آن بهره مند سازی ؟
فاطمه (ع) به کنیز خود فرمود: آن نوشته را بیاور .
کنیز بدنبال نوشته رفت اما آن را پیدا نکرد.
فاطمه (ع) فرمود: آن را پیدا کن که ارزش آن برای من برابر حسن و حسین است .

کنیز به جستجو پرداخت تا آن را پیدا کرد و به خدمت آن حضرت آورد. در آن نوشته آمده بود: از مؤمنین نیست کسی که همسایه اش از آزار او

در امان نیست و کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد سخن خوب می گوید یا سکوت می کند. خداوند انسان خبره ، بردبار و عقیف را دوست دارد و انسان بدزبان ، کینه توز و گدای اصرار کننده را دشمن می دارد. حیا از ایمان است و ایمان سبب ورود در بهشت می باشد و فحش از بی شرمی سبب ورود در جهنم است .^(۱۴)

◀ فاطمه الگوی زنان

در جهان اسلام بلکه عالم انسانیت فاطمه الگوی جامع و کاملی است که چون خورشید می درخشد و راه زندگی را به هر زن مومن و آزادی می آموزد. اگر چه عمر او کوتاه و فرازهای تاریخ زندگی او محدود بود اما همان مقدار که بیان شده است کافی است زیرا قطعه های تاریخی که از زندگی را برای هر زنی که بخواهد از او تبعیت کند روشن می سازد. از طرفی مسائل زندگی زنان و مردان در اکثر موارد مشترک است و زنها می توانند در مسائل مشترک از الگوهای بزرگی چون از پیامبر خدا و ائمه اطهار (ع) بهره می گیرند، اما مسائلی وجود دارد که اختصاص به زنها دارد و جز یک زن کامل و جامع نمی تواند در آن قرار گیرد.

فاطمه (ع) فرمود: من در برابر هر مسئله ای که پاسخ می دهم بیشتر از بین زمین و آسمان که پر از مروارید باشد پاداش می گیرم پس سزاوار است که هیچ در برابر جواب به سؤال شما خسته نشوم .

شنیدم که فرمود: علمای شیعه ما در قیامت بر انگیزخته می شوند و به اندازه ارشاد مردم و زیادی علوم که دارند بر آنها لباس کرامت پوشانده می شود تا اینکه به یکی از آنها یک میلیون حله از نور داده می شود

در جلسه خواستگاری چه بگوییم



خانم و آقای محترمی که قصد ازدواج دارید: قبل از تصمیم قطعی، یک یا چند جلسه را حتماً جهت صحبت و گفتگو با طرف مقابلتان بگذارید، این کار را حتماً انجام دهید، چون اطلاعات زیادی را به دست خواهید آورد و همچنین حرفها و نظرات خود را بیان خواهید کرد. اما در جلسه گفتگو از چه مسائلی صحبت می کنید؟

جلسه گفتگو جای دل دادن و دل سپردن نیست، بلکه جایی است که بایستی «قول سدید» داشته باشید، حتماً می پرسید قول سدید یعنی چه؟ قول سدید حداقل چهار ویژگی در کلام و کلمات دارد و یک ویژگی هم در لحن بیان دارد. شفافیت، مستدل بودن، واقعیت داشتن از خصوصیات کلام و قاطعیت در لحن کلام، عناصر تشکیل دهنده قول سدید هستند.

شفافیت:

کلمات گر چه هر کدام کاربردهای متفاوتی دارند، اما هر کدام بار معنایی و احساسی متفاوت از هم را در درون خود دارند، افراد ذهن خوان و قلب بین نیستند تا بدانند که در درون ما چه می گذرد. ما در پشت پرده کلمات قرار داریم، آنها کلمات را می بینند نه ما را و غالباً کلمات را تجزیه و تحلیل می کنند نه نیتهای درونی ما. بنابراین به هنگام گفتگو از هر گونه کلی گویی، پراکنده گویی، ابهام گویی اجتناب کنید.

مستدل بودن:

مطالبتان را با دلایل منطقی و محکمه پسند بیان کنید، اگر آرزویی، برنامه ای، هدفی و خواسته ای را دارید دلایل خودتان را کاملاً بیان کنید، مستدل و منطقی صحبت کردن دیگران را نیز به فکر فرو می برد تا بیشتر در مورد حرفهای شما فکر کنند، اگر خواسته های منطقی دارید با منطق آنها را بیان کنید تا تصور نشود که شما خیلی متوقع هستید.

واقعیت داشتن:

به هنگام گفتگو از واقعیتها بگوئید، از آمال

و آرزوها و توهومات بی اساس و خیالی دوری کنید، خیالیایی هایتان را کنار بگذارید و از مسائل ملموس در زندگی صحبت کنید، همان هایی که وقتی می خواهید زندگی را شروع کنید، وجود آنها را بیشتر از تمامی خیال هایتان حس خواهید کرد.

اهمیت داشتن:

از مسائل مهم صحبت کنید، از همه آنچه که در یک زندگی اهمیت زیادی دارند صحبت به میان آورید، وقت خود را صرف مسائل پوچ و بی اهمیت نکنید، بچه گانه صحبت نکنید، صحبت از اینکه چه رنگی را دوست دارید، چه غذایی را دوست دارید بی اهمیت است. این حرفهای کودکانه را کنار بگذارید و به مسائلی بپردازید که نشانه رشد فکری و روحی و بلوغ شما باشد.

قاطعیت:

اگر بحث تشکیل یک زندگی است، پس لازم است که قاطع باشید. هر گونه مسامحه، سهل انگاری ممکن است فرجام ناخوشایندی را به همراه داشته باشد. اگر برای آینده خود برنامه هایی دارید لازم است همه آنها را به هنگام گفتگو به روشنی هر چه تمام بر زبان آورید. درباره

تمامی مسائل وضعیت فکری و روحی، وضعیت اقتصادی، سبک زندگی، برنامه های آینده، اعتقادات بحث و تبادل نظر کنید، نگذارید مسئله ای مبهم بماند، اگر در مورد مسئله ای بحث کردید و به اختلاف رسیدید تا تکلیف آن را مشخص نکردید، آن را رها نکنید. در هنگام صحبت، خود را همانگونه که هستید عرضه دارید و همین دقت را در مورد طرف مقابلتان به کار ببرید.

هنگام تنظیم قرار داد ازدواج، همه در خواسته های قلبی خود را که بالندگی و رشد و استقلال فردی را تضمین می نماید با طرف دیگر در میان بگذارید و در صورت توافق آن را امضاء نمائید، باید خاطر نشان سازیم که انتظارات و توقعات شما از ازدواج باید کاملاً منطقی و معقول باشد.

آدم کم رو گرسنه از سر سفره بلند می شود. یادتان باشد به هنگام انتخاب همسر حجب و حیای نامعقول را کنار بگذارید چرا که باعث محرومیت و ایجاد دردسر در زندگی می شود، به هنگام تصمیم گیری، تنها خودتان تصمیم بگیرید و به خاطر دیگران خود را در آتش نیندازید.

پاسخ به شبهات

پاسخ داده می شود که در این شماره به ۲ مورد آن اشاره گردیده است. هر چند برخی از آنها از نوع پرسش است نه شبهه، البته پاسخی که به هر یک داده می شود در حد مجال و حوصله مقاله است نه بیشتر.

شبهه اول

فلسفه مجازات اخروی چیست؟

توضیح شبهه این است که فلسفه و فایده عقوبتها و مجازاتها، یا تنبیه متجاوز و مجرم است و یا عبرت گرفتن دیگران و یا تشفی خاطر و تسلی قلب ستمدیده. ولی هیچیک از این فلسفه ها و یا فایده ها در باب مجازات اخروی مطرح نیست زیرا آنجا جای تکرار جرم از جانب مجرم و یا انجام جرم از ناحیه دیگران نیست، به دلیل این که آنجا جای حساب و پاداش است نه جای عمل. انگیزه تشفی و تسلی خاطر هم در مورد خدا صادق نیست زیرا خداوند -العیاذ بالله- مانند انسان نیست که دچار عقده و حس انتقام جویی شود تا بخواهد از راه عقوبت مجرم، خاطر خود را تسکین دهد.

اگر گفته شود که هر چند حس انتقام جویی و تشفی قلب در مورد خدا مطرح نیست اما در مورد بندگان خدا که مورد ستم و تجاوز واقع شده اند مطرح است، در پاسخ می توان گفت اولاً همه جرمها و گناهان که از قبیل حق الناس نیست، فلسفه عقوبت در حق الله چیست؟ ثانیاً حتی در حق الناس، بنده ای که بر او ستم شده است یا از اولیای خداست و یا غیر اولیای خدا؛ اولیای الهی مظهر رحمت و اسعه الهیه می باشند و غیر اولیای الهی هم در جهان وانفسا، اندکی خیر و رحمت و مغفرت الهی و یا دریافت حسنات از فرد متجاوز را بر انتقام از آنها ترجیح می دهند.^(۱)

پاسخ: پاسخهایی که به این شبهه داده اند به

خواننده شده است که هر کدام نشان دهنده وضع مخصوص و نظام مخصوص حاکم بر آن است؛ مثلاً از آن جهت که همه اولین و آخرین در یک سطح قرار می گیرند و ترتیب زمانی آنها از بین می رود -روز حشر- یا -روز تلاقی- خواننده شده است و از آن جهت که باطنها آشکار و حقایق بسته و پیچیده، باز می شوند -یوم تبلی السرائر- یا -روز نشور- نامیده شده است و از آن نظر که فناپذیر و جاوید است، -یوم الخلود- و از آن لحاظ که انسانهایی سخت در حسرت و ندامت فرو می روند و احساس غبن می کنند که چرا خود را برای چنین مرحله ای آماده نکرده اند، -یوم الحسرت- یا -یوم التلغین- و از آن حیث که بزرگترین خبرها و عظیم ترین حادثه هاست -نبأ عظیم- خواننده شده است.^(۲)

مهمترین ویژگی که در مورد قیامت به ذهنها تبادر می کند این است که آخرت روز جزا و پاداش است. در حقیقت اگر نظام جزا و پاداشی از جانب خدا در کار نباشد بعثت انبیا و دعوت دینی خاصیت و اثری نخواهد داشت. بنابراین، ایمان به روز جزا اهمیتی معادل اهمیت ایمان به اصل دعوت دینی دارد. ایمان به روز جزا مهمترین عاملی است که انسان را به پای بندی و تقوا و کارهای خیر و اجتناب از رذایل اخلاقی و گناهان و امی دارد. چنان که فراموشی یا انکار آن ریشه اصلی هر گناه و خلاف و ظلمی است.

در ارتباط با همین ویژگی اصلی قیامت (روز جزا بودن) پرسشها و شبهات مهمی مطرح شده است که پاسخگویی به آنها لازم و ضروری است. برخی از این اشکالات در مورد اصل نظام مجازات در عالم آخرت و برخی از آنها در ارتباط با نوع مجازات در آن عالم و برخی از آنها درباره برخی از آموزه های دینی در این باره است.

در این مقاله به ده شبهه در این باره پرداخته و

چکیده:

مهمترین ویژگی قیامت در متون دینی ما -یوم الجزاء- بودن آن است. آنچه که از قیامت در اذهان ما پیش از هر چیز متبادر می شود نیز همین ویژگی است. در ارتباط با این ویژگی اصلی قیامت شبهاتی مطرح شده است که برخی از آنها در مورد اصل نظام مجازات اخروی و برخی از آنها در مورد نوع مجازات و یا آموزه های دیگر دینی در این رابطه است. در این مقاله به مهمترین اشکالات وارده در این زمینه ها با رعایت اختصار پاسخ داده شده است.

مقدمه

ایمان به معاد و روز جزا از مسلمات و ضروریات دینی ما مسلمانان است. قرآن کریم در صدها مورد در آیات و سوره های گوناگون و با نامهای مختلف از روز جزا سخن گفته است. قرآن کریم در آیات مختلف، ایمان به روز آخرت را همطراز ایمان به خدا و کفر به آن را همطراز کفر به خدا قلمداد کرده است. عجیب این است که قرآن کریم تنها کتابی است که از روز جزا و رستاخیز به تفصیل و تأکید سخن رانده است. در توراتی که فعلاً در دسترس است نامی از این روز به میان نیامده است و در انجیل هم جز اشاره مختصر در این باره، چیز دیگری نیامده است.

قیامت در قرآن کریم با نامها و عنوانهای مختلف

۱ مدرس حوزه و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل، محقق و نویسنده.

۲ - مرتضی مطهری، زندگی جاوید یا حیات اخروی، انتشارات صدرا، اسفند ۱۳۷۶، ص ۲۸؛ مجموعه آثار، ج ۲، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۹، صص ۵۲۰ - ۵۱۹.

۳ - مرتضی مطهری، عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۵۷، صص ۲۴۰ - ۲۳۹؛ مجموعه آثار، پیشین، ج ۱، صص ۲۲۶ - ۲۲۵.

قرار زیر است:

الف) خداوند بر اساس حکمت و رحمت خود، برای هدایت و نجات بشر شریعت و آیینی فرستاده است و در آن تکالیفی را برای بشر مقرر فرمود و انبیا و اوصیای انبیا را مأمور ابلاغ آن کرده است و با توجه به این که می دانست همه افراد به راحتی و بدون انگیزه خارجی به اطاعت و تسلیم تن نخواهند داد، بر اساس حکمت خود به مطیعان و مؤمنان وعده ثواب و به عاصیان و کافران وعده عذاب داده است. اگر این وعده و وعید الهی نبود ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی لغو و بیهوده بود. با توجه به این که تخلف از وعده عقلاً و شرعاً قبیح و نارواست چاره ای نیست جز این که خداوند در عالم آخرت به این وعده ها و وعیدها جامه عمل بپوشاند. از این گذشته آیات الهی از عذاب کفار و مشرکان و ظالمان خبر داد اگر خداوند به کلی از عذاب صرف نظر کند لازمه اش کذب است که خداوند از آن مبرا است. بنابراین، به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی: خداوند از این روی که به ایمان و اطاعت، وعده ثواب و پاداش نیک داده و به کفر و معصیت وعده عقاب و سزای بد داده چنان که فرموده، خلف وعده نخواهد نمود.^(۴)

ب) از آیات قرآن استفاده می شود که جزا و سزای اخروی مقتضای عدل الهی است. اگر پاداش و کیفر اخروی نباشد، عدل الهی مخدوش خواهد بود؛ زیرا خداوند مردم را دعوت کرده است به ایمان و نیکوکاری و مردم از لحاظ پذیرش این دعوت دو دسته شده اند، برخی این دعوت را پذیرفته و نظام فکری و اخلاقی خود را بر آن تطبیق داده اند و برخی دیگر نپذیرفته و به بدکاری و فساد پرداخته اند. از طرف دیگر می بینیم که نظام این جهان بر این نیست که صد درصد نیکوکاران را پاداش و بدکاران را کیفر دهد، بلکه برخی نیکوکارها هست که حیات انسان با آن پایان پیدا می کند و مجالی برای پاداش نیست چنان که برخی از گناهان هست که امکان عقوبت آن در دنیا نیست مانند کسی که هزاران انسان را به ناحق می کشد. پس مقتضای عدل الهی آن است که نشئه دیگری وجود داشته باشد تا هر یک از این دو دسته جزای عمل خود را بیابند.^(۵) ج) بهترین پاسخی که می توان به شبهه یاد شده داد این است که مجازات اخروی از نوع مجازاتهای قراردادی و اعتباری دنیوی نیست بلکه

از نوع مجازاتهای تکوینی و حقیقی است. از قرآن کریم و روایات فراوان استفاده می شود که هر چند چهره مُلکی اعمال نیک و بد انسان در این دنیا از بین می رود ولی صورتهای ملکوتی افعال اختیاری انسان در باطن انسان مستقر می شود و هر جا که رود همراه اوست و سرمایه زندگی شیرین یا تلخ آینده او می باشد. به تعبیر دیگر اعمال خوب با صورتهای بسیار زیبا و لذت بخش تجسم می یابند و به صورت کانون بهجت و لذت در می آیند و اما اعمال بد انسان با صورتهای بسیار زشت و وحشت زا و آزاردهنده تجسم می یابند و به صورت کانون درد و رنج و عذاب در می آیند. بنابراین، هر کس در قیامت با همان اعمال و اخلاق و اعتقادی که از دنیا به همراه خود برده است زندگی می کند. اینها سرمایه های خوب و یا بد و مصاحبان نیک یا زشت همیشگی انسان در جهان جاودان است. بنابراین، مجازات اخروی از نوع مجازاتهای قراردادی نیست که بخواهیم آن را از راه تنبیه مجرم و یا عبرت دیگران و یا تشفی دل توجیه کنیم.^(۶)



۴ - سید محمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام، انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳، صص ۱۶۲-۱۶۱.

۵ - مرتضی مطهری، حیات اخروی، ص ۵۰؛ سید محمدحسین طباطبایی، پیشین، ص ۱۶۰؛ محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۳، سازمان تبلیغات اسلامی، سال ۷۴، ص ۶۳.

۶ - مرتضی مطهری: حیات اخروی، صص ۳۰-۳۲؛ عدل الهی، صص ۲۴۳-۲۵۲؛ سید محمدحسین طباطبایی، پیشین، صص ۱۶۵-۱۶۲؛ محمدتقی مصباح یزدی، پیشین، صص ۱۱۹-۱۲۱.

شبهه دوم

چگونه می توان باور کرد که خدای عظیم و رحیم بنده ضعیف و حقیر خود را عذاب کند؟

پاسخی که در برابر شبهه قبلی داده شد در اینجا نیز قابل طرح است. در شبهه سابق گفته شد که پاداش و کیفر اخروی از نوع مجازات قراردادی اعتباری نیست بلکه از نوع مجازات حقیقی و تکوینی است. آنچه که در آخرت نصیب انسانها می گردد نتیجه عملکردهای خود انسان است. در قیامت هر انسانی همان را درو می کند که در دنیا کاشته است. معنا ندارد که انتظار داشته باشیم کسی که در دنیا هیچ کشتی نکرده است و یا کشت خار و حنظل کرده است در آخرت میوه ها و محصولات شیرین درو کند. مولوی در این رابطه می گوید:

ای دریده پوستین یوسفان، گرگ بر خیزی از این خواب گران
گشته گرگان یک به یک خواهی تو، می درانند از غضب اعضای تو
گر ز خاری خسته ای خود کشته ای، ور حریر و قزدری خود رشته ای
چون ز دستت زخم بر مظلوم رُست، آن درختی گشت ازو ز قَوم رُست
آن سخنهای چو مار و کژ دمت، مار و کژدم گشت و می گیرد دمت
و یا سعدی می گوید:

خُرمان توان خورد از بن خار که کشتیم، دیبا نتوان بافت از بن پشم که رشتیم
ما را عجب ار پشت و پناهی بود آن روز، کامروز کسی را نه پناهییم و نه پشتیم
گر خواجه شفاعت نکند روز قیامت، شاید که ز مشاطه نرنجیم که زشتیم
آیا می توان همین اشکال را در مورد مجازاتهای تکوینی دنیا مطرح کرد؟
اگر کسی خود را به عمد از بلندی به پایین پرتاب کند و یا این که به عمد
سم کشنده میل کند و یا این که در درس خواندن خود تن پروری و یا در

رانندگی بی احتیاطی کند و به مقررات راهنمایی و رانندگی اعتنا نکند و یا
کسی که بی پروا به توصیه های ایمنی و یا بهداشتی بی اعتنایی کند و...
آیا می توان در این موارد با تکیه به عظمت و
رحمت الهی این گونه اشخاص را از نتایج و لوازم اعمالشان معاف کرد؟ مگر
خداوند در دنیا دارای این اوصاف کمالی نیست؟
از این گذشته همانگونه که قبلاً متذکر شدیم مجازات اخروی مقتضای
عدل الهی و پای بندی

او به وعده هاست. نمی توان با استناد به عظمت و رحمت الهی، از خدا
انتظار داشت که کاری بر خلاف مقتضای عدل انجام دهد و یا در گزارشهای
خود مرتکب دروغ گردد و یا در وعده های خود تخلف ورزد. البته معنای
سخن ما این نیست که در عرصه قیامت از مغفرت و رحمت خداوند خبری
نیست. یقیناً بر اساس آنچه که در آیات و روایات فراوان آمده است مغفرت
و رحمت الهی در قیامت نقش گسترده ای خواهد داشت. شفاعت شفیعان
در آخرت جلوه روشنی از مغفرت و رحمت الهی است. آنچه که در اینجا
مورد نظر ماست این است که نباید به بهانه رحمت و عظمت پروردگار اصل
عقوبت اخروی مورد انکار و یا تردید قرار گیرد.

شبهه سوم

با عنایت به این که تناسب میان جرم و مجازات امر مسلم عقلی
است چگونه خداوند برای گناهان کوچک و محدود، مجازاتهای
بزرگ و سنگین و گاه نامحدود وضع می کند؟

پاسخ این شبهه را در شماره بعدی دنبال نمایید.



ریشه ضرب المثل ها

نه سیخ بسوزه، نه کباب

شجاع السلطنه، پسر فتحعلی شاه، یک وقتی حاکم کرمان بود. اسم کوچکش حسنعلی میرزا بود. او در کرمان تجربه کرده بود و متوجه شده بود که ترکه های نازک انار می تواند کار سیخ کباب را بکند و کباب بر سیخی که چوبش انار باشد خوشمزه تر هم می شود. برای همین پخت کباب با چوب انار را باب کرد که در کرمان به کباب حسنی معروف شد و حاکم وقتی میل کباب داشت به نوکرهای می گفت: طوری کباب را بگردانید که نه سیخ بسوزه نه کباب. این دستور او به صورت ضرب المثل درآمد و برای بیان و توصیه میانه روی و اعتدال در کارها توسط مردم به کار می رود.



از این ستون به اون ستون فرج است

مردی گناهکار در آستانه ی دار زدن بود، او به فرماندار شهر گفت: واپسین خواسته ی مرا برآورده کنید، به من مهلت دهید بروم از مادرم که در شهر دوردستی است خداحافظی کنم. من قول می دهم بازگردم. فرماندار و مردمان با شگفتی و ریشخند بدو نگریست. با این حال فرماندار به مردمان تماشاگر گفت: چه کسی ضمانت این مرد را می کند؟ ولی کسی را یارای ضمانت نبود. مرد گناهکار با خواری و زاری گفت: ای مردم شما می دانید که من در این شهر بیگانه ام و آشنایی ندارم، یک نفر برای خشنودی خدا ضامن شود تا من بروم با مادرم بدرود گویم و بازگردم. ناگه یکی از میان مردمان گفت: من ضامن می شوم. اگر نیامد به جای او مرا بکشید. فرماندار شهر در میان ناباوری همگان پذیرفت. ضامن را زندانی کردند و مرد محکوم از چنگال مرگ گریخت، روز موعود رسید و محکوم نیامد. ضامن را به ستون بستند تا دارش بزنند. مرد ضامن درخواست کرد: مرا از این ستون ببرید و به آن ستون ببندید. گفتند: چرا؟ گفت: از این ستون به آن ستون فرج است. پذیرفتند و او را بردند به ستون دیگر بستند، که در این میان مرد محکوم فریاد زنان بازگشت. محکوم از راه رسید ضامن را رهایی داد و ریسمان مرگ را به گردن خود انداخت. فرماندار با دیدن این وفای به پیمان، مرد گناهکار محکوم به اعدام را بخشید و ضامن نیز با از این ستون به آن ستون رفتن از مرگ رهایی یافت. از آن پس به کسی که گرفتاری بزرگی برایش پیش بیاید و ناامید شود می گویند: از این ستون به آن ستون فرج است، یعنی تو کاری انجام بده هر چند به نظر بی سود باشد ولی شاید همان کار مایه ی رهایی و پیروزی تو شود.



از ماست که بر ماست

و اعوان و انصارش کشته می شدند. نوبت حمله به شهر هگمتانه رسید که همدان امروزی است. جوانی از مردم هگمتانه شتر و بزى را با خود همراه کرد و قبل از لشکر کشی بخت النصر به شهر به نزد او رفت. به او گفت: «مردم شهر ریش سفید و بزرگ خود را فرستاده اند تا جواب پرسش هایتان را بدهند.» بخت النصر تعجب می کند و جوان در پاسخ به این تعجب می گوید: ما بزرگ تر از شتر و ریش سفید تر از بز را در شهرستان پیدا نکردیم. شما اما زبان آنها را نمی فهمید. من حرف های آن ها را برای شما نقل خواهم کرد. بخت النصر مسخره کنان گفت: «خوب، از آن ها بپرس که من ظالمم یا خدا؟»

جوان رو کرد به بز و شتر. صداهای عجیب و غریبی از خودش در آورد و بعد گوشش را برد جلو دهان بز و شتر و طوری وانمود کرد که دارد جوابشان را می شنود و می گوید: «قربان! بزرگ و ریش سفید شهر ما می گویند که نه شما ظالمید نه خدا، ما خودمان ظالمیم که این بلاها سرمان می آید. می گویند از ماست که بر ماست. اگر ما عقلمان را به پرواز یک باز شکاری نمی سپردیم و با شور و مشورت شاه انتخاب می کردیم، حالا اسیر یک چنین بدبختی و حال و روزی نبودیم.» بخت النصر که فهمید با مردم این شهر نمی تواند مثل مرد شهرهای دیگر رفتار کند از جمله به آنجا چشم پوشید و گفت: «پس مردم این شهر، همه دانا هستند.» و اسم همه دانا یا همدان روی آن شهر ماند. از آن به بعد، هر وقت مردم بخواهند به این مطلب اشاره کنند که دلیل همه اتفاق های خوب و بد، رفتار خودمان است، می گویند: «از ماست که بر ماست.»



آورده اند که... مردم شهری بودند که هرگاه پادشاهشان می مرد، بازی شکاری را به پرواز درمی آوردند و آن باز بر شانه هر کس می نشست او می شد، پادشاه. از قضا این بار قرعه فال و همای سعادت بر شانه «بخت النصر» نشست. حال این بخت النصر که بود؟ او جوانی بود که در کودکی پدر و مادر از دست و گرگ ماده ای او را شیر داده بود، از همین رو پیران شهر و مردان دانا او را فردی ظالم و بدذات می دانستند و موافق شاهی او نبودند. اما چه می شود کرد که این یک رسم میان عامه مردم بود. بخت النصر شد شاه و تا می توانست ظلم و ستم می کرد و دارایی مردم غارت می کرد. به شهرهای اطراف حمله می کرد و از قضا هر بار از مردم شهر می پرسید که چه کسی ظالم است من یا خدا؟ من به شما بیشتر ظلم می کنم یا خدا که چون منی را نصیب شما کرده است؟ طبیعی بود بیان هر پاسخی اهانت محسوب می شد و آن فرد

مهارت‌های اجتماعی کودکان

اولیای کودکان امیدوارند که کودکانشان در مدت زمانی که به پیش دبستان می‌روند چیزهای زیادی یاد بگیرند، شعر بخوانند نقاشی کنند و مفاهیم علمی را بیاموزند اما باید توجه داشت که کسب مهارت‌های دیگری لازم است تا یادگیری برای کودک تسهیل شود. مطالعات نشان می‌دهند که کودک در آغاز ورود به پیش دبستان نیازمند کسب و توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی هستند که کلید یادگیری محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، این گونه مهارت‌ها اساس یادگیری خواندن، نوشتن ریاضیات و علوم هستند. تقویت اعتماد به نفس، مهارت همکاری و ارتباط با دیگران، خود کنترلی و حس کنجکاوی از جمله‌ی این مهارت‌های اجتماعی هستند.

که کودک بتواند احساسی خوبی در مورد خود داشته باشد. این حتی به ارتباط کودک با خود، ارتباط او با دیگران و نیز به یادگیری او در حال حاضر و در سال‌های بعدی مدرسه کمک خواهد کرد. اولیا و مربیان در تقویت این حس در کودک نقشی اساسی دارند. کودک در خانه و مدرسه باید احساس امنیت کند و رفتار با او به گونه‌ای باشد که مطمئن باشد که دوستش دارند. همراهی با کودک در بازی‌ها، خواندن قصه برای او نه تنها اتلاف وقت نیست بلکه در پرورش حس اعتماد به نفس او تأثیر بسزایی دارد.

برای تقویت حس اعتماد به نفس در کودک لازم است در برخورد با او به نظرات و احساساتش اهمیت داده شود. هنگام صحبت کردن با کودک لازم است او را به نام خطاب کنیم و با او تماس چشمی همراه با لمس دست و یا شانه‌اش داشته باشیم. به استعدادها و توانایی‌های هر کودک باید ارزش گذاشته شود و هرگز نباید کودک را با دیگران مقایسه کرد. زیرا هر کودک استعداد خاص خود را دارد.

در برخورد با کودک، واژه‌هایی مانند تنبل، ترسو و یا عباراتی مثل «این کار تو نیست» یا «تو نمی‌توانی» را نباید به کار برد. لازم است کودک را در کارهایی که در انجام دادن آن‌ها مشکل دارد، راهنمایی و کمک کنیم. در عین حال به او مسئولیت بدهیم و نیز چگونگی انجام کار را پیگیری کنیم. ابراز خود در جمع از طریق انجام دادن وظایف، ارائه‌ی ایده‌ها، احساسات و دانش خود در مورد جهان پیرامون در تقویت حس اعتماد به نفسی کودک تأثیر بسزایی دارد.

کنجکاوی کودک

کنجکاوی نشان دهنده‌ی تشنگی کودک برای یادگیری است. کودک کنجکاو همیشه فعالانه به دنبال پاسخ به سؤالات خویش است. این کنجکاوی او را به سوی حل کردن راز و رمزهای زندگی سوق می‌دهد. کنجکاوی کودک باعث می‌شود او یادگیرنده‌ای فعال باشد و مفاهیم را به راحتی درک کند. بازی و سایر فعالیت‌های فیزیکی یکی از بهترین راه‌ها برای تقویت حس کنجکاوی کودک است. کودکان اساساً در مورد اسباب بازی‌ها و وسایل خود کنجکاوند.

اسباب بازی‌های فکری می‌توانند وسیله‌ای خوب برای توسعه‌ی کنجکاوی ذهنی کودک باشند. تشویق به کشف محیط‌های طبیعی و

اعتماد به نفس

اعتماد به نفس یکی از مهارت‌های اجتماعی لازم و ضروری برای کودک است. اعتماد به نفس گذرنامه‌ی کودک برای داشتن یک عمر زندگی همراه با سلامت روان، شادی و کلید موفقیت او در بزرگسالی است. این به آن معنی است



برای تقویت حسی اعتماد به نفس در کودک لازم است در برخورد با او به نظرات و احساساتش اهمیت داده شود. هنگام صحبت کردن با کودک لازم است او را به نام خطاب کنیم و با او تماس چشمی همراه با لمس دست و یا شانه‌اش داشته باشیم. به استعدادها و توانایی‌های هر کودک باید ارزش گذاشته شود و هرگز نباید کودک را با دیگران مقایسه کرد. زیرا هر کودک استعداد خاص خود را دارد.



تحمّل آن نیست، نتیجه‌ی عکس دارد.

در مواقع خطر، مثلاً زمانی که کودک در مکان خطرناکی ایستاده است، بزرگ‌ترها باید آرامش خود را حفظ کنند؛ زیرا نشان دادن اضطراب خود به کودک امکان گرفتن تصمیم‌های عقلانی را از او سلب می‌کند و سبب می‌شود با اقدام عجولانه به خود آسیبی برساند. کودک باید یاد بگیرد که برای انجام دادن کارهایی که مشخصی شده است، اجازه بگیرد و این امر از طریق تمرین و تکرار محقق خواهد شد. هرگاه او با اصرار و یا بدون اجازه بتواند چیزی را به دست آورد، بیشتر خواهد خواست. او باید بداند برای انجام دادن کارها و یا برداشتن و داشتن چیزی رضایت بزرگ‌ترها شرط است. از این طریق است که نظم و انضباط شکل می‌گیرد.

◀ مهارت همکاری

همکاری و ارتباط با دیگران از مهارت‌های اجتماعی مهم دیگری است که مربی می‌تواند آن را از طریق فعالیت‌های کلاسی در کودکان تقویت کند. اعضا در جریان کار گروهی می‌آموزند به تصمیمات گروه اهمیت دهند و آن‌ها را بپذیرند و نیز احساسات اعضای گروه را به حساب آورند. آن‌ها یاد می‌گیرند چگونه در زمان تعیین شده کاری را به نتیجه برساند.

مشارکت در فعالیت‌هایی مانند پخت و پز، نظافت، جمع آوری برگ‌ها و صدف‌ها در گردش علمی، و درست کردن تابلو به صورت گروهی، تمرین‌هایی برای یادگیری همکاری است. همچنین کودکان از طریق بازی، قصه، شعر و سرود یاد می‌گیرند چگونه با دیگران همکاری و همدردی کنند. مربی باید امکانات بازی و دیگر فعالیت‌های یاددهی یادگیری را برای کودکان فراهم کند.

کودک اولین بار حروف و اعداد را از طریق بازی‌های نمایشی، بلوک سازی و ... می‌آموزد. بنابراین پدران و مادران، احم نکنید اگر کودک شما به خانه می‌آید و می‌گوید: «در طول روز در مدرسه فقط بازی کردم!» مطمئن باشید که کودک با راهنمایی و هدایت مربی و کنجکاو ذاتی خود در حین بازی به کسب مهارت‌های اجتماعی اساسی و مهمی چون حل مسئله خواندن، ریاضی و علوم سوق داده شده است. بدین گونه است که کودک مشتاق یادگیری می‌شود؛ چرا که او از طریق بازی کشف می‌کند که یادگیری سرگرم کننده و لذت بخش است و بدین ترتیب به یک یادگیرنده مادام العمر و مشتاق تبدیل می‌شود.

دست کاری در آن‌ها حس کنجکاو کودکان را تحریک می‌کند. کودکان باید تشویق شوند که سؤال کنند و برای یافتن پاسخ سؤالات خود به خوبی جستجو و مشاهده کنند مربی با استفاده از طیف گسترده‌ای از مواد و وسایل و ایده‌های جالب می‌تواند کنجکاو ذاتی کودکان را تحریک کند.

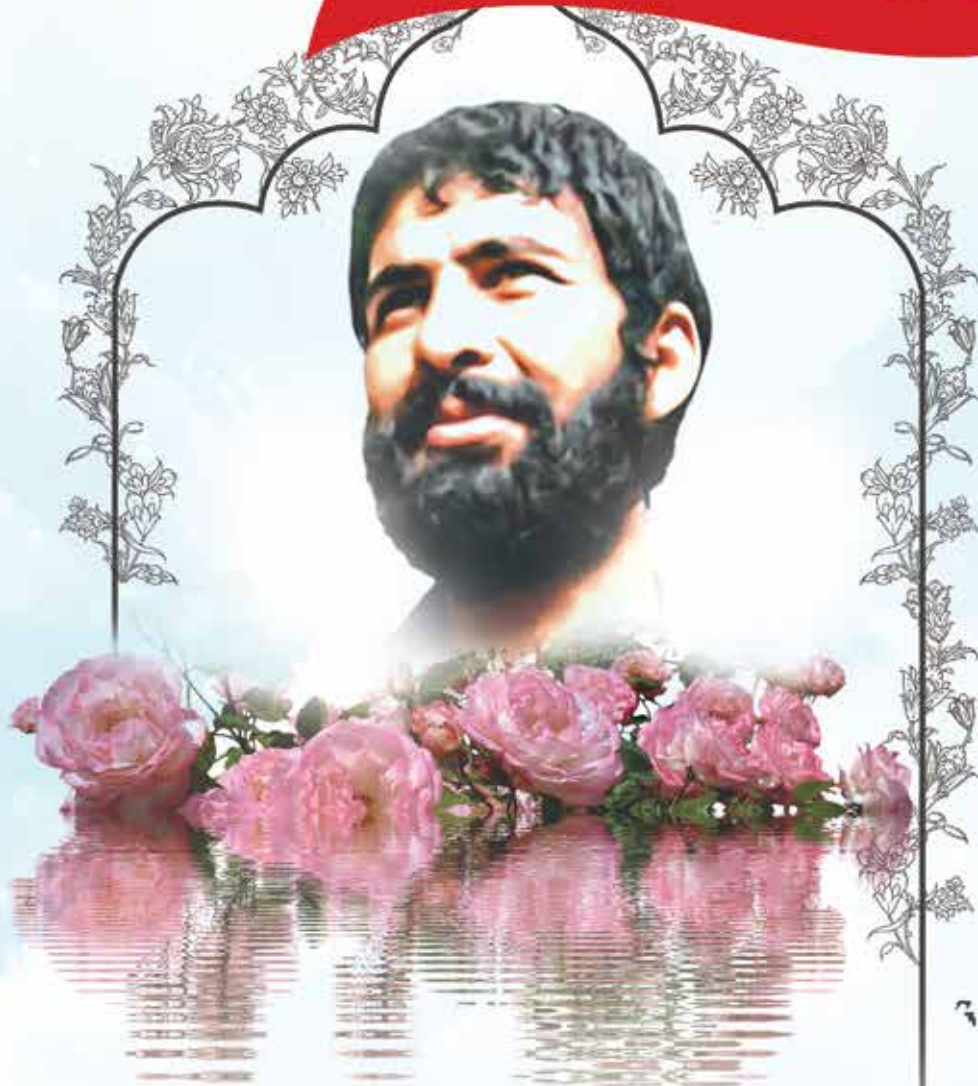
◀ مهارت خودکنترلی

خودکنترلی یکی دیگر از مهارت‌های اجتماعی است که باید در کودکان تقویت شود. یعنی توانایی کودک در به تأخیر انداختن خواسته‌ی خود برای رسیدن به چیز بهتری در آینده. خودکنترلی جزئی حیاتی برای برخورداری از رفاه اجتماعی است و به کودکان کمک می‌کند که یاد بگیرند احساسات و رفتارهایشان را در جهت یک تصمیم‌گیری خوب کنترل کنند. کودکانی که از این مهارت برخوردارند نسبت به خود احساس مثبتی دارند، آن‌ها حتی ناامیدی و ناکامی خود را کنترل می‌کنند.

خودکنترلی و توسعه‌ی نظم و انضباط از طریق فعالیت‌هایی شکل می‌گیرد که در کودک انگیزه ایجاد می‌کند. برای مثال، آن‌ها درک می‌کنند که برای شروع بازی باید نوبت بگیرند، هنگام گرسنگی منتظر بمانند تا غذا آماده شود و... برای تقویت این مهارت‌های اجتماعی در کودکان، هرگاه کودک رفتار نامناسب خود را کنترل کرد باید تشویق شود و پاداشی بگیرد. باید در جلب اعتماد کودک تلاش کرد. اگر به کودک قولی داده می‌شود، حتماً به آن عمل شود و در پذیرش یا نپذیرفتن رفتار کودک باید ثابت قدم بود. بزرگ‌ترها باید رفتار خود را کنترل کنند. هنگامی که کودک خشم و عصبانیت آن‌ها را می‌بیند، احساس می‌کند زندگی پر از شرایط اضطرابی است و در مقابل مشکلات احساسی ناتوانی می‌کند و این امر کنترل رفتار را برای او دشوار می‌سازد.

بنابراین، مهم‌ترین کار این است که با کودک با آرامش و مهربانی رفتار شود با ایجاد محدودیت‌های منطقی و مشخص کردن زمان برای انجام فعالیت‌ها و استمرار و تمرین، پذیرش نظم و انضباط در کودک توسعه می‌یابد.

انتظار کشیدن تمرین خوبی برای خودکنترلی است. اگر کودک مطمئن باشد که انتظار کشیدن نتیجه‌ی خوبی دارد، مثلاً نوبت بازی می‌رسد یا چیزی را که می‌خواهد به دست می‌آورد، به جای داد و فریاد زدن می‌پذیرد که منتظر بماند اما باید توجه داشت انتظار طولانی که کودک قادر به



روایت های مادرانه و همسرانه از زندگی با سردار شهید «احمد فروغی»

نام سردار شهید «احمد فروغی» هر چند برای خیلی از بچه های جبهه و جنگ آشناست اما مردم اصفهان شاید کمتر از او شنیده باشند. او اگر چه در همان سالهای ابتدایی جنگ به شهادت رسید اما تأثیر فعالیت هایش تا پایان جنگ آشکار بود. گمنامی این مرد بزرگ باعث شد تا امروز بعد از ۳۵ سال که از شهادت این مرد بزرگ می گذرد، به خانه ای برویم که یادگارهای او را در خود دارد.

آنقدر نزد همه ما عزیز بود که باور نمی کردیم اگر روزی حتی ناخنش خون بیفتد بتوانیم تحمل کنیم. از سن ۴ سالگی نماز و قرآن می خواند، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه صیrfیان پور و متوسطه را در دبیرستان هاتف به پایان رساند و همزمان با تحصیل به کار بنایی می پرداخت و به دلیل علاقه زیاد به ادامه تحصیل توانست در رشته برق در دانشگاه شهرکرد فوق دیپلم خود را بگیرد.

مادر بزرگ هستند، با یکدیگر بازی می کنند و او مرتب قربان صدقه شان می رود، کنار اتاق گلخانه کوچکی هم برای خود درست کرده است، از ظاهر گل ها چنین به نظر می رسد که آنها نیز همچون آدم ها در این خانه آرامش دارند. «عفت فروغی» با تن صدای پایین، آرام و متین از فرزند ارشد خانواده و محبوبیت او نزد همگان سخن می گوید و با غرور و رضایت مادرانه، سردارش را تحسین می کند «در سن ۱۳ سالگی صاحب اولین فرزند شدم، سال ۱۳۳۵ بود، نام او را احمد گذاشتیم،

کوچه ها را یکی یکی رد کردیم و چندین کوچه با فامیل شهید فروغی و نام های متفاوت راپشت سر گذاشتیم. پس از مسجد بزرگ ابر ۱۰۰ متری که جلوتر رفتیم به خانه مادر سردار شهید احمد فروغی رسیدیم. برخورد مادر و همسر شهید چنان گرم است که احساس می کنی سالیان درازی است با آنها دوستی دیرینه داری. وارد سالن که می شوی همه چیز مرتب سر جای خودش قرار دارد، روی یکی از میل ها پر از اسباب بازی است که با نظم خاصی چیده شده اند و دو بچه خردسال که از نتیجه های

می‌گفت تا کشور سامان نگیرد، سامان نمی‌گیرم

برای او سرنوشت مملکت و مردم از سرنوشت خودش مهم تر است «با دختر خاله‌اش نامزد بود، هر چه به او می‌گفتیم ازدواج کن قبول نمی‌کرد، می‌گفت تا زمانی که انقلاب به پیروزی نرسد، ازدواج نمی‌کنم. حرفش این بود که هر زمان کشور سامان گرفت من هم سامان می‌گیرم.»

پس از پیروزی انقلاب وقتی خیالش آسوده می‌شود تصمیم به ازدواج می‌گیرد اما ازدواجی که بر پایه‌های دینی استوار باشد «از همان ابتدا گفت من برای مهریه چیزی در سباط ندارم اگر دوست دارند به من دختر بدهند، شوهر خواهرم هم که مرد متدینی بود و می‌دانست مال و ثروت ارزشی ندارد، پذیرفت.» «زهره کوره‌یز» همسر شهید هم کنارمان نشسته و با عشق به حرف‌های خاله گوش می‌دهد. وقتی صحبت از ازدواج احمدآقا می‌شود، صورتش را به سمت او برمی‌گردانم، لبخندی می‌زنم تا از پیوند مبارکشان بگویم «مدتی بود که همه می‌گفتند تو و احمد برای هم هستی. بچه سال بودم و از این حرف‌ها چیزی سر در نمی‌آوردم. کلاس پنجم ابتدایی که تمام شد، یک شب احمدآقا با یک جعبه شیرینی به خانه ما آمد، به او گفتم شما کجا بودید چرا شیرینی خریده‌اید؟ گفت این شیرینی گواهینامه رانندگی من، کمی که گذشت به مامان گفتم چرا نمی‌رود گفت احمدآقا زودتر آمده حالا خاله و شوهرش هم برای نامزدی تو به اینجا می‌آیند. خلاصه آمدند و ما نامزد شدیم و قرار بر این شد که صبر کنند دو سه سالی من بزرگ شوم و سپس عقد کنیم.» از لابلای حرف‌های مادر و همسر شهید به خوبی می‌توان فهمید که نگاه احمد به زندگی متفاوت بوده و برای آنچه پافشاری می‌کرده، دلایل منطقی و محکمی داشته است «آن زمان رسم بود دخترها تا پنجم ابتدایی بیشتر درس نخوانند ولی احمدآقا اصرار داشت که درس بخوانم، به پدرم گفت اجازه بدهید زهره ادامه تحصیل دهد. برای رفت و آمد او هم نگران نباشید، خودم این وظیفه را به عهده می‌گیرم و تا پایان تحصیل به قولش وفا کرد.»

سر سفره عقد گفت زهره سوره عصر را بخوان

۱۲ فروردین سال ۵۹ خطبه عقدشان جاری می‌شود، داماد از عروس می‌خواهد برای آغاز زندگی‌شان والعصر بخواند تا صبورانه در برابر ناملازمات زندگی بایستد «طبق سنت، لباس عروسی که خیاط برایم دوخته بود را به تن کردم و پای سفره عقد نشستم. به محض ورود به اتاق تا چشمش به من افتاد، گفت زهره این چه لباسی است که پوشیدی؟ گفتم مگر مشکلی دارد گفت نه ولی چرا لباس ساده نپوشیدی؟ گفتم احمدآقا

سخت نگیر لباسی است که مادرم برایم فراهم کرده. لبخندی زد و سر سفره عقد نشستیم. قرآن را باز کردم و به رسم همه شروع به خواندن سوره نور کردم. یکدفعه گفت زهره شما نباید این سوره را بخوانی. قرآن را گرفت، سوره عصر را باز کرد و گفت شما باید این سوره را بخوانی. چون به او اعتقاد قلبی داشتم، صحبت‌هایش را از دل و جان می‌پذیرفتم. «چند هفته بعد یعنی در اردیبهشت مراسم جشن عقد و عروسی برپا شد. اجازه نداد مرا آرایشگاه ببرند. زن عمومی من کار آرایشگری انجام می‌داد. گفت احمدآقا اجازه دهید کمی او را آرایش کنم. گفت دست به صورت او زنید زن باید خودش زیبا باشد و زهره هم زیباست، خدا خلقت زن را زیبا آفریده برای چه می‌خواهید به صورت او دست بزنید؟ من نمی‌خواهم، رو به من کرد و گفت: زهره خودت می‌خواهی؟ من هم گفتم نه یعنی هر چه شما بگویید، به این ترتیب من در مراسم بدون آرایش با یک لباس ساده و چادر رنگی نشستم و تا به امروز به گفته او همان قدر ساده و بی‌آلایش بوده‌ام.»

مادر یا همان خاله جان که انگار همین دیروز عروسی پسرش بوده است با ذوق و شوق از آن دوران جشن و سرور سخن می‌گوید «قرار شد با ما در یک خانه زندگی کنند، خواهرم برای دخترش جهیزیه خریده بود، موقعی که می‌خواستند جهیزیه را از دم مغازه بیاورند، احمد اجازه نداده بود گاز و یخچال را بیاورند، به مغازه دار پس داده بود، گفته بود خانه یک یخچال و گاز بیشتر نمی‌خواهد، دوتا دوتا معنا ندارد. می‌گفت می‌خواهم این رسم‌ها برچیده شود نیازی نیست دختر این همه جهیزیه با خود بیاورد. مرد کم کار می‌کند و اسباب منزل را تهیه می‌کند.»

خاله جان خنده‌ای از ته دل می‌کند «به او گفتم مادر جان با چه ماشینی می‌خواهی عروس را خانه

بیاوری، گفت با همین ژیان خودم مگر مشکلی دارد؟ عروس باید خوشبخت شود، این تدارکات ضامن خوشبختی نمی‌شود.»

همسر شهید هم که گویا خاطرات عاشقانه‌اش بار دیگر تکرار شده است، به صحبت‌های مادر بندی اضافه می‌کند «البته احمدآقا برای من سنگ تمام می‌گذاشت برای هر مناسبت هدیه می‌گرفت ولی دوست نداشت در دید مردم و چشم و هم چشمی باشد می‌گفت می‌خواهم به تو ثابت کنم که وجودت برایم مهم است.»

یک هفته بعد از عروسی تازه عروسش را نزد مادر می‌گذارد و به جبهه می‌رود، از عشقش می‌گذرد تا به عشق وطنش پاسخ دهد «وقتی گفت می‌خواهم بروم، نگران شدم گفتم احمدآقا چرا اینقدر زود می‌روی؟ گفت من خیلی دیر می‌روم، آقا رحیم صفوی شب پاختی رفت. خنده‌ای زد و قول داد زود به زود بیاید تقریباً ۱۰ روز یکبار یک روز به پیش ما می‌آمد و دوباره برمی‌گشت تا اینکه یک روز زمانی که مهمات می‌بردند، ماشین در سردشت چپ کرد، دو نفر آنها شهید و احمدآقا از ناحیه بازو مجروح شد. وقتی وضعیتش کمی بهبود پیدا کرد مجدد به جبهه رفت ولی این بار دیر به دیر به اصفهان می‌آمد مدت‌های طولانی تری نزد ما نبود.»

یک ماه بیشتر ندیدمش

عروس از کل روزهایی می‌گوید که با احمد سپری کرده است، هر چند از نظر زمانی کم بوده است اما برای او دنیایی از عشق و محبت را رقم زده است «زندگی مشترک ما ۱۳ ماه طول کشید ولی من در مجموع یک ماه کامل، مرد زندگیم را ندیدم،

چون بیشتر مواقع جبهه بود. ولی همان یک ماه به صد سال زندگی می‌ارزید چراکه در همین مدت کوتاه خوشبختی را از جان و دل لمس کردم و خوشحالم که او چون یک معلم مرا در کلاس درس زندگی تربیت کرد.»

از ایمان، تقوا و معرفت او زیاد شنیده‌ایم، با ثروتمند بسیار عادی و با فقیر چنان برخورد می‌کرد که گویی خودش در آن جایگاه قرار دارد «نماز اول وقتش ترک نمی‌شد، حتماً روزی ۵۰ آیه قرآن می‌خواند، روزه مستحبی می‌گرفت و به نماز جماعت توجه ویژه داشت. گاهی اوقات نماز جماعت دو نفره در اتاق بر گزار می‌کردیم، البته او می‌گفت من عادل نیستم پشت سر من نماز نخوان ولی من به او می‌گفتم به عدالت تو ایمان دارم.»

مادر احمد با وجود داشتن ۶ فرزند بار دیگر بعد از ۱۳ سال به خواست خدا بچه‌دار می‌شود و همزمان زهرا هم...! احمد با شنیدن این خبر در پوست خود نمی‌گنجد «با شنیدن این خبر بسیار خوشحال شد و مرتب سفارش می‌کرد، مراقب خودت و بچه باش»

*به قولش وفا کرد: ده روزه برگشت

روزها می‌گذرد احمد بیشتر مواقع در جبهه است، یک شب دوستانش را برای شام به خانه دعوت می‌کند، پس از صحبت‌های طولانی رمز و رازدار و صرف شام می‌روند «صبح آن شب هنگام صبحانه برادر و خواهرانش را از خواب بیدار می‌کرد تا همه باهم صبحانه بخوریم. با اینکه دفعات زیادی به جبهه رفته بود ولی این بار استثنایی بود و گویا به او الهام شده بود که بار آخری است که اعضای خانواده را می‌بیند. به من گفت می‌خواهم به مشهد بروم گفتیم من که می‌دانم در این اوضاع شما به مشهد نمی‌روی. گفت می‌روم و بعد هم سری به بچه‌های جبهه می‌زنم، گفتیم زن حامله را به امید که می‌گذاری و می‌روی؟ گفت برای خدا، هیچ کس بالاتر از خدا نیست. رفت و گفت زود برمی‌گردد به مادر گفته بود نگران نباش بعد از ۱۰ روز یا خودم می‌آیم یا به بچه‌ها می‌گویم خبری از من بیاورند.»

بلاخره روز دهم فرا می‌رسد مرد است و قولش. سردار احمد یا باید بیاید، یا خبری از خود به خانواده بدهد، مادر لباس‌های احمد را آماده و حمام را گرم کرده است و منتظر پسر است که برگردد «صبح روز دهم یکی از دوستان او به نام محمدرضا سعادتپور به منزل ما آمد. سراغ حاج آقا را گرفت. وقتی که رفت گفتیم اصلاً یادم رفت سراغ احمد را بگیرم. چادر را سر انداختیم، به داخل کوچه رفتیم که سراغ احمد را بگیریم دیدیم با شوهرم سوار ماشین است همان لحظه شصتم خبردار شد که احمد شهید شده. به سپاه رفتیم، وقتی مطمئن شدیم که شهید شده خودم را محکم نگه داشتیم. خم به ابرو نیاوردم. زهرا را هم

که دیدم گفتم خوش به حال احمد، نگران نباش خدا یک احمد دیگر به ما داد. تو باید مراقب بچه باشی. در غسالخانه هم پرسیدند می‌توانی احمد را ببینی گفتم چرا نتوانم بچه‌ای که خودم بزرگش کردم را ببینم. همین‌طور که ایستاده بودم گفتم مادر همانی شد که خودت می‌خواستی. شهادت مبارک... مرا به یاد داشته باش. نمی‌دانم خداوند آن لحظه چه توان عظیمی به من داده بود.»

*پسر احمد ۴۱ روز بعد شهادت پدرش آمد

فرزند سردار احمد ۴۱ روز پس از شهادت او به دنیا می‌آید، او در این دنیا آرزویی جز دیدن فرزندش را نداشت، اینها را همسر شهید می‌گوید «باهم قرار گذاشتیم اگر پسر بود، اسمش را حمزه و اگر دختر بود او را مرضیه بنامیم اما قبل از زایمان در عالم خواب احمدآقا به یکی از اقوام گفته بود به زهرا بگویند مواظب علی باش و این چنین اسم او را براساس خواب علیرضا نهادیم. بعداً که دوباره ازدواج کردم و خدا به خودم یک دختر داد! اسم او را مرضیه گذاشتیم.»

دختر نوجوان ۱۶ ساله بیوه می‌شود، در تصورش زندگی بدون همسرش احمد معنایی ندارد، با رفتن او گویا دنیا برایش تمام می‌شود، در ثانی به دلیل بیماری‌های سخت به کلی امیدش را از دست می‌دهد «در دوران بارداری بیماری کره گرفتم، بر بدنم کنترل نداشتن و به قدری لرزش داشتم که نمی‌توانستم بچه را شیر دهم به گونه‌ای که گاهی من به علیرضا شیر می‌دادم و گاهی خاله. علاوه بر کره، ۶ ماه بعد از زایمان، بیماری حصبه گرفتم، آن زمان بود که دیگر بچه را از من جدا کردند و حالت قرنطینه داشتم و مدت یک سال و نیم خاله به علیرضا شیر می‌داد. در زمان نامیدی کم کم با دیدن علیرضا امید به زندگی پیدا کردم و با خود می‌گفتم باید یادگار و امانت احمدآقا را خوب بزرگ کنی.» مادر این بار دستانش را به علامت تشکر به سمت آسمان بالا می‌برد «کارهای خدا هیچ کدام بی حکمت نیست، اینکه من پس از ۱۳ سال مجدد بچه‌دار شوم تا بتوانم همزمان پسر و نوهام را شیر دهم، از معجزات خداوند برای ما بود»

مادر مهربان نقش‌های چندگانه‌ای در این زندگی بازی کرده است، علاوه بر اینکه خاله است و مادر شوهر، باید جای خالی پسرشهیدش را برای عروس پر کند، همچنین به دلیل بیماری، برای او پرستاری مهربان هست از طرفی مادر بزرگ شده است و نوه‌داری می‌کند و در نهایت از شیر جانش به نوه می‌بخشد و برای او هم مادری می‌کند، هرچند در این انبوه مشکلات غم از دست دادن فرزند را فراموش نکرده، وظیفه آخر را هم به خوبی انجام می‌دهد «۳ سال بعد از شهادت احمد، پسر دیگرم محسن ۱۹

ساله و هم سن زهرا بود یک روز به خانه آمد، گریه افتاد و گفت همسایه به من پیشنهاد داده با زهرا ازدواج کنم این حرف شماست مادر؟ من نمی‌توانم جا پای احمد بگذارم. خندیدم و گفتم این حرفها یعنی چه خوب گوش بده، زهرا دختر خواهر من است یک بچه دارد، مریض احوال هم هست اگر می‌توانی از عهده این مسئولیت بریایی بسم...! اجبار هم نیست فقط اگر این مسئولیت را قبول کردی باید قسم بخوری این بچه برایت عزیزتر از بچه‌ای باشد که بعداً به دنیا می‌آوری و محسن هم پذیرفت» همسر شهید راضی به ازدواج نمی‌شود اما وقتی در خواب مهر تأیید ازدواج با محسن را از احمد می‌گیرد دلش راضی می‌شود در سن ۲۴ سالگی بیماری‌هایش هم به طور کامل بهبود پیدا می‌کند. «در طول این ۳۴ سال، سراسر زندگی ما پر از محبت بوده است، چرا که همان رابطه عاشقانه و رمز و رازی که احمدآقا به من یاد داده بود را ادامه دادم، بدون شک بهترین عشق‌ها را مردان متدین و با ایمان می‌توانند بروز دهند چراکه معنای عشق حقیقی را درک کرده‌اند.»

*می‌گفت من در جبهه هیچ مقامی ندارم

از پست و مقام احمد فروغی که می‌پرسم همسر می‌گوید آن زمان‌ها ما از کارش هیچ سر در نمی‌آوردیم «هر موقع از او می‌پرسیدم که پست تو در جبهه چیست؟ می‌گفت کار من شبیه همان پاسداری است که در سپاه نگهداری می‌دهد. من همانم. هیچ مقامی ندارم.»

از مادر هم همین سؤال را می‌پرسم «هیچ موقع چیزی به ما نمی‌گفت یکبار که من به سپاه رفته بودم تا خبری از او بگیرم دیدم روی دیوار نوشته احمد فروغی فرمانده سپاه، وقتی از جبهه بازگشت گفتم مادر خیلی زیرکی، به ما نمی‌گویی که فرمانده شدی؟ گفت مادر فرماندهی سپاه که مقام نیست. به هیچ کس چیزی نگو چرا که ممکن است فکر کنند من شخص مهم و دارای مقامی هستم.»

احمد فروغی پس از حضور مستمر در جبهه به عنوان فرمانده نظامی شناخته شد او که در دو سال اول انقلاب مخصوصاً در صحنه‌های عملیاتی جانشین سرلشگر صفوی محسوب می‌شد به عنوان فرمانده جبهه دارخوین انتخاب شد، پس از گذشت دوماه با دیدن ذکاوت و رشادت‌های سردار احمد، او را به سمت فرماندهی عملیات سپاه پاسداران استان اصفهان منصوب می‌کنند. او به کرات عازم جبهه‌ها شد و در عملیات فرمانده کل قوا و ثامن الائمه نقش فرماندهی‌اش را به نیکوترین وجه ایفا نمود و سرانجام سال ۶۰ به شهادت رسید.



ورزش‌هایی برای پشت میز نشین‌ها



۲ کششی قفسه سینه

ابتدا انگشتان خود را به هم قلاب کرده و کف دستان تان را پشت سر خود قرار دهید. سپس، همراه با چرخاندن لگن به سمت جلو قفسه سینه خود را نیز به سمت میز جلو آورده و درعین حال، آرنج‌های خود را به سمت عقب بکشید و نگه دارید. این حالت را ۳۰ ثانیه حفظ کرده و سپس، هر ۳۰ دقیقه تکرار کنید.



۵ کششی ران به صورت نشسته

در این تمرین ابتدا پاهای خود را به سمت جلو کشیده نگه داشته و سپس مچ یک پا را روی مچ پای دیگر قرار دهید. حال دستان خود را به سمت جلو آورده و همراه با آن خود را نیز به سمت جلو بکشید. در این تمرین باید در ماهیچه‌های ران و باسن کشش احساس کنید.

۱ دیپ سه سر بازو با صندلی

در این تمرین ابتدا دسته‌های صندلی را محکم نگه دارید و سپس از نشیمنگاه بلند شده، به حالت نشستن به سمت زمین پایین آمده ولی کامل ننشینید. این تمرین ماهیچه‌های سه سر شما را تقویت می‌کند. بنابراین این حرکت را در ۵ ست و هر ست ۳۰ ثانیه انجام دهید.



۳ پرس با کتاب

سنگین‌ترین کتابی که دارید را با یک دست برداشته، سپس دست خود را به سمت بالا برده و به حالت عمودی نگه دارید. حال، دست خود را از آرنج خم کرده و کتاب را پشت سر خود پایین آورده تا جایی که به گردن برسید. این حرکت را تکرار کنید.



۴ تقویت عضلات مرکزی

در این تمرین ابتدا روی صندلی بنشینید به طوری که ستون فقرات شما صاف و سرتان به سمت جلو باشد. وزن وارده روی پاهای تان نیز باید مساوی باشد بدون خم کردن لگن و کمر، پای راست خود را بالا آورده و به بالاتنه برسانید. سپس، ماهیچه‌های شکم خود را نیز منقبض کنید. حال، پای راست را پایین آورده و همین حرکت را با پای چپ انجام دهید. بهتر است این تمرین را در ۲ ست و هر ست ۸ بار انجام دهید.

آموزش وقف (تام، کافی، حسن و قبیح)

موارد وقف تام به نحو شایع

در کتب علوم قرآنی و علم قرائت، مواردی برای وقف تام ذکر شده است که بعضی از آنها کلی و قطعی است و بعضی از آنها کلی و قطعی نیست، لذا آنها را تحت عنوان موارد شایع می آوریم، این موارد عبارتند از:

۱- پایان هر جزء، مانند: وقف بر آیه ۱۴۱ سوره بقره، در پایان جزء اول.

۲- پایان هر حزب، مانند: وقف بر آیه ۱۷۶ سوره بقره: (لفی شقاق بعید).

۳- نیمه حزب، مانند: وقف بر آیه ۶۰ سوره بقره: (ولا تعثوا فی الارض مفسدین).

۴- ربع حزب، مانند: وقف بر آیه ۸۲ سوره بقره: هم فیها خالدون).

۵- پایان هر سوره، مانند: آیه ۷ سوره حمد: (ولا الضالین).

۶- قبل از آغاز هر داستان، مانند: آیه ۶۶ سوره بقره: وموعظة للمتقین، آیه ۶۷ آغاز داستان گاو بنی اسرائیل است.

همچنین مانند: وقف بر آیه ۲۴ سوره هود: افلا تذکرون، آیه ۲۵ آغاز داستان نوح است.

۷- پایان هر داستان، مانند: وقف بر آیه ۷۳ سوره بقره: (علکم تعقلون)، این آیه، پایان داستان گاو بنی اسرائیل است.

همچنین مانند: وقف بر آیه ۴۹ سوره هود: (ان العاقبة للمتقین)، این آیه، پایان داستان نوح است که از آیه ۲۴ این سوره آغاز شده است.

و نیز مانند: وقف بر آیه ۶۰ سوره هود: (الا بعدا لعاد قوم هود)، این آیه، پایان داستان قوم عاد و پیامبرشان، حضرت هود است که از آیه ۵۰ شروع شده است.

و مانند وقف بر آیه ۶۸ سوره هود: (الا بعدا لثمود) این آیه، پایان داستان قوم ثمود و پیامبرشان، حضرت صالح است که از آیه ۶۱ شروع شده است.

۸- کوعات قرآن، مانند: وقف بر آیه ۳۹ سوره بقره: (اولئك اصحاب النار هم فیها خالدون) و آیه ۵۹ سوره بقره: (بما كانوا یفسقون) و آیه ۲۸۳ سوره بقره: (بما تعملون علیهم) و آیه ۹ سوره آل عمران: (ان الله لا یخلف المیعاد).

۹- پیش از یای نداء، مانند: وقف بر آیه ۱۰۳ سوره بقره: (لو كانوا یعلمون) وابتدا به آیه ۱۰۴: (یا ایها الذین امنوا امنوا لا تقولوا راعنا) و وقف بر آیه ۱۷۱ سوره بقره: (فهم لا یعقلون) و ابتدا به آیه ۱۷۲: (یا ایها الذین امنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم) و وقف بر آیه ۱۷۷ سوره بقره: (واولئك هم الممتقون) و ابتدا به

آیه ۱۷۸: (یا ایها الذین امنوا کتب علیکم القصاص).

۱۰- پیش از فعل امر، مانند: وقف بر آیه ۲۱۰ سوره بقره: (والی الله ترجع الامور) وابتدا به آیه ۲۱۱: (سل بنی اسرائیل) و وقف بر آیه ۶۳ سوره آل عمران: (فان الله علیم بالمفسدین) وابتدا به آیه ۶۴: (قل یا اهل الکتاب) و وقف بر آیه ۱۱۴ سوره هود: (ذلك ذکرى للذاکرین) و ابتدا به آیه ۱۱۵: (واصبر).

۱۱- پیش از قسم، مانند: وقف بر آیه ۷۴ سوره واقعه: (فسب ح باسم ربک العظیم) و ابتدا به آیه ۷۵: (فلا اقسیم بمواقع النجوم) و وقف بر آیه ۳۷ سوره حاقه: (لا یاء کله الا الخاطئون) و ابتدا به آیه ۳۸: (فلا اقسیم بما تبصرون) و وقف بر آیه ۳۹ سوره معارج: (کلا انا خلقناهم مما یعلمون) و ابتدا به آیه ۴۰: (فلا اقسیم برب المشارق).

۱۲- پیش از لام قسم، مانند: وقف بر (وعرضوا علی ربک صفا) وابتدای به (لقد جئتمونا) در آیه ۴۸ سوره کهف، و وقف بر آیه ۳ سوره بلد: (ووالد وما ولد) وابتدا به آیه ۴: (لقد خلقنا الانسان فی کبد) و وقف بر آیه ۳ سوره تین: (وهذا البلد الامین) و ابتدا به آیه ۴: (لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم).

۱۳- پیش از شرط، در صورتی که جوابش مقدم نشده باشد، مانند: وقف بر آیه ۳ سوره واقعه: (خافضة رافعة) و ابتدا به آیه ۴: (اذا رجت الارض رجا) و وقف بر (ولا امانی اهل الکتاب) وابتدا به (من یعمل سوءا) در آیه ۱۲۳ سوره نساء.

تبصره: موارد ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳، تام بودن وقفشان منوط به این است که ماده قول، قبل از آنها نیامده باشد، زیرا چنانکه بعدا خواهد آمد، بین (قال ومشتقاتش) و (مقول قول) نباید فاصله انداخت. ۱۴- پیش از کان الله، مانند: وقف بر (اذ یبیتون ما

لا یرضی من القول) و ابتدا به (وکان الله بما یعملون محیطا) در آیه ۱۰۸ سوره نساء، و وقف بر (یاءت باخرین) وابتدا به (وکان الله علی ذلک قدیرا) در آیه ۱۳۳ سوره نساء، و وقف بر فعندالله ثواب الدنیا والاخرة) و ابتدا به (وکان الله سمیعا بصیرا) در آیه ۱۳۴ سوره نساء.

۱۵- پیش از (ما کان)، مانند: وقف بر آیه ۱۴۴ سوره آل عمران: (وسیجزی الله الشاکرین) و ابتدا به آیه ۱۴۵: (وما کان لنفس ان تموت) و وقف بر آیه ۹۱ سوره نساء: (جعلنا لکم علیهم سلطانا مبینا) و ابتدا به آیه ۹۲: (وما کان لمومن).

۱۶- پیش از استفهام، مانند: وقف بر آیه ۲۷ سوره بقره: (اولئک هم الخاسرون) و ابتدا به آیه ۲۸: (کیف تکفرون بالله) و وقف بر آیه ۲۶ سوره نازعات: (ان فی ذلک لعبرة لمن یرحی) و ابتدا به آیه ۲۷: (انتم اشد خلقا).

۱۷- پیش از لو لا، مانند: وقف بر (وعلمه مما یشاء) و ابتدا به (ولولا دفع الله الناس) در آیه ۲۵۱ سوره بقره، و وقف بر (ان یقولوا ربنا الله) و ابتدا به (ولولا دفع الله الناس) در آیه ۴۰ سوره حج.

تبصره: موارد ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷، در صورتی وقفشان تام است که قبل از آنها قسم، قول و مانند آن نباشد ۱۸- پیش از ادوات نفی و نهی، مانند: وقف بر آیه ۱۷۶ سوره بقره: (لفی شقاق بعید) و ابتدا به آیه ۱۷۷: (لیس البر) و وقف بر آیه ۱۹۵ سوره آل عمران: (والله عنده حسن الثواب) و ابتدا به آیه

۱۹۶: (لا یغرنک).

۱۹- فاصله بین عذاب و رحمت و به طور کلی دو آیه ای که بیانگر صفات متضاد باشند، مانند: وقف بر آیه ۲۴ سوره بقره: (فانقوا النار التي وقودها الناس والحجارة) و ابتدا به آیه ۲۵: (وبشر الذين امنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجرى من تحتها الانهار). ۲۰- وقف بر آیه ای که آیه بعدش با (الله) آغاز می شود، مانند: وقف بر آیه ۱۱ سوره جاثیه: (لهم عذاب من رجز الیم) و ابتدا به آیه ۱۲: (الله الذی سخر لكم البحر). ۲۱- وقف بر انتهای استثناء، مانند: وقف بر آیه ۱۶۰ سوره بقره: (الا الذین تابوا واصلحوا). و ابتدا به آیه ۱۶۱: (ان الذین کفروا). ۲۲- وقف بر انتهای قول و گفتار، مانند: وقف بر آیه ۴۷ سوره مدثر: حتی اتینا البیقین).

چند نکته درباره وقف تام

۱- گاهی بر اثر رعایت نکردن وقف تام، وصل دو عبارت یا جمله موجب تغییر و فساد معنا و مفهوم آیات قرآن می شود، در این حالت، وقف بر آخر عبارت اول، لازم و حتمی، و آن را وقف بیان تام می نامند. یعنی به جهت بیان معنای مقصود، وقف بر این موارد از تام، لازم است، مانند آیتی که در

ذیل می آید: (ولا یحزنک قولهم ان العزۃ لله جمیعاً) / یونس (۱۰)، آیه ۶۵/

ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون الذین یاکلون الربوا بقره (۲)، آیه ۲۷۴ و ۲۷۵/

یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الذین خسرو انفسهم انعام (۶)، آیه ۲۰/

والله لا یمهدی القوم الظالمین الذین امنوا وهاجروا توبه (۹)، آیه ۱۹ و ۲۰/

انهم اصحاب النار الذین یحملون العرش ومن حوله مومن (۴۰)، آیه ۶ و ۷/

فتول عنهم یوم یدع الداع

قمر (۵۴)، آیه ۶/

ان الله شدید العقاب للفقراء المهاجرین.

حشر (۵۹)، آیه ۶ و ۷/

۲- گاهی بعضی از وقفهای تام بر بعضی دیگر برتری دارد، مانند: وقف بر (مالک یوم الدین) و (ایک نعبد وایک نستعین) که هر دو تام، ولی اولی تمامیتش بیش از دومی است، زیرا آیه دوم در خطاب با مابعدش، یعنی (اهدنا الصراط المستقیم) مشترک است.

۳- همانطور که قبلاً اشاره شد، اختلاف در اعراب، قرائت و تفسیر، در وقف وابتدا تأثیر دارد، لذا گاهی طبق یک نوع اعراب، قرائت و تفسیر، وقف تام است،

و طبق نوعی دیگر، وقف کافی یا حسن است، مانند: وقف بر آیه ۱۳۹ سوره بقره: (ونحن له مخلصون) که طبق قرائت (ام یقولون) تام است و طبق قرائت (ام تقولون) کافی است. و نیز مانند: وقف بر (مثابۀ للناس وامننا) در آیه ۱۲۵ سوره بقره، که بنابر قرائت کسر (خا) در (اتخذوا) تام است و بنابر قرائت فتح در (اتخذوا) کافی است. و یا مانند (الم) که غیر تام است، در صورتی که (ذلک الکتاب) خبرش باشد، و تام است، در صورتی که خبر برای مبتدای محذوف باشد: (هذا الم)، یا مبتدا برای خبر محذوف باشد: (الم هذا)، و یا مفعول برای فعل محذوف باشد: (قل الم) ۴- دانی می گوید: بعضی از وقفهای تام به واسطه ارتباط معنایی که با عبارت بعد از خود دارد، در درجه وقف کافی هستند، و آن در مواردی است که به اجماع علما وقف تام است، ولی ارتباط معنوی نیز با جمله بعد دارد، مانند: وقف بر (وینذر الذین قالوا اتخذ الله ولدا)

و ابتدا به (ما لهم به من علم)

و همین طور وقف بر (ولا لایفهم)

و ابتدا بر (کبرت کلمة تخرج من افواههم)

در حالی که منظور از (کلمة) در عبارت اخیر، همان (اتخذ الله ولدا) است.

۵- در مواردی که وقف تام است، گرچه وقف کردن بهتر است، اما وصل آن نیز جایز است، به جز مواردی که موجب ابهام معنای خلاف باشد، که به (وقف بیان تام) مشهور است.

احکام (استفتائات جدید)



احکام خمس

آیا پول رهن منزل خمس دارد؟

چنانچه برای تأمین و رهن مسکن به پول مذکور نیاز باشد، تا زمانی که در رهن است لازم به پرداخت خمس نیست، ولی هر گاه از رهن آزاد شود و دیگر برای آن جهت، مورد نیاز نباشد، بر اساس نظر بیشتر فقها باید خمس آن پرداخت شود.

البته در فرض مذکور، برخی از فقها آیات سیستانی و خامنه‌ای می‌گویند، هر وقت توانایی پس گرفتن مبلغ را دارد باید فوراً خمس آن را پرداخت کند. حال اگر مجدداً به آن پول نیاز باشد، می‌توان با هماهنگی و مصالحه با مرجع تقلید خویش یا نماینده رسمی ایشان مبلغ مذکور را در مورد نیاز خود مصرف نماید.

+ پاسخ مراجع عظام تقلید نسبت به این سؤال، چنین است:

- حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی): اگر مبلغ مذکور از درآمد کسب شما باشد، به هنگام وصول از موجد لازم است خمس آن داده شود.
- حضرت آیت الله مکارم شیرازی (مد ظله العالی): پول رهن منزل تا زمانی که در رهن است خمس ندارد، ولی هر گاه از رهن آزاد شود و دیگر برای آن جهت، مورد نیاز نباشد، و تا پایان سال خمس هزینه نگردد خمس به آن تعلق می‌گیرد.

- حضرت آیت الله سیستانی (مد ظله العالی): هر وقت توانایی پس گرفتن را دارید فوراً باید خمس آن را بپردازید.

- حضرت آیت الله نوری همدانی (مد ظله العالی): چنانچه برای تأمین مسکن به پول مذکور نیاز باشد به گونه‌ای که بدون آن امکان تهیه مسکن نباشد به آن خمس تعلق نمی‌گیرد.

احکام وضو

آیا تاتوی ابرو وضو را باطل می‌کند؟

جواب‌های زیر از دفاتر آیات عظام، دریافت شده است:

- آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی): اگر مانع رسیدن آب به محل وضو یا غسل باشد، باید آن را برطرف کرد مگر این که تاتو زیر پوست باشد که در این صورت اشکال ندارد.

- آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی): مانع وضو نیست.

- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (مد ظله العالی): اگر عمل مذکور مانع از رسیدن آب وضو و غسل باشد، جایز نیست.

آیا جوهر خودکار بر روی پوست باعث ابطال وضو می‌شود؟

طبق مشهور اگر جرم نداشته باشد و مانع از رسیدن آب نباشد و فقط اثر و رنگ آن باشد اشکال ندارد. اما اگر به گونه‌ای است که جرم دارد و مانع محسوب می‌شود آن را برطرف کنید.

احکام نماز

حکم حرف زدن عمدی در نماز چیست؟

سخن گفتن عمدی، نماز را باطل می کند.

- آیت الله خامنه ای: اگر در نماز به عمد حرف بزند، حتی اگر یک کلمه باشد، نماز باطل است.

- آیت الله سیستانی: از مبطلات نماز آن است که به عمد حرف بزند، هر چند به کلمه ای که یک حرف داشته باشد (اگر آن حرف فهماننده معنای خودش باشد) مثل «قی» که در زبان عربی به معنای این است که نگهداری کن یا فهماننده معنای دیگری؛ مثل «ب» در جواب کسی که از حرف دوم الفبا سوال کند. حال چنانچه هیچ معنایی را نفهماند، اگر مرکب از دو حرف یا بیشتر باشد، باز هم بنابر احتیاط واجب مبطل نماز است.

- آیت الله صافی: از مبطلات نماز آن است که به عمد کلمه ای بگوید که

دارای دو حرف یا بیشتر باشد، چه معنا داشته باشد؛ ولی اگر به اشتباه و بدون توجه بگوید، نماز باطل نمی شود.

- آیت الله مکارم: از مبطلات نماز آن است که به عمد حرف بزند، حتی یک کلمه دو حرفی؛ مانند: «من» و «ما»؛ بلکه بنابر احتیاط اگر دو حرف معنی دار هم نباشد، نماز باطل است (منظور از احتیاط در مبطلات نماز آن است که نماز را تمام کرده، بعد اعاده کند).

اگر در مسافرت باشی و نمازت شکسته باشد و نمازت در مسافرت قضا شود و بعد از این که به وطن خود برگردی باید قضای نمازت را شکسته بخوانی یا کامل؟

قضای نماز به همان صورت که قضا شده است خوانده می شود. نماز شکسته در وطن هم به صورت شکسته قضا می شود.

احکام متفرقه

اگر با دفتر چه کسی به دکتر رویم چه حکمی دارد؟؟

استفاده از دفتر چه بیمه دیگران جایز نیست و استفاده از دفتر چه بیمه درمانی فقط برای کسی جایز است که شرکت بیمه نسبت به ارائه خدمات به او تعهد کرده است و استفاده دیگران از آن موجب ضمان است، یعنی اگر کسی از دفتر چه دیگری استفاده کند به مقداری که استفاده کرده است، مديون شرکت بیمه می باشد و باید پول آن را به شرکت بیمه پرداخت نماید. برای تعیین تکلیف به نمایندگی آن بیمه مراجعه کنید.

حکم سفر زن بی اجازه شوهر چیست؟

- گناه است و زن باید نمازش را کامل بخواند (مشهور مراجع)

- بنابر احتیاط واجب، نمازش را کامل بخواند (آیت الله مکارم)؛

نکته: اگر سفری بر زن واجب باشد، مانند سفر برای حج واجب، در این صورت اجازه شوهر شرط نیست.



تنفس در فضای مجازی

«این فضای مجازی امروز از فضای حقیقی زندگی ما چند برابر بزرگ تر شده؛ بعضی ها اصلاً در فضای مجازی تنفس می کنند؛ اصلاً آنجا تنفس می کنند، زندگی شان در فضای مجازی است. جوانان هم سر و کار دارند با فضای مجازی، با انواع و اقسام چیزها و کارها، با برنامه های علمی اش، با اینترنتش، باشبکه های اجتماعی اش، با مبادلات و امثال اینها سر و کار دارند؛ خب، اینجا لغزشگاه است. هیچ کس نمی گوید آقا جاده نکش. اگر شما در یک منطقه ای، جاده ای لازم دارید، خیلی خب، جاده بکش، جاده ای اتوبان هم بکش اما مواظب باش! آنجایی که ریزش کوه محتمل است، آنجا محاسبه ی لازم را بکنید. ما به دستگاه های ارتباطی خودمان، به مجموعه ی وزارت ارتباطات و شورای عالی مجازی که بنده از آن هم گله دارم سفارش مان این است. ما نمی گوئیم این راه را ببندید؛ نه، این که بی عقلی است. یک کسانی نشستند، فکر کرده اند، یک راهی باز کرده اند به عنوان این فضای مجازی و به قول خودشان سایبری؛ خیلی خب، از این استفاده کنید منتها استفاده ی درست بکنید؛ دیگران دارند استفاده ی درست می کنند؛ بعضی از کشورها طبق فرهنگ خودشان این دستگاه ها را قبضه کرده اند. ما چرانی کنیم؟ چرا حواسمان نیست؟ چرا رها می کنیم این فضای غیرقابل کنترل و غیر منضبط را؟ (بخشی از سخنان رهبر انقلاب در دیدار با معلمان و فرهنگیان ۱۳۹۵/۰۲/۱۳)»

مجله قرآنی زلال نیز در همین راستا بر آن شده تا در هر شماره با معرفی کانال های مناسب در حوزه های مختلف فرهنگی، قرآنی، اجتماعی، سیاسی و به درست استفاده کردن از شبکه های اجتماعی بپردازد. در این شماره به معرفی دو کانال رسمی گروه پایداری روزنامه اصفهان زیبا با عنوان «بیسیم چی» و کانال «حدیث گراف» خواهیم پرداخت تا خوانندگان مجله و کاربران فضای مجازی بتوانند مسیر درست استفاده از این فضا را بیش از پیش دریابند.

همراه با شهدا در

«بیسیم چی»



عکس نوشته، برشی از وصیت نامه شهدا، معرفی کتاب شهدا با عنوان «چند خط کتاب»، آهنگ های ویژه شهدا و ... را در کانال بیسیم چی دنبال کنید. مخاطبان با وارد کردن آدرس @Bicimchee در نرم افزار تلگرام می توانند به این کانال بپیوندند و برای لحظاتی با شهدا همراه شوند.

آشنایی با کانال «حدیث گراف»

به دو زبان فارسی و انگلیسی

کانال حدیث گراف با نوشتن احادیث مختلف از ائمه اطهار (ع) در قالب تصویر مرتبط با حدیث به مسائل روز می پردازد.

این کانال به دو زبان انگلیسی و فارسی با بیش از ۴۴ هزار عضو به فعالیت می پردازد که علاقه مندان برای عضویت در این کانال و بهره مندی از سخنان چهارده معصوم می توانند به آدرس @hadisgraph در نرم افزار تلگرام مراجعه کنند.

بخشی از توصیه های امیرالمومنین علی (ع) در مورد مالی که در دست داری را در این کانال بخوانید.

هر کس از شما که مالی دارد، از فساد بر حذر باشد که هر آینه، اگر بخشیدن آن مال نا به جا باشد، ریخت و پاش و اسراف است و هر چند نام وی را در میان مردم، برمی کشد، وی را نزد خداوند، فرو می آورد. هیچ کس نیست که مالش را نا به جا و برای غیرشایستگان صرف کند، جز آن که خداوند، سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستی جز او در دلشان افتد، و اگر هم از آنان کسی باقی بماند که او را سپاس گوید و برایش دل بسوزاند، از باب چالپوسی و ناراستی است و اگر روزگار باز گونه شود و او به آنان محتاج شود و نیازمند جیرانشان گردد، آنگاه، فرومایه ترین دوست و بدترین یار اویند. هیچ کس نیست که

دارایی اش را نا به جا و برای ناشایستگان صرف کند، جز آن که تنها بهره اش ستایش فرومایگان و سپاس بدان باشد - آن هم مادام که به احسان و بخشش خویش ادامه دهد و نادان درباره اش بگوید: «وچه بخشنده است!» ولی او نزد خدا، بخیل به شمار می آید. پس چه بهره ای مرگبارتر و زیان بارتر از این بهره است؟ و کدام کار به ظاهر نیک، سودش کمتر از این کار است! پس هریک از شما را مالی است که باید با آن، به خویشاوندان پیوند برساند، میهمانی نیکوتری بدهد، و رنجور و اسیر و در راه مانده را رهایی بخشد؛ زیرا هر آینه، دستیابی به این خوی ها، هم در دنیا مایه کرامت است و هم در آخرت، سبب شرافت.

تحف العقول صفحه ۱۸۵

بازال همراه باشید در شماره های بعدی...



آشنایی با طرح حفظ قرآن یک ساله و دو ساله در کنار تحصیل

با طرح جدید حفظ قرآن، دانش آموزان می توانند به صورت هم زمان
در طرح حفظ قرآن شرکت کنند و پیگیر دروس مدرسه باشند.



اهمیت و شأن و جایگاه حفظ قرآن بر هیچ کس پوشیده نیست و اگر این همت بر این مهم در سنین نوجوانی و جوانی انجام گیرد تأثیر شایانی در سیره و شیوه زندگی می‌گذارد، نوجوانانی که به حفظ قرآن روی می‌آورند رهنمودهای قرآن مانند نوری راه زندگی آن‌ها را روشن می‌کند و این تأثیر در بطن جامعه مانند بذری نیکو شکوفا می‌شود.

دانش آموزانی که همت خود را جذب می‌کنند تا به این راه قدم بگذارند برای آنکه نگرانی از تداخل تحصیلی نداشته باشند و در مدت کوتاهی دوره‌های حفظ خود را به پایان برسانند یک سال از تحصیل در مدرسه مرخصی گرفته و به حفظ قرآن می‌پرداختند، حال به همت مرکز تخصصی حفظ قرآن مهد قرآن اصفهان امکان حفظ کامل قرآن در طرح‌های یک‌ساله و دوساله در کنار تحصیل دروس مدرسه فراهم آمده است.

برگزاری طرح با هماهنگی اداره آموزش و پرورش

مرضیه خراسانی مدیریت طرح حفظ یک‌ساله و دوساله مهد قرآن کریم پیرامون طرح حفظ در کنار تحصیل اظهار داشت: در این طرح بچه‌ها در طول یک الی دو سال حافظ کل قرآن می‌شوند، این طرح سال‌های گذشته در سایر مؤسسات قرآنی برگزار می‌شد، تفاوت با شیوه طرح کنونی این است که بر اساس مصوبه‌ای که امسال وزارت آموزش و پرورش مبنی بر آنکه بچه‌هایی که در طرح یک‌ساله شرکت می‌کنند، می‌توانند در این مدارس ثبت‌نام کرده ولی در کلاس‌ها حضور نداشته باشند.

وی از حضور دانش آموزان در ایام امتحانات دی‌ماه و خردادماه و هم‌زمان حفظ کل یا ۱۵ جز قرآن خبر داد و گفت: در این مجموعه علاوه بر آنکه حفظ قرآن صورت می‌گیرد، دروس اصلی و لازم بچه‌ها به آن‌ها آموزش داده می‌شود، بچه از ساعت ۷،۳۰ تا ۱۳،۳۰ در اختیار مدرسه هستند، از ساعت ۷،۳۰ تا ۱۱ به‌صورت ثابت برنامه حفظ قرآن را دارند و پس‌از آن درس‌های علوم و ریاضی و ... را می‌خوانند در پایان سال بدون آنکه از درس خود عقب مانده باشند حافظ قرآن شده و درس خود را نیز به پایان رسانده‌اند.

این راهبر حفظ مهد قرآن به برگزاری این طرح از پایه پنجم تا نهم اشاره کرد و افزود: با بررسی‌هایی که صورت گرفته به این نتیجه رسیدیم که پایه پنجم تا نهم می‌توانند در این طرح حضور داشته باشند، پایه ۷ و ۸ بهترین دوره برای یادگیری است، پایه نهم با توجه به اینکه در این سال هدایت تحصیلی صورت می‌گیرد به برنامه‌ریزی بیشتری نیاز دارد و این امر محقق شد.

وی در خصوص برگزاری دوره‌ها در دو مرکز پسران و دختران گفت: پسران در مرکز مهد قرآن لاهور و دختران در مرکز مهد قرآن چهارباغ در حال تحصیل هستند. برای آنکه این طرح انجام شود با آموزش و پرورش هماهنگی لازم انجام شد.

شیوه حضور دانش آموزان در طرح حفظ قرآن
خانم خراسانی شیوه حضور دانش آموزان در این مدرسه را این‌گونه اظهار داشت: بچه‌ها ابتدا باید به مدارس عادی آموزش و پرورش مراجعه کرده و ثبت‌نام نمایند، دوره در دو بخش آزمایشی و اصلی برگزار می‌شود، اگر دانش آموزان در دوره آزمایشی موفق شدند وارد دوره اصلی می‌شوند، دوره آزمایشی از تیرماه تا شهریورماه برگزار می‌شود.

وی در ادامه گفت: اگر دانش آموزان در دوره آزمایشی موفق شوند در شهریورماه باید به مدرسه مراجعه کرده و درخواست خود را به مدیر مدرسه تحویل داده و اجازه حضور در این طرح را دریافت کنند. در مدرسه کمیسیونی تشکیل می‌شود و اجازه از طرف مدرسه صادر می‌شود، این مجوز را مدرسه به اداره آموزش و پرورش برده و در کمیسیون موارد خاص اداره آموزش و پرورش این درخواست بررسی می‌شود و تأیید حضور این دانش‌آموز صادر می‌شود. حتماً باید این طرح در مراکزی انجام شود که مورد تأیید آموزش و پرورش باشد و **مهد قرآن از مراکز آموزشی حفظی است که مورد تأیید آموزش و پرورش است.**

وی به برگزاری این طرح برای اولین بار در استان اصفهان اشاره و تصریح کرد: سعی شد تا بچه‌ها در دو مدرسه مشخص متمرکز شوند تا تعامل با مدرسه راحت‌تر انجام شود. این دوره دو گروه یک‌ساله برای حفظ کل و دوساله برای حفظ کل در حال برگزاری است.

تأثیر حفظ قرآن در روحیه و انگیزه دانش آموزان
خانم طیبیه آهنی، مدیر مدرسه حفظ قرآن خواهران به برکات روحی حفظ قرآن در دانش‌آموزان اشاره کرد و اظهار داشت: در این مدرسه همه بچه‌ها با هم در کنار هم درس می‌خوانند، این دانش‌آموزان اگر در مدرسه عادی درس بخوانند از نعمت حفظ قرآن بهره‌مند نمی‌شوند. اما در این طرح هم درس و هم حفظ قرآن را با توانایی و موفقیت ادامه می‌دهند. وی با بیان این موضوع که بچه‌هایی که در این طرح شرکت می‌کنند دانش‌آموزان موفق هستند و همگی از هوش بالایی برخوردارند، افزود: دانش‌آموزان هم‌زمان روزی یک صفحه قرآن حفظ می‌کنند و درس‌های خود را مطابق مدرسه انجام می‌دهند، خانواده‌ها از این طرح راضی هستند و تا امروز هیچ

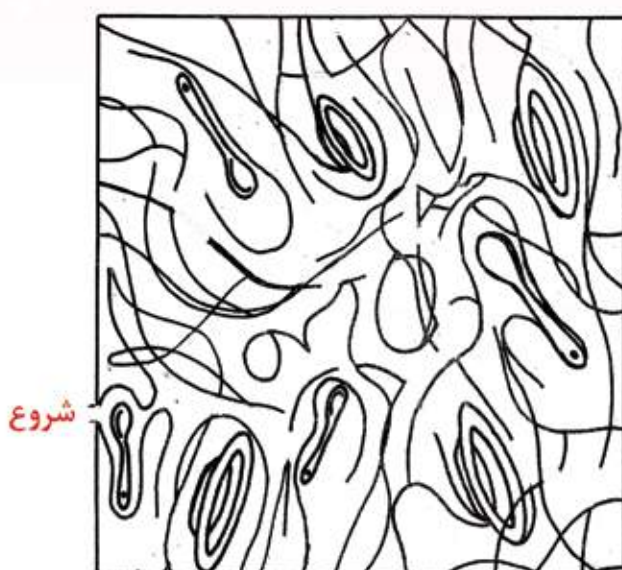
دانش‌آموزی از حضور در این طرح پشیمان نیست. مدیر مدرسه حفظ قرآن خواهران در ادامه گفت: بچه‌ها اگر در این سن قرآن را حفظ کنند برای آن‌ها راحت‌تر از آن است که در زمان دانشگاه این کار را بکنند، امروز برکات حفظ در بچه‌ها بعد از گذشت یک نیم سال مشخص است، دانش‌آموزان احساس مفید بودن دارند، وقتی دانش‌آموزان خود را با بقیه مقایسه می‌کنند، حال که کارنامه‌ها آمده است روحیه بچه‌ها بیشتر شده است، دانش‌آموزانی که از قبل ممتاز بوده‌اند باز هم در رده ممتازان هستند و دانش‌آموزان دیگر هم با افزایش سطح درسی روبرو بوده‌اند، این رشد تحصیلی سبب شادمانی بچه‌ها شده است.

وی تأثیر حضور در گروه هم‌سالان برای حفظ قرآن را بسیار ارزشمند خواند و خاطرنشان کرد: کار حفظ در مدت یک سال بسیار به روحیه و انگیزه نیاز دارد، همراهی با گروه به دانش‌آموزان این انگیزه و انرژی را می‌دهد، حتی بچه‌های پایه پنجم هم با دیگران همراه می‌شوند. در دوره آزمایشی طرح سنگین‌تر نشان داده می‌شود تا دانش‌آموزانی که توان و انرژی و انگیزه لازم را ندارند در این طرح حضور پیدا نکنند. آهنی به محیط شاد و دوست‌داشتی مدرسه حفظ برای کودکان اشاره کرد و گفت: اردوهای تفریحی و مسابقات از جمله برنامه‌هایی است که در طول سال برای بچه‌ها انجام می‌شود و این امر سبب شده تا محیطی مدرسه با وجود فشردگی برنامه تحصیلی برای آن‌ها شاد باشد، بچه‌ها خودشان پیشنهاد برنامه‌هایی را می‌دهند و با برگزاری آن‌ها لذت می‌برند.

خانم طیبیه آهنی، مدیر مدرسه حفظ قرآن خواهران به برکات روحی حفظ قرآن در دانش‌آموزان اشاره کرد و اظهار داشت: در این مدرسه همه بچه‌ها با هم در کنار هم درس می‌خوانند، این دانش‌آموزان اگر در مدرسه عادی درس بخوانند از نعمت حفظ قرآن بهره‌مند نمی‌شوند. اما در این طرح هم درس و هم حفظ قرآن را با توانایی و موفقیت ادامه می‌دهند.

کودک و نوجوان هوشمند

فرزندم از نقطه شروع وارد شو قاشق را بردار و از بین خطوط آن را داخل یکی از بشقابها بگذار. مواظب باش در حین حرکت به دیواره ها برخورد نکنی.



فرزندم به دو تصویر با دقت نگاه کن ۶ اختلاف در آنها وجود دارد. تو می توانی این دو شکل را کامل کنی ؟



لطیفه:

به غضنفر می گن: توی عمرت سخت ترین کاری که کردی چی بود؟
میگه پر کردن نمکدان!
میگن چرا: جواب میده: آخه سوراخ هاش خیلی ریزه!!!!



یکی بادکنک فروشی باز میکنه بالای مغازه میزنه، بادکنک به شرط چاقو!



به غضنفر میگن: زود باش قطار میره!
میگه: کجا می خواد بره، بلیط دست منه!



- پدر: پسر امتحان ریاضی ات چطور بود؟
پسر: پسر یکی از جوابها را غلط نوشتم.
پدر: عیبی نداره، پس بقیه سوالها را درست حل کردی؟
پسر: نه، چون اصلا وقت نکردم

شما عزیزان می توانید جواب چیستان را به آدرس دبیرخانه فصلنامه زلال و یا به دفتر مدارس مهاد ارسال نمایید و در قرعه کشی جوایز ما شرکت نمایید.

چیستان:

- آن چیست که اگر به زمین بیافتد نمی شکند. در آب هم بیافتد خیس نمی شود؟
- آن کدام جزیره ایرانی است که اگر سر و ته اش کنی میشه تکلیف شب دانش آموز؟
- پنج تا داداش یک تاکسی می خرن بعد از یک ماه ورشکست می شوند می دونید چرا؟



معما:

- پانزده پرتقال روی میز است اگر محمد ۲ پرتقال بردارد. او چند پرتقال دارد؟

- علی ادعا می کند می تواند نتیجه تمام مسابقات فوتبال را در لحظه ی شروع بگوید چطور چنین چیزی ممکن است؟



جایگاه تفکر منطقی

در ایجاد خانواده های پایدار

مقدمه

دارا بودن مهارت منطقی فکر کردن، در تصمیم گیریهای فردی و اجتماعی به ویژه مسائل خانوادگی که عموماً در این حوزه تصمیم هایی سرنوشت ساز اتخاذ می گردد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در عصر جهانی شدن و عصر انفجار اطلاعات که لحظه به لحظه به حجم و محتوای سبکهای جدید زندگی افزوده می شود، لزوم فراگیری مهارتهای فراشناختی (چگونه دانستن) بر مهارتهای شناختی (چه دانستن) ترجیح می یابد. امروزه در این سطح عالی، تفکر نمودن به عنوان مطالعات، تخصصی و عالی به رسمیت شناخته شده است. تفکر بنیادین عاملی اساسی برای خانواده ای آزادمنش داشتن است. هر چه اعضای خانواده منطقی پذیر باشند دموکراسی بیشتر برقرار می شود. دموکراسی گروهی بر مبنای عقلانیت فردی استوار است. بر اساس عقیده ی متیولیمن، منطق پذیری مهمترین ویژگی افراد تحصیل کرده است و به عبارتی افراد تحصیل کرده نه تنها به خوبی آموخته اند، بلکه به خوبی فکر می کنند. مشکلات خانوادگی در دنیای امروزی با گسترش نیازهای فردی و اجتماعی افزون گشته است. افراد بیشتر در خانواده فردگرا شده اند و به دلیل کمبود تفکر، تحمل، صبر، قدرت پیش بینی نتیجه، دوراندیشی و درایت کافی بنیان خانواده ها سست گردیده است. برخی از ویژگیهای خانواده منسجم به شرح زیر می باشند:

۱- **اصل وفاداری** (اعضا نسبت به یکدیگر وفا دارند و همدیگر را به وفادار بودن ترغیب و تشویق می کنند)

۲- **خشنودی و شادی خانواده** (در صورت رضایتمندی از خانواده حتماً آن را بیان می کنند و با کلمات پر احساس و شاد به خانواده انرژی مضاعف می بخشند و برای ادامه زندگی مشتاق تر می شوند)

۳- **در انتخابها دقت می کنند** (در انتخاب

همسر و در تصمیم های زندگی خوب دقت می کنند چرا که باور دارند انتخاب درست بیش از اصلاح کردن، ایجاد خانواده پایدار می کند)
۴- **اوقات فراغت را صرف خانواده می کند** (زمان را با هم صرف می کنند و با تنظیم زمان هم به شغل خود هم به خانواده بها می دهند، با هم می خندند و از با هم بودن خوشحال اند)
۵- **ارتباطات خوب و مؤثر برقرار می کنند** (راههای برقراری ارتباط مؤثر را می شناسند و احساس می کنند حامی دلسوزی دارند و در زمان بروز مشکلات اختلافات را با مذاکره و خلاقیت و ظرافت حل می کنند)

۶- **سالم زندگی می کنند** (تغذیه سالم، سرزندگی، ورزش، مدیریت و کاهش استرس را اهمیت می دهند)

۷- **ایمان و توکل دارند** (با اعتقاد به نیرویی مافوق خود آرامش خود را حفظ می کنند)

۸- **مثبت فکر می کنند** (می دانند مشکلات زود گذراست و اعتقاد دارند یک دست صدا ندارد)
۹- **می پذیرند هر کس منحصر به فرد است** (همدیگر را با دیگران مقایسه نمی کنند)

۱۰- **اجتماعی هستند و گوشه گیری نمی کنند** (خانواده های پایدار ارتباط خود را با اقوام و دوستان حفظ می کنند و می دانند در کنار دیگران می توان به همه مشکلات فائق آمد)

۱۱- **همدیگر را می بخشند** (کینه ای نیستند و دوستی و عشق را باور دارند)

چرا ازدواج پایدار نیازمند تفکر منطقی است؟

اندیشمندان حوزه ی خانواده نظر بر این دارند که همه اعضای خانواده باید قدرت تفکر منطقی داشته باشند، چرا که ازدواج و خانواده دارای ساختار، کارکرد و وظایف فردی، بین فردی و اجتماعی خاص خود می باشند و دائماً باید در حال بهبود بخشی و ایفای نقش خلاقانه و مبتنی بر شرایط روز جامعه باشند.

زوجین در عین حال که درگیر تصمیم گیری های عقلانی و حل مسائل هستند با شناخت کافی بر ویژگیهای طرف مقابل، به استدلال و مذاکرات منطقی می پردازند لذا از زورگویی، خودخواهی، زیاده خواهی، چشم و هم چشمی و نداشتن درک متقابل خانواده را نجات می بخشند و به ازدواجی پایدار دست می یابند. تفکر منطقی هم دانش و شناخت و هم ارزیابی و خلاقیت را افزایش می دهد که لازمه ی روابط سالم و محبت آمیز در زوجین است.



نتیجه گیری:

شناخت و دانش، موقعیت اقتصادی و اجتماعی، وضعیت بدنی، توانایی فکری و ادراکی، حرفه و... در ایجاد ازدواج پایدار ملاک تصمیم گیری هستند. تفکر منطقی و انتقادی درک افراد را بر شناخت و ارزیابی منصفانه، از تک تک مؤلفه های فوق الذکر تقویت می بخشد پس افراد به چیرستی، چرائی و چگونگی تصمیمات صحیح و رفع انتظارات و خواسته های خود، به خوبی دست می یابند.

استدلالات منطقی و انتظارات به جا، در روابط خانوادگی نیازمند تفکر منطقی داشتن است. تفکر منطقی افراد را به شناخت و چرایی و چگونگی دقیق در زندگی می رساند، جنبه های انسانی روابط را علاوه بر جنبه های فنی و تکنیکی در خانواده افزایش می دهد و بنیادهای حاکم بر خانواده را براساس بنیان های اخلاقی مستحکم می سازد.

از دیدگاه فلسفی سن، جنس، فرهنگ، سطح

زوجین در عین حال که درگیر تصمیم گیری های عقلانی و حل مسائل هستند با شناخت کافی بر ویژگیهای طرف مقابل، به استدلال و مذاکرات منطقی می پردازند لذا از زورگویی، خودخواهی، زیاده خواهی، چشم و هم چشمی و نداشتن درک متقابل خانواده را نجات می بخشد و به ازدواجی پایدار دست می یابند. تفکر منطقی هم دانش و شناخت و هم ارزیابی و خلاقیت را افزایش می دهد که لازمه ی روابط سالم و محبت آمیز در زوجین است.

برکات و تأثیرات حفظ قرآن از زبان حافظ کل قرآن کریم جناب آقای محمدرضا اکبریان

مسئول حفظ برادران مؤسسه مهد قرآن کریم اصفهان و رتبه اول مسابقات کشوری مدامتان (سال ۱۳۹۶)

شخصی آغاز به حفظ می کند دست او را می گیرد و در مسیر یادگیری به او کمک می کند و فرمایش قرآن کریم هم مؤید این بحث است: ولقد یسرنا القرآن للذکر...

به یاد دارم وقتی بچه بودم از خواب بیدار می شدم و پدر را مشاهده می کردم که مشغول دعا بود، از مادرم می پرسیدم چرا پدر دیشب بیدار بود می گفت دعا می کرد تا تو حافظ قرآن شوی. به نظرم از برکت دعای پدر بود که من حافظ شوم و این لطف خداوند است که افراد می توانند حافظ قرآن شوند.

◀ پدر حافظ قرآن هستند؟

نه اما او می گوید من وقتی کودک بودم فضایی برای حفظ قرآن نداشتم و این امکان برایم وجود نداشت، او همیشه می گفت من حاضرم همه چیزم را بدهم تا شما پیشرفت قرآنی داشته باشید، او چون خود از این نعمت محروم بوده ما را بسیار درک می کند و حمایت می کند.

◀ از این حفظ برکتی هم برای زندگی پدر به وجود آمده است؟
بله مشکلات خانواده نیز به برکت نور قرآن در خانه از بین رفته است، حفظ سبب انس دائمی با قرآن شده، کلمات قرآن نور بوده و معجزه دارد این امر سبب بروز برکات می شود.

◀ تأثیر حفظ در یادگیری شما در زمان تحصیل چگونه بود؟ آیا مشکلی برای درس خواندن شما به وجود نمی آورد؟

حفظ قرآن نه تنها باعث افت تحصیلی نمی شود بلکه ذهن را باز می کند و حافظه را تقویت می کند، این مهم نه فقط به دلیل آن است که به دلیل حفظ مداوم جملات این توانایی گسترش یافته است، بلکه به سبب معجزه ای که کلام قرآن دارد رخ می دهد.

یاد دارم که اوایل کار حفظ قرآن به سختی انجام می شد اما وقتی به جزء پنجم رسیدم درهای لطف الهی باز شد و بسیار این حفظ آسان تر انجام و حافظه تقویت شد و راه را آسان تر نمود. پس از حفظ قرآن در مباحث علمی همیشه سریع تر از دیگران مطالب را یاد می گرفتم.

عرصه حفظ قرآن، آوردگاهی است که برای کسانی که سیر در آن نمی کنند مانند دریایی ناشناخته ای است که از دور به آن نگاه شود، مصداق صحیح درنیاید حال پخته هیچ خام را در مواجهه با حافظان این کلام نورانی را باید به دیده جان قبول کرد.

برکات و تأثیرات حفظ بر حافظان آن چنان است که زندگی فرد را دچار تغییر خوش و ماندگار می کند، شنا در این دریا مانند مجاهدتی است که وصف آن برای دیگران حیرت انگیز بوده و گام برداشتن در آن را برای افراد به حسرتی بزرگ بدل می سازد.

محمدرضا اکبریان از حافظان برجسته کشور

است که رتبه های متعدد او در زمینه حفظ کل قرآن قابل توجه است، کسب رتبه اول در حفظ بیست جزء در سال ۱۳۹۳ شروع موفقیت های او بود و کسب رتبه های متعدد و برتر در بخش حفظ تمام قرآن در مسابقات کشوری جامعه القرآن و مدهامتان از جمله آن هاست. وی که امروز مسئول حفظ برادران مؤسسه مهد قرآن اصفهان است، خود را برای ادامه راه آماده می کند. با وی به گفتگو نشستیم تا بیشتر از برکات حفظ قرآن مطلع شویم.

◀ مهم ترین تأثیر حفظ قرآن در زندگی شما چه بوده است؟

مهمترین تأثیر معنوی آن انس دائمی با قرآن بوده است چرا که حافظ قرآن اگر مرور دائمی نداشته باشد حفظ خود را فراموش می کند. قرآن کریم بارها در زندگی دست من را گرفت و مشکلات من را حل کرد

◀ حفظ کردن قرآن نسبت به متون با حجم مشابه با موفقیت بیشتری همراه است، دلیل آن را چه می بینید؟

دلیل آنرا در اعجاز لغوی و معنوی قرآن می دانم قرآن کریم از نظر لغوی بسیار آهنگین و موزون است و علاوه بر آن خداوند وقتی



◀ آیا معرفتی و معنایی که در اثر مرور حاصل می‌شود برای شما حاصل شده است؟

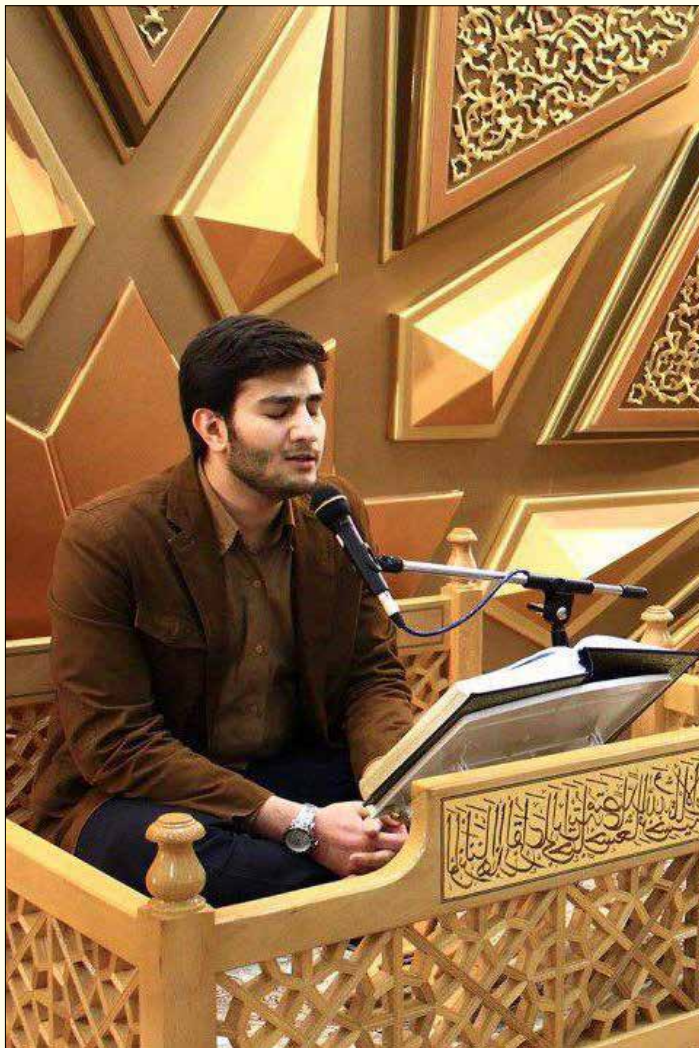
رهبر معظم انقلاب کلامی دارند که می‌فرمایند حفظ قرآن مقدمه تدبر است. امام صادق (ع) قرآن را بطنی می‌دانند که درون آن بطنی دیگری است و این بطن‌ها تا هفت مرحله وجود دارد. هر بار که مرور می‌کنیم وبه آیات قرآن توجه می‌کنیم کلمه‌ای توجه ما را جلب می‌کند و نکته‌ای از آن برداشت می‌کنیم.

◀ می‌توانید مثالی از درجات درک و معرفت برای ما بزنید؟

داشتم از سوره بقره آیه «وَلَا تَلْقُوا يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ هَلَكَ» را می‌خواندم، به خود گفتم چه جالب کسانی که با مواد مخدر خودشان را به هلاکت می‌اندازند شامل حال این آیه می‌شوند و آن‌ها به دست خود موجب هلاکت خود می‌شوند، بار دیگر این آیه را خواندم و دیدم در مورد احسان و تقوی هم در آن صحبت شده است و بارهای بعد معانی دیگری را درک کردم. هر باری که آیه ای را مطالعه می‌کنم مطلبی جدید در آن می‌یابم

◀ چه پیشنهادی برای تحقق قرآن در جامعه اسلامی دارید؟

باید فرمایش رهبر انقلاب را اطاعت کنیم و ۱۰ میلیون حافظ را در کشور محقق کنیم، به نوجوان و خانواده‌ها نصیحت کنیم تا راه حفظ را پیش بگیرند، تأثیرات حفظ بسیار زیاد است، هر بار که اشتباهی در زندگی داشتم اولین تأثیر را بر روی حفظ آیات می‌گذاشت و من را بسیار نگران می‌کرد کلمات از ذهنم فراموش می‌شد، حفظ سبب می‌شود تا به واسطه حفظ از گناه دوری کنند، این حفظ بهتر است در سن مناسب انجام شود.



خاطراتی از محجبه‌ها

کرده است.

غیرت مردی نسبت به حجاب زنش

شیخ بهاء الدین عاملی در یکی از کتاب‌های خود می‌نویسد: روزی زنی نزد قاضی شکایت کرد که پانصد مثقال طلا از شوهرم طلب دارم و او به من نمی‌دهد. قاضی شوهر را احضار کرد و او طلب خود را انکار نمود یا فراموش کرده بود. قاضی از زن پرسید: آیا بر گفته‌ی خود شهادتی داری؟ زن گفت: آری، آن دو مرد شاهدند.

قاضی از گواهان پرسید: گواهی دهید زنی که مقابل شماست پانصد مثقال از شوهرش که این مرد است طلب دارد و او نپرداخته است. گواهان گفتند: سزااست این زن نقاب مقابل صورت خود

من چند ماهه چادری شدم اولش خیلی دو دل بودم همش می‌گفتم هیچ‌کدوم از دوستانم چادری نیستن! اگه بخوام برم بیرون باشون خیلی ضایعه یا مثلا خواهرام هیچ‌کدوم چادری نیستن! بدتر از اون من تیکه پروندن هیچکس درمورد چادر رو بی جواب نمی‌زارم. دوستم گفت دیوونه‌ای تو این گرما چادر می‌پوشی تو که حجابت خوب بود حالا واسه چی چادر پوشیدی؟ گفتم کی رو تا حالا دیدی رو پیکان ۴۸ چادر بکشه؟ همه روی ماشینای آخرین سیستم چادر میکشن روی وسایل با ارزش پارچه می‌زارن اونوقت یعنی ارزش من کمتر از ایناست!!؟

نگاه‌های آلوده متوجه بدحجاب‌هاست

بارها در مراکز اداری یا خرید و در کنار بدحجاب‌ها قرار گرفته‌ام، ولی همیشه مردها با نهایت احترام و ادب برخورد کرده و معطل نشده‌ام، ولی نگاه‌های آلوده و صحبت و شوخی و ... همان مردان، نصیب بدحجاب‌ها شده است که با نگاه و لباس و صدا و صحبت و ... چراغ سبز داده و فرش قرمز پهن کرده‌اند، و غریز هم هر دو را به گناه علنی هدایت

را عقب بزنند تا ما لحظه‌ای وی را درست بشناسیم که او همان زن است، آنگاه گواهی می‌دهیم. چون این زن سخن را شنید بر خود لرزید و شوهرش فریاد برآورد شما چه گفتید؟ برای پانصد مثقال طلا، همسر من چهره‌اش را به شما نشان دهد؟! هرگز! من پانصد مثقال خواهم داد و رضایت نمی‌دهم که چهره همسر من در حضور دو مرد بیگانه نمایان شود. چون زن آن جوانمردی و غیرت را از شوهر خود مشاهده کرد از شکایت خود چشم پوشید و آن مبلغ را به شوهر بخشید.

دستور خدا را به خاطر تمسخر ترک نکردم

از ۹ سالگی چادر ضخیم می‌پوشیدم و رومی گرفتم، در ۱۲ سالگی قبل از انقلاب با خواهرم به اداره رفته بودم، یکی از کارمندان مرد با تمسخر به خواهرم گفت مادر بزرگت هست؟ من اصلا از چادر خودم خجالت نکشیدم و ناراحت نشدم، و سکوت پر معنایی کردم تا بفهمد غیرتی کمتر از من دارد و چادر را مانع هوسرانی خود می‌بیند. اکنون خدا را شاکرم که نعمت بزرگی به من داده است و هرگز دستور خدا را به خاطر تمسخر این و آن رها نمی‌کنم. ان الله مع المتقین.



چادر من سنگر من

فراخوان مسابقه خاطره نویسی

با عنایت به اهمیت حجاب بویژه حجاب برتر (چادر) در متون دینی و سخنان ائمه و اولیاء و همچنین هجمه گسترده دشمنان اسلام ناب محمدی به حجاب اسلامی بخصوص در شبکه های اجتماعی و رسانه ها، موسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان در تبعیت از رهنمودهای مقام معظم رهبری همچنین تاکید بر حفظ عفاف و حجاب و صیانت از خانواده، اقدام به برگزاری فراخوان مسابقه بزرگ خاطره نویسی با عنوان (چادر من، سنگر من) نموده است.

دختران و خواهران گرامی می توانند کلیه خاطرات خود را در خصوص چادری شدن و علل و عوامل آن، تأثیر چادر در اجتماع و در میان فامیل و بستگان و سایر مردم و همچنین استقامتی که در حفظ این عطیه الهی با الگو گرفتن از سیره تابناک حضرت زهرا (س) در این راه متحمل شده اند را به آدرس خیابان سروش - چهارراه عسگریه - کوچه محمدی - پلاک ۵ - دبیرخانه مجله زلال حداکثر تا ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۷ ارسال نمایند و یا به آدرس zolah.mahdgh@yahoo.com ایمیل نمایند.

بدیهی است ویژگیهای ساختاری خاطره نویسی (از جمله صمیمیت زبان در خاطره نویسی، نثر خودمانی، برجستگی حوادث در خاطره نویسی، واقع گرایی، مشخص بودن زمان و مکان، روان و روشن بودن خاطره، داشتن ابتدا و انتها، خلاصه نویسی و...) مدنظر عزیزان خواهد بود.

ضوابط شرکت در مسابقه و فراخوان

۱. شرکت در فراخوان برای تمام گروههای سنی آزاد است.
۲. آثار ارسالی باید تایپ شده و حداکثر از یک کاغذ A4 پشت و رو بیش تر نباشد و یا می تواند در قالب سی دی حامل فایل WORD باشد.
۳. آثار ارسالی عودت داده نخواهد شد.
۴. دبیرخانه حق چاپ و انتشار مجموعه خاطرات را برای خود محفوظ می دارد.
۵. قید نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، تحصیلات و شماره همراه در خاطره ارسالی الزامی است.
۶. به پنج نفر از برگزیدگان کمک هزینه سفر مشهد مقدس تعلق خواهد گرفت.

جدول دوره‌های آموزشی در رشته‌های قرآنی

«مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت»

شهر اصفهان - زمستان ۱۳۹۶

ردیف	موضوع دوره	جنسیت	نام مربی	زمان	نوبت	مکان	تلفن تماس
۱	حفظ (جلسه سنتی و هفتگی ویژه عموم)	مرد	استاد معتمدی	جمعه	صبح	سالن اجتماعات مهدقرآن ابن سینا	۳۴۴۷۶۶۸۰
۲	قرائت (جلسه سنتی و هفتگی ویژه عموم)	مرد	استاد نیکدستی	جمعه	بعدازظهر	سالن اجتماعات مهدقرآن ابن سینا	۳۴۴۷۶۶۸۰
۳	قرائت (جلسه سنتی و هفتگی ویژه عموم)	زن	سرکار خانم کریم زاده	یکشنبه	بعدازظهر	سالن اجتماعات مهد قرآن ابن سینا	۳۴۴۷۶۶۸۰
۴	حفظ (ویژه عموم)	مرد	آقای جعفریان	یکشنبه سه شنبه	بعدازظهر	خیابان پروین جنب خیابان صفوی نژاد	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵	حفظ (ویژه عموم)	مرد	آقای ضابط زاده	یکشنبه چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان پروین جنب خیابان صفوی نژاد	۳۲۲۶۲۷۴۸
۶	روخوانی و روانخوانی (ویژه عموم)	مرد	آقای فولادگر	پنجشنبه	بعدازظهر	خیابان پروین جنب خیابان صفوی نژاد	۳۲۲۶۲۷۴۸
۷	فنون قرائت (ویژه عموم)	مرد	آقای شهیدی	پنجشنبه	بعدازظهر	خیابان پروین جنب خیابان صفوی نژاد	۳۲۲۶۲۷۴۸
۸	حفظ (ویژه عموم)	زن	خانم خراسانی	شنبه	بعدازظهر	خیابان جی- خیابان لاهور خیابان بلال شرقی	۳۲۲۹۹۲۰۵
۹	حفظ (ویژه عموم)	زن	خانم خراسانی	شنبه	بعدازظهر	خیابان جی- خیابان لاهور خیابان بلال شرقی	۳۲۲۹۹۲۰۵
۱۰	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم پیکانی	شنبه سه شنبه	صبح	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۱	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم رضوی	شنبه سه شنبه	بعدازظهر	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۲	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم سوفسطایی	شنبه	صبح	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۳	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم فریدی زاد	شنبه سه شنبه	صبح	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۴	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم سوفسطایی	یکشنبه چهارشنبه	صبح	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۵	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم هاشمی	یکشنبه چهارشنبه	صبح	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۶	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم رضایی	یکشنبه چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۷	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم عابدینی	یکشنبه چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۸	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم بخشی	دوشنبه پنجشنبه	صبح بعدازظهر	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۱۹	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم دلیلی	یکشنبه سه شنبه پنجشنبه	صبح	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۲۰	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم صادقانی	شنبه دوشنبه چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان ابن سینا- کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵

ردیف	موضوع دوره	جنسیت	نام مربی	زمان	نوبت	مکان	تلفن تماس
۲۱	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم ذکر الهی	سه شنبه پنجشنبه	صبح	خیابان ابن سینا-کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۲۲	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم پیکانی	چهارشنبه	صبح	خیابان ابن سینا-کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۲۳	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم رضوی	چهارشنبه	صبح	خیابان ابن سینا-کوچه ۳۷ جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷ ۹۵۰۱۵۵۸۵
۲۴	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم غزالی	سه شنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۲۵	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم میرزایی	سه شنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۲۶	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم فقیهی	چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۲۷	حفظ (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم فقیهی	چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۲۸	حفظ (ویژه عموم)	دختر	سرکار خانم مرضیه غزالی	چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۲۹	حفظ (خردسالان)	دختر	سرکار خانم فاطمه غزالی	چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۳۰	حفظ (خردسالان)	دختر	سرکار خانم فاطمه غزالی	چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۳۱	حفظ (خردسالان)	پسر	سرکار خانم مهناز خراسانی	چهارشنبه	بعدازظهر	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه روبروی درمانگاه موسی بن جعفر کوی سرچشمه	۳۴۴۵۹۰۸۰
۳۲	فنون قرائت (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم کریم زاده	شنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۳۳	فنون قرائت (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم کریم زاده	دوشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۳۴	فنون قرائت (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم مغروق	دوشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۳۵	فنون قرائت (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم مغروق	چهارشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۳۶	ترجمه و مفاهیم (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم میرشفیعی	دوشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۳۷	فنون قرائت (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم کرچگانی	دوشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۳۸	فنون قرائت (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم عباسی	چهارشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۳۹	تواشیح	زن	سرکار خانم عباسی	چهارشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۴۰	فنون قرائت (ویژه عموم)	زن	سرکار خانم چگونیان	چهارشنبه	بعدازظهر	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۴۱	حفظ (دانش آموزی)	زن	سرکار خانم افلاکی	شنبه تا چهارشنبه	صبح	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴

ردیف	موضوع دوره	جنسیت	نام مربی	زمان	نوبت	مکان	تلفن تماس
۴۲	حفظ (دانش آموزی)	زن	سرکار خانم صادقانی	شنبه تا پنجشنبه	صبح	چهارراه تختی-خیابان چهارباغ پایین-کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
۴۳	حفظ (دانش آموزی)	مرد	جناب آقای اکبریان	شنبه تا پنجشنبه	صبح	خیابان جی-خیابان لاهور خیابان بلال شرقی	۳۲۲۹۹۲۰۵
۴۴	حفظ (دانش آموزی)	مرد	خانم ابوطالبی	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهادر مدرس	۳۴۴۶۳۳۳۱
۴۵	روخوانی و روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم ابوطالبی	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهادر مدرس	۳۴۴۶۳۳۳۱
۴۶	روخوانی و روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم ابوطالبی	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهادر مدرس	۳۴۴۶۳۳۳۱
۴۷	حفظ (دانش آموزی)	مرد	خانم نصیری	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر مدرس	۳۴۴۶۳۳۳۱
۴۸	روخوانی و روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم ملاک	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر مدرس	۳۴۴۶۳۳۳۱
۴۹	روخوانی و روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم ابوطالبی	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر مدرس	۳۴۴۶۳۳۳۱
۵۰	فنون قرائت (دانش آموزی)	مرد	آقای اعتباریان	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر مدرس	۳۴۴۶۳۳۳۱
۵۱	حفظ (دانش آموزی)	مرد	خانم صلواتی	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر پروین	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵۲	روخوانی و روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم صلواتی	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر پروین	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵۳	روخوانی و روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم صلواتی	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر پروین	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵۴	حفظ (دانش آموزی)	مرد	خانم نصیری	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر پروین	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵۵	روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم صلواتی	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر پروین	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵۶	روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم ابوطالبی	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر پروین	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵۷	فنون قرائت (دانش آموزی)	مرد	آقای اعتباریان	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر پروین	۳۲۲۶۲۷۴۸
۵۸	حفظ (دانش آموزی)	زن	خانم نصیری	دوشنبه چهارشنبه	صبح	مهادر صغیر	۳۲۲۸۵۲۴۹
۵۹	روانخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم نصیری	دوشنبه چهارشنبه	صبح	مهادر صغیر	۳۲۲۸۵۲۴۹
۶۰	روخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم نصیری	دوشنبه چهارشنبه	صبح	مهادر صغیر	۳۲۲۸۵۲۴۹
۶۱	حفظ (دانش آموزی)	زن	خانم نصیری	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر صغیر	۳۲۲۸۵۲۴۹
۶۲	روانخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم ملاک	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر صغیر	۳۲۲۸۵۲۴۹
۶۳	روانخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم عباسپور	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر صغیر	۳۲۲۸۵۲۴۹
۶۴	فنون قرائت (دانش آموزی)	زن	خانم فقیهی	شنبه دوشنبه	صبح	مهادر صغیر	۳۲۲۸۵۲۴۹

ردیف	موضوع دوره	جنسیت	نام مربی	زمان	نوبت	مکان	تلفن تماس
۶۵	حفظ (دانش آموزی)	مرد	آقای هدایت	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا پسرانه بهارستان	۳۶۸۰۱۰۴۷
۶۶	روخوانی (دانش آموزی)	مرد	آقای هدایت	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا پسرانه بهارستان	۳۶۸۰۱۰۴۷
۶۷	روخوانی (دانش آموزی)	مرد	آقای هدایت	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا پسرانه بهارستان	۳۶۸۰۱۰۴۷
۶۸	روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	آقای هنرمند نیا	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا پسرانه بهارستان	۳۶۸۰۱۰۴۷
۶۹	روانخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم یزدانی	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا پسرانه بهارستان	۳۶۸۰۱۰۴۷
۷۰	فنون قرائت (دانش آموزی)	مرد	آقای اعتباریان	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا پسرانه بهارستان	۳۶۸۰۱۰۴۷
۷۱	حفظ (دانش آموزی)	زن	خانم یزدانی	شنبه چهارشنبه	صبح	مهدا دخترانه بهارستان	۳۶۸۲۳۵۳۵
۷۲	روخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم یزدانی	شنبه چهارشنبه	صبح	مهدا دخترانه بهارستان	۳۶۸۲۳۵۳۵
۷۳	روخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم یزدانی	شنبه چهارشنبه	صبح	مهدا دخترانه بهارستان	۳۶۸۲۳۵۳۵
۷۴	روانخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم جمال لیوانی	شنبه چهارشنبه	صبح	مهدا دخترانه بهارستان	۳۶۸۲۳۵۳۵
۷۵	روانخوانی (دانش آموزی)	زن	خانم یزدانی	شنبه چهارشنبه	صبح	مهدا دخترانه بهارستان	۳۶۸۲۳۵۳۵
۷۶	حفظ (دانش آموزی)	زن	خانم دشت کوهی	شنبه چهارشنبه	صبح	مهدا دخترانه بهارستان	۳۶۸۲۳۵۳۵
۷۷	حفظ (دانش آموزی)	مرد	خانم ملاک	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا سپاهان شهر	۳۶۵۰۰۰۱۴
۷۸	روخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم ملاک	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا سپاهان شهر	۳۶۵۰۰۰۱۴
۷۹	روخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم ملاک	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا سپاهان شهر	۳۶۵۰۰۰۱۴
۸۰	حفظ (دانش آموزی)	مرد	خانم ملاک	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا سپاهان شهر	۳۶۵۰۰۰۱۴
۸۱	روخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم حسینی	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا سپاهان شهر	۳۶۵۰۰۰۱۴
۸۲	روخوانی (دانش آموزی)	مرد	آقای هنرمند نیا	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا سپاهان شهر	۳۶۵۰۰۰۱۴
۸۳	فنون قرائت (دانش آموزی)	مرد	آقای اعتباریان	یکشنبه سه شنبه	صبح	مهدا سپاهان شهر	۳۶۵۰۰۰۱۴
۸۴	حفظ (دانش آموزی)	مرد	خانم عباسپور	دوشنبه چهارشنبه	صبح	مهدا عسگریه	۳۲۲۸۵۴۰۶
۸۵	روخوانی (دانش آموزی)	مرد	خانم عباسپور	دوشنبه چهارشنبه	صبح	مهدا عسگریه	۳۲۲۸۵۴۰۶

افقی

۱- پنجاه و هفتمین سوره قرآن، آیه قرض الحسنه نیز در این سوره آمده است
* از شاگردان ابوعلی سینا* شکوه
۲- آواز دهل* غمخواری و دلسوزی* از روستاهای ساوجبلاغ
۳- دریا* دانه حاصل از زراعت گیاهان مانند جو و...* بانگ وصدا* قومی
از مردم گیلان
۴- خون* گندم نیم کوب ولی برعکس* گرسنگی* اگر کلمه ای به آخرش
اضافه کنید جای راحتی برای نشستن است.
۵- درگاه و آستانه* سرپوش* سرسرا* بلندای عمارت
۶- عنبر، چوب خوشبو* ماده رنگی قابل شستشو در نقاشی که قابلیت پوشاندن
دارد.* واحد سطح* شهادتین گفتن
۷- درخندگی زیاد* از آثار دستغیب* حرف ربط
۸- قصد و عزم* از جنس یخ* شدت ورزش باد
۹- شکیبا* نوعی زغال سنگ سیاه و براق* ولگرد و بی سروپا
۱۰- نزدیک* مخفف شاه* قوم ما* آش
۱۱- نیست قرآنی* از شهرهای سوئیس* به معنای شرم است اگر کلمه ای
به آخرش اضافه شود* کانون
۱۲- درخت زبان گنجشک* اهل کن* عهد و پیمان* راندن
۱۳- خاورشناس آمریکایی که استاد زبان های هند و ایرانی بود* پرنده ای
کوچک تر از گنجشک* بی فایده* خالی نیست
۱۴- سنی* صحرا و بیابان* پسر کوروش
۱۵- از اعضای صورت* نام دخترانه ایرانی* نام فیزیکدان فرانسوی کاشف
جذر معکوس

عمودی

- ۱- شرح این حدیث از آثار امام خمینی (ره) است .
- ۲- عاجز و بیچاره * تاریخ نگار و ادیب و منتقد ادبی ایرانی
- ۳- دست * علامت مفعول * ضد انس * بله بیگانه * توان بینایی
- ۴- سوزان * کیف خارجی * نابود و ضایع * نیزه ماهیگیری
- ۵- دستگاه تقویت امواج صوتی * میل داشتن به گویش مازنی * بیخ و بنیاد * از حروف انگلیسی
- ۶- اعلام خطر * فیلمی به کارگردانی فخریم زاده و بازی خودش
- ۷- از اندازه های هندی که یک دست هم نامیده میشده * از صادرات ایران * صدا و صوت
- ۸- نوعی شیشه رنگی * نوعی نان نازک لوله کرده به چند لایه * امر از چیدن
- ۹- صورت و ظاهر چیزی * پر افتخارترین ورزشکار ایرانی در تکیواندو * سروصدا راه انداختن
- ۱۰- آنچه بر در و دیوار یا تنه درخت بنویسند * کرم شب تاب
- ۱۱- مخفف اگر * نقش و وظیفه * زشتی و پلیدی * چرب زبانی
- ۱۲- تپانچه * کشک سیاه * مادر * زُر زُرُق
- ۱۳- علامت جمع * تکرار حرف * پلاس و پوشش * خاک کوزه گری * مادر ورزش ها
- ۱۴- بزرگترین ماهی دریای خزر * نوعی مرغابی با نوک برگشته
- ۱۵- از آثار دکتر بهشتی



اشتراک و فصلنامه زلال

مشخصات فردی مشترک

نام :

نام خانوادگی :

تاریخ تولد :

میزان تحصیلات :

تلفن تماس (با پیش شماره شهرستان) :

کد پستی :

نشانی دقیق پستی منزل :

نحوه اشتراک

واریز هزینه اشتراک یک ساله (پست عادی به مبلغ ۱۵۰۰۰ تومان و پست سفارشی به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان) به شماره حساب اشتراک ۴۱۶۸۹۴۸۷۳۱ نزد بانک ملت و شناسه ۱۲۵/۶۰

شیوه های اشتراک

پیامک :

نام و نام خانوادگی و شناسه پرداخت را به شماره ۱۰۰۰۱۵۰۱۰۰۰۰۵۷ ارسال نمایید.

ایمیل :

تصویر فرم اشتراک و فیش واریزی خود را پس از تکمیل نمودن به آدرس زیر ارسال نمایید.

Zolal.mahdgh@yahoo.com

تماس تلفنی :

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را از طریق تلفن ۰۳۱۳۲۲۸۵۴۰۶ اعلام بفرمایید.

نمابر :

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را به شماره ۰۳۱۳۲۲۸۵۴۰۶ ارسال نمایید.

پست :

پس از تکمیل فرم اشتراک آن را به همراه فیش واریزی خود به نشانی: اصفهان-خیابان سروش - چهارراه عسگریه - کوچه محمدی - پلاک ۵ - دبیرخانه فصلنامه زلال - صندوق پستی ۹۳۱۱۳-۸۱۶۳۸ ارسال نمایید.

در ضمن پایگاه های بسیج و مراکز فرهنگی دارای مجوز

جهت اشتراک رایگان مجله می توانند تصویر مجوز خود را

همراه با آدرس و تلفن به دفتر مجله ارسال نمایند.

پرسشنامه

با تقدیم سلام و احترام حضور شما خوانندگان گرامی
نظرات شما عزیزان در راستای تحقق هدف ترویج فرهنگ ائسی
با قرآن و بهبود خدمت رسانی یار و یاور ما خواهد بود لذا امیدواریم
با مدد مادر هرکام، بهبود روز افزون فصل نامه را شاهد باشیم.
باسپاس فراوان

در صورت داشتن انتقاد یا پیشنهاد سازنده لطفاً آن را بیان نمایید

- از چه طریقی با فصلنامه آشنا شدید ؟
- دوستان ☐ سایت مهدقرآن ☐ مدارس مهاده ☐ مطالعه یکبار مجله ☐
- زمان انتشار فصلنامه را چگونه ارزیابی می کنید ؟
- خوب ☐ به موقع ☐ بد ☐ بی تفاوت ☐
- مطالب مرتبط با مباحث قرآنی چگونه است ؟
- کامل و مفید ☐ مناسب ☐ شایسته نیست ☐ گیج کننده است ☐
- گرافیک و صفحه آرایی فصلنامه به چه صورت است ؟
- مرتبط و جذاب ☐ خوب ☐ ضعیف ☐ بی ارتباط ☐
- حجم مطالب را چگونه ارزیابی می کنید ؟
- کامل و خوب ☐ خوب ☐ نسبتاً زیاد ☐ خیلی زیاد ☐
- نظر شما در خصوص قراردادن بخش جدول و سرگرمی چیست ؟
- ایده جالبی است ☐ خوب است ☐ مناسب این نوع مجله نیست ☐ بی تأثیر است ☐
- مطالب فصلنامه تا چه حد به مباحث قرآنی مرتبط است ؟
- کاملاً مرتبط است ☐ خوب است ☐ نسبتاً مرتبط است ☐ مرتبط نیست ☐
- تصویر روی جلد تا چه حد معرف محتوا و موضوع فصلنامه است ؟
- مرتبط و جذاب ☐ خوب ☐ ضعیف ☐ بی ارتباط ☐
- مطالب فصلنامه تا چه حد در زندگی روزمره کاربرد دارد ؟
- کاملاً مرتبط است ☐ خوب است ☐ نسبتاً مرتبط است ☐ مرتبط نیست ☐
- فصلنامه تا چه حد انگیزه شما را به رجوع به قرآن برای پاسخ به مسائل روزمره بالا برده است ؟
- خیلی زیاد ☐ زیاد ☐ خیلی کم ☐ بی تأثیر است ☐
- در صورت عدم چاپ نشریه تا چه اندازه کمبود آن را احساس می کنید ؟
- خیلی زیاد ☐ زیاد ☐ خیلی کم ☐ بی تأثیر است ☐

میزان تحصیلات :
پست الکترونیکی (email):

جنسیت :

نام و نام خانوادگی :

شغل :

دو فصلنامه فرهنگی - اجتماعی

زلاله

مؤسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان

سال پنجم . شماره ۱۳ . زمستان ۹۶

قیمت ۵۰۰۰ تومان

در ایام شماره

آشنایی با طرح حفظ قرآن یک ساله و دو ساله در کنار تحصیل
داستان های از زندگی حضرت زهرا (س)
چهار گانه همسر مرا دوست بدارد
حق همسایه بر همسایه
مهارت های اجتماعی کودکان
تنفس در فضای مجازی

مدرسه حفظ قرآن اصفهان

حفظ یک ساله و دوساله قرآن کریم

بدون ترک تحصیل، بدون وقفه تحصیلی، بدون مرخصی تحصیلی

همراه با برگزاری کلاسهای درسی ویژه دختران و پسران

ویژه پایه های پنجم تا ششم

مدرسه حفظ قرآن پسران: خیابان جی، خیابان لاهور، ابتدای خیابان بلال شرقی

مدرسه حفظ قرآن دختران: چهارراه تختی، خیابان چهارباغ پایین، کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)

کسب اطلاعات و رزرو برای سال تحصیلی ۹۸-۹۷

مرکز پسران: ۰۳۱-۳۲۲۹۹۲۰۵ / مرکز دختران: ۰۳۱-۳۲۲۳۳۹۱۴

مؤسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان با همکاری آموزش و پرورش



مراکز قرآنی مهدقرآن در شهر اصفهان

در همه رشته های قرآنی ویژه همه سنین، به ویژه جوانان و نوجوانان

مرکز شماره ۱ (ویژه خواهران): چهارراه تختی، خیابان چهارباغ پایین، کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها) / ۰۳۱-۳۲۲۳۳۹۱۴

مرکز شماره ۲ (ویژه برادران): خیابان پروین، جنب پل عابر پیاده شهید رفیعیان، نبش خیابان صفوی نژاد / ۰۳۱-۳۲۲۶۲۷۴۸

مرکز شماره ۳ (ویژه خواهران): خیابان ابن سینا، کوچه ۳۷، جنب پارک شمس / ۰۳۱-۳۴۴۷۸۱۶۷

مرکز شماره ۴ (ویژه خواهران): خیابان جی، خیابان لاهور، ابتدای خیابان بلال شرقی / ۰۳۱-۳۲۲۹۹۲۰۵

مرکز شماره ۵ (ویژه کودک و نوجوان): خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه، روبروی درمانگاه موسی بن جعفر (ع)،

بن بست شمس / ۰۳۱-۳۴۴۶۳۳۳۱

ثبت نام در

آموزشگاه

تخصصی زبان
مهاده



موسسه تخصصی آموزش زبان
قرن کریم و ولایت
استان اصفهان

برگزاری کلبه دوره های آموزش زبان انگلیسی و عربی
شامل:

آموزش مکالمه، ترجمه، قواعد و صحیح خوانی متون عربی
همراه با اعطا، مدرک پایان دوره

آموزش مکالمه و گرامر زبان انگلیسی از مبتدی تا پیشرفته
همراه با اعطا، مدرک پایان دوره

برگزاری دوره های آموزشی زبان انگلیسی مخصوص خردسالان
با استفاده از استادان مجرب و مسلط به روانشناسی کودک

برگزاری دوره ای مکالمه آزاد

میدان شهید - خیابان ابن سینا - قبل از کوچه شماره ۳۷ - جنب پارک شمس
آموزشگاه تخصصی زبان مهاده

www.mehad.org



شماره تماس:
۳۴۴۷۸۱۶۴

هدایت

مرکز مشاوره

و خدمات روانشناختی

تحت نظارت سازمان بهزیستی و موسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان

خدمات مشاوره ای در زمینه های:

- مشاوره ازدواج
- مشاوره تحصیلی
- مشاوره کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده
- مشاوره روان سنجی
- مشاوره مذهبی و روان سنجی
- برگزاری کارگاه های آموزش خانواده

شماره های تماس: ۳۴۴۷۸۱۶۳
۳۴۴۷۸۱۶۵

آدرس: خیابان ابن سینا - فرسیده به کوچه ۳۷ (جنب پارک شمس)



ایمیل: moshaver.Mehad@yahoo.com
سایت: moshaver.Mehad.org

معرفی مراکز وابسته به موسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان

مدارس ابتدائی مهـاد

نام مرکز	آدرس	تلفن
دبستان قرآنی پسرانه مهادرین	خیابان جی، خیابان پروین، جنب پل هوایی شهید رفیعیان، نبش خیابان صفوی نژاد	۳۲۲۶۲۷۴۸
دبستان قرآنی پسرانه مهادر سپاهان شهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، بلوار بهمن ۲، جنب دبیرستان حکمت	۳۶۵۰۰۰۱۴
دبستان قرآنی پسرانه مهادر مدرس	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه-روبروی درمانگاه موسی بن جعفر (ع)- بن پست شمس	۳۴۴۶۳۳۳۱
دبستان قرآنی دخترانه مهادر صغیر	خیابان صغیر، نرسیده به چهارراه عسکریه، مقابل مسجد رفوی، کوی لاله	۳۲۲۸۵۲۴۹
دبستان قرآنی دخترانه مهادر بهارستان	بهارستان، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان طوطی، پلاک ۲۰۶	۳۶۸۲۳۵۳۵
دبستان قرآنی پسرانه مهادر بهارستان	بهارستان، خیابان الفت شرقی، روبروی بانک قوامین	۳۶۸۰۱۰۴۷
دبستان قرآنی پسرانه مهادر عسکریه	چهارراه عسکریه، نبش خیابان صغیر، کوچه محمدی، پلاک ۵	۳۲۲۸۵۴۰۶

مهد کودک و پیش دبستانی های مستقل مهادر

نام مرکز	آدرس	تلفن
پیش دبستانی قرآنی مهادر آل خجند	خیابان سروش، خیابان آل خجند، روبروی مسجد امام حسین (علیه السلام)	۳۲۲۵۸۷۳۵
پیش دبستانی قرآنی مهادر سپاهان شهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، خیابان فارابی ۶، کوچه لادن، پلاک ۸۰	۳۶۵۱۳۳۹۹
پیش دبستانی قرآنی مهادر مشتاق	خیابان مشتاق دوم، خیابان مهر، کوچه شهید علیخانی، ابتدای بلوار مهر	۳۲۶۰۴۵۷۴
مهدکودک جوانه های قرآن سپاهان شهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، الوند ۴، خیابان اوج	۳۶۵۰۹۰۵۵

مراکز قرآنی شهر اصفهان

نام مرکز	آدرس	تلفن
مرکز قرآنی شماره ۱ (خواهران)	خیابان ابن سینا - کوچه ۳۷ - جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۷
مرکز قرآنی شماره ۲ (خواهران)	چهارراه تختی - خیابان چهارباغ پایین - کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴
مرکز قرآنی شماره ۳ (کودک و نوجوان)	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه-روبروی درمانگاه موسی بن جعفر (ع)- بن پست شمس	۳۴۴۶۳۳۳۱
مرکز قرآنی شماره ۴ (برادران)	خیابان پروین - جنب پل عابر پیاده شهید رفیعیان - نبش خیابان صفوی نژاد -	۳۲۲۶۲۷۴۸
مرکز قرآنی شماره ۵ (خواهران)	خیابان جی - خیابان لاهور - ابتدای خیابان بلال شرقی	۳۲۲۹۹۲۰۵

مدارس حفظ قرآن با همکاری آموزش و پرورش

نام مرکز	آدرس	تلفن
مدرسه حفظ قرآن پسران	خیابان جی - خیابان لاهور - ابتدای خیابان بلال شرقی	۳۲۲۹۹۲۰۵
مدرسه حفظ قرآن دختران	چهارراه تختی - خیابان چهارباغ پایین - کوچه شماره ۱۱ (رشتی ها)	۳۲۲۳۳۹۱۴

مراکز تخصصی

نام مرکز	آدرس	تلفن
صندوق قرض الحسنه مهد قرآن	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۶۶۸۱
کتابخانه تخصصی قرآن و عترت	خیابان ابن سینا، کوچه شماره ۳۷ (میرعلی الدین)	۳۴۴۸۲۱۹۰
مرکز آموزشی کامپیوتر مهادر	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۶
مرکز آموزشی زبان مهادر	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۴
مرکز مشاوره هدایت	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۳

نمایندگی ها موسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان: بوئین و میاندشت - آران و بیدگل - بادرود - دولت آباد - تودشک - جادگان - خمینی شهر - خوانسار - خوراسگان - درجه - دهقان - سجری - سودر جان - شاهین شهر - شهر ابریشم - شهرضا - کوهپایه - گرگاب - کاشان - گزوبر خوار - گلپایگان - گلدشت - گلشهر - گوگرد - نجف آباد - مبارکه - هرنند - فریدونشهر - دهق - هاشم آباد - فولادشهر